

توان با

سال دوم شماره ۳ و ۴ صفحه پاییز و زمستان ۸۰
بها ۳۰۰ تومان

پیام دبیرکل سازمان ملل

گزارش ویژه: مثل دانه ای فرو افتادم ...

میوه ها شاهکار طبیعت



بابل شکستیم می توانم پرواز کنم
فرصت پرواز را از من دریغ مکن

آن طاه

آدم آسمان

شعد از من باش

مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد

(صد درصد رایگان)

آموزش:

کامپیوتر ، حسابداری ، نقشه کشی ، فلزکاری ، قالببافی ، خیاطی
زبان ، نقاشی ، خوشنویسی ، سفال

توانبخشی:

فیزیوتراپی ، کاردرمانی جسمانی ، کاردرمانی روان ، گفتاردرمانی

خدمات جانبی:

مشاوره ، مددکاری ، خدمات پزشکی ، سرویس ایاب وذهاب
رایگان و...

ویژه توان یابان (~~معلولین~~) جسمی - حرکتی

شهرک قدس ، فاز ۲ ، خیابان هرمزان ، خیابان پیروزان جنوبی شماره ۷۴

تلفن: ۸۰۸۲۲۶۶ - ۸۰۹۸۸۸۱ نمابر ۸۰۷۶۳۲۶

پست الکترونیکی: info.raad-ngo.org وب سایت: www.raad-ngo.org



حساب جاری جهت کمکهای مردمی

۱۶۵۸۸ - ۱۰۴۰ بانک تجارت شعبه گلستان شهرک قدس

سرمقاله

۲

سرمقاله

پیام

۳

پیام دبیر کل سازمان ملل متحد/ کوفی عنان

۴

پیام مدیر کل سازمان بهداشت جهانی/ دکتر براندتلند

گزارش

۵

گزارشی از مراسم ۱۲ آذرماه روز جهانی معلولین

۶

مثل دانه ای فرو افتادم تا مثل جنگلی برویم!

۹

کو مجالی که سراسر همه تقریر کنم...!؟

۱۱

گزارش عملکرد سه ماهه مجتمع

۱۲

گزارش کنگره ضایعات نخاعی

گفتگو

۱۴

شرح شکن زلف خم اندر خم جانان... گفتگو با محمود عامری

مقاله

۱۸

بررسی نقش نظام های حمایتی اجتماعی غیر دولتی در کاهش فقر (۲) / دکتر قاسم صالح خو

۲۳

اشتغال معلولین و مشکلات و موانع موجود در این زمینه/ کبری آهو خوش

۲۸

بررسی فقر و ناتوانی: کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته (بخش پایانی) / آن آلن

۳۳

توانایی در ناتوانی / دکتر غلامرضا قاسمی کبریا

۳۵

ورزش و سازگاری / فریبرز درتاج

۳۸

کودکانی که خواهر یا برادر معلول دارند

۳۹

ام اس؛ عصبی و بدون توقف / شهلا نوری زاده

۴۰

گزیده ای از چند پایان نامه

۴۴

میوه ها، شاهکارهای طبیعت / م. رومند

داخلی

۴۷

گزارش فعالیت های گروه جوانان رعد در سالی که گذشت

۴۸

یک نامه، یک پیشنهاد

۴۹

خبر

ادبیات

۵۲

پدر خوانده جوانمرد

۵۶

روزنه / مجتبی کاشانی

۵۸

درد آسمان / ترانه میلانی

۵۸

گزیده ای از متون ادبی

English

English abstracts of the content of this combined Issue of Tavanyab

توان یاب

سال دوم شماره ۳ و ۴ پاییز و زمستان ۸۰
توان یاب نشریه ای است که هر سه ماه یک بار منتشر
می شود.

صاحب امتیاز: مجتمع آموزشی نیکوکاری
رعد

مدیر مسول: دکتر قاسم صالح خو

کنترل کیفی: قاسم صالح خو - عبدالله توسلی -
سید جواد مدنی

مدیر اجرایی: غلامرضا سنگچولی

حروفچینی: معصومه زراعت گر -
حدیقه اسماعیل پور

صفحه آرایی: گروه همیاری جوانان مجتمع
آموزشی نیکوکاری رعد

طرح روی جلد: علی اکبر عرب

زیر نظر روابط عمومی مجتمع رعد

چاپ و صحافی: پنگوئن تلفن: ۳۹۱۴۹۹۴

صندوق پستی ۱۴۶۶۵/۱۴۴ تلفن: ۸۰۸۲۲۶۶
نمابر: ۸۰۷۶۳۲۶

Email: info@raad-ngo.org

نشریه توان یاب در اصلاح و خلاصه کردن
مقاله و نوشتارهای ارسالی آزاد است.

مقاله، عکس و موضوع های دریافتی
بازگردانده نمی شود. استفاده از موضوع و
مطلب های درج شده در نشریه توان یاب با
ذکر منبع آزاد است.

license Holder:

Ra'ad Rehabilitation Goodwill
Complex
Tavanyab is a Persian-language
quarterly publication.

سرمقاله

به هدف غائی، استقلال مالی نائل شوند. آرزو داریم که شمار نیکوکارانی که در این مسیر یار و مددکار رعد بوده‌اند پیشمار شوند، چه پیمودن این مسیر صعب العبور و گسترش کمی و کیفی انواع خدمات یاد شده، و پوشش وسیع‌تر این خدمات به جامعه جانبازان عزیز و دیگر معلولان توانخواه، پشتوانه مردمی و عزم ملی می‌طلبد. با یاد آوری "منشور رعد" همواره از خود می‌پرسیم، آیا رعد (جرقه برق که ابر سنگین را بارور و بارش رحمت الهی را مظهر حاصلخیزی و وفور نعمت می‌سازد) با انتخاب این نام مقدس (به اقتباس از سوره مبارکه رعد) می‌تواند برای خود وظیفه‌ای جز بارور کردن استعداد های و توانائی های بالقوه معلولین و هدایت آنان به فطرت الهی قائل شود؟ و آرزو می‌کنیم که بارش این رحمت، استعداد های معلولین را بارورتر و خانواده و محیط زندگی آنان و در نهایت جامعه را طراوت و شادی بیشتر بخشد.

باشد که اینچنین رسالتی باور جامعه را به توانمندی (ونه ناتوانی) های استعداد های ذاتی، اگرچه اغلب نهفته و ناشکفته، توانخواهان جسمی-حرکتی تقویت و از این رهگذر به ارتقاء موقعیت اجتماعی اقتصادی این قشر زحمتکش و غالباً محروم ولی مصمم، کمکی در حد بضاعت رعد، ولو هرچقدر ضعیف، به انجام رسانیم. و نیز باشد که از این رهگذر الگوئی مناسب و واقع‌گرا جهت تقویت فرهنگ خودباوری و لذت خودکفائی و استقلال اقتصادی و احتراز از عادت مذموم تکدی‌گری و مبارزه بی‌امان با پدیده شوم فقر، به‌ویژه در جامعه‌ای که به یقین مستحق تحمیل و تحمل رشد روزافزون فقرا و بیکاران نیست، ارائه دهیم.

دگر بار ناگزیریم متواضعانه از تأخیری که در انتشار بموقع توانیاب پیش آمده از حضور خوانندگان معزز، بویژه دوستداران و یاران و حامیان همیشگی رعد، پوزش بطلبیم. سوای از ضعف بضاعت و توان و کارائی، مشکلات عدیده و محدودیت های بی‌انتهائی که کم و بیش گریبانگیر کلیه نهاد های فعال خیریه غیردولتی، بویژه آنانکه مصرانه نیت به حفظ، و اصرار به تداوم اصالت "غیردولتی" خود داشته و صمیمانه به جای تکیه و تحمیل بر بودجه و امکانات دولتی اعتقاد راسخ به کاستن از بار "تصدی‌گری های دولتی" بویژه در اموری چون نیکوکاری - که گذشته و علاوه بر نیاز های مالی، عشق و عاطفه خاص به انجام امور خیر" را میطلبد- بی‌محابا و بانیت قربتاً الی الله، پا به میدان عمل و قدم در راهی سخت و ناپیموده گذارده‌اند نیز در تشریح علل (عذر و بهانه!) تأخیر بی اثر نبوده و نیست. غلبه بر محدودیت منابع و نیاز های مالی در شرایط دشوار اقتصادی کنونی، که همگان با تمام وجود لمس می‌کنیم، نیز باری اضافی به دغدغه های موجود مسئولان و مدیریت مجتمع و نهایتاً عملکرد گاه کمتر از مطلوب آنان در برخی از زمینه ها به شمار می‌رود.

دوستان رعد به خوبی می‌دانند که هدف اصلی و اساسی فعالیت های مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد همانا ارائه خدمات توانبخشی، آموزش فنی حرفه‌ای و دیگر خدمات جنبی حمایتی به جانبازان و افراد دچار محدودیت های جسمی-حرکتی، یا به عبارت بهتر توانخواهان، است که از این رهگذر و از طریق دستیابی امکانات شغلی و درآمد های مشروع اقتصادی با حفظ عزت و کرامت انسانی

پیام دبیر کل سازمان ملل متحد

آقای کوفی عنان به مناسبت روز جهانی معلول

۳ دسامبر ۲۰۰۱ مطابق با ۱۲ آذر ماه ۱۳۸۰

به معلولان باید به عنوان شرکای برابر در زندگی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع ما نگریسته و با آنها رفتار شود.

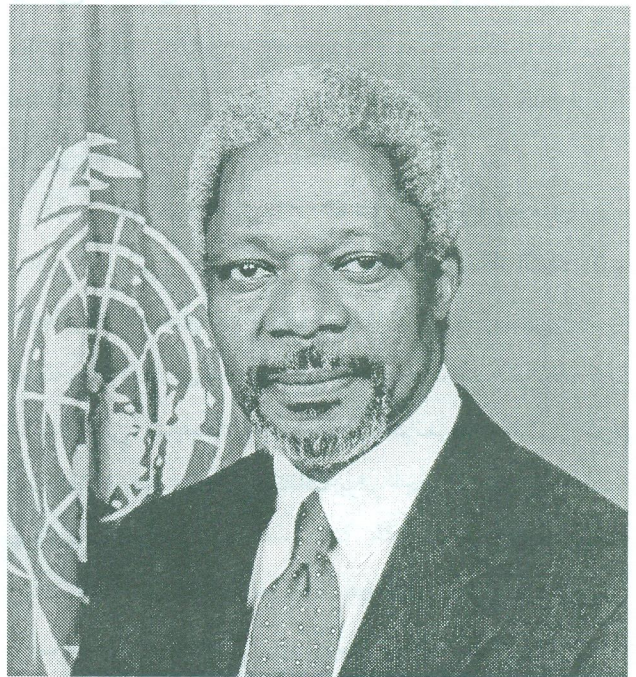
برای رسیدن به این هدف نیاز به برخوردهای مبتکرانه و غیر سنتی خواهیم داشت. فن آوری های ارتباطات و اطلاعات می تواند به ویژه ابزار مفیدی برای افزایش آگاهی راجع به مسائل معلولیتی و ارائه شغل و سایر فرصت ها به افراد معلول باشد. برنامه های خدمات اجتماعی که افراد معلول را درگیر روند تصمیم گیری

در این روز جهانی معلولان، اجازه دهید تا همگی ما بر تعهد خود نسبت به جامعه ای برای همگان تاکید ورزیم.

می نمایم، بیشتر و عادی تر می گردند. تربیت افراد در معیارهای بین المللی به ویژه حقوق زنان معلول ثابت کرده که این امر راه دیگری برای در نظر گرفتن دیدگاه معلولیت در روند سیاست گذاری محسوب می شود.

معلولان باید روزانه مبارزه نمایند تا نه تنها بر معلولیت خویش غلبه یابند، بلکه بر تبعیضی که با آن مواجه اند فائق آیند و به طور شاخص صبر زیاد، شخصیت قوی و روشنفکر از خود نشان دهند؛ این موارد ارزش هایی است تا همگی مردم مهارت ها و عقاید خود را ارائه دهند؛ این موارد ارزش هایی است که ما باید گرامی بداریم و افرادی که این ارزش ها در آنها نهفته است بایستی مورد حمایت و احترام کامل ما قرار گیرند.

در این روز بین المللی معلولان، اجازه دهید تا همگی ما بر تعهد خود نسبت به جامعه ای برای همگان تاکید ورزیم.



امسال موضوع روز بین المللی افراد معلول "مشارکت کامل و برابری" است. این موضوع همچنین هدف برنامه جهانی اقدام ملل

معلولان باید روزانه مبارزه نمایند تا نه تنها بر معلولیت خویش غلبه یابند، بلکه بر تبعیضی که با آن مواجه اند فائق آیند

متحد درباره افراد معلول که در سال ۱۹۸۲ به تصویب رسید نیز هست.

دست آوردها زیاد بوده است، اما جهان به تلاش خود برای ایجاد جوامعی که در آنها معلولان از همان فرصت هایی برخوردار شوند که سایر افراد خانواده بشری از آنها بهره مند هستند، ادامه می دهد و

۷ تا ۱۰٪ از جمعیت جهان دارای معلولیت می باشند

سخنان دکتر براندتلند (مدیر کل سازمان بهداشت جهانی) به مناسبت سوم دسامبر، روز جهانی معلول

تصادفات حمل و نقل نیز این مراقبت ها امکان زنده ماندن فرد را بالا می برد.

در سراسر جهان بیش از ۵۰۰ میلیون نفر با نیازهای ویژه مراقبتی، درمانی و حمایتی اجتماعی وجود دارند. اثرات متعاقب اجتماعی - اقتصادی این مسئله قابل توجه است. با این وجود، کمک به افراد دارای معلولیت می تواند، سبب شمرشردن آنان شده، زندگی رضایتبخشی را برایشان فراهم نموده و باعث می شود آنان بتوانند هم زمان از امکانات برابر اجتماعی با افراد عادی بهره مند شوند.

فقر و معلولیت ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و این دو موضوع را باید در کنار هم مورد بررسی قرار داد. تقریباً بیش از ۸۰ درصد از معلولین جهان در کشورهای در حال توسعه زندگی می کنند. اغلب مشاهده می شود که به طور کلی افراد دارای معلولیت فقیرتر از سایر اقشار هستند و برعکس افرادی که در محرومیت به سر می برند، بیشتر دچار معلولیت می شوند.

با توجه به ارتباط میان فقر و معلولیت، برخورد و دیدگاه، در مورد چالشهای آتی که معلولیت به همراه دارد، باید آژانسهای متعدد سازمان ملل و مؤسسات وابسته به ویژه مؤسسات مربوط به اشخاص دارای معلولیت را نیز در برگیرد. معلولیت را باید در چندین سطح دسته بندی کرد: پزشکی، مراقبتی، اجتماعی و سیاسی. بهترین روش آن است که براساس دستورالعملی مشترک در تمامی زمینه ها و به صورت مشترک اقدام گردد. WHO آماده است با تماس گروه های علاقه مند در این زمینه همکاری نماید.

«۷ تا ۱۰ درصد از جمعیت جهان دارای معلولیت می باشند، به عبارت دیگر، بیش از ۵۰۰ میلیون نفر دارای نیازمندیهای ویژه ای هستند. اکثریت این افراد، (حدود ۸۰ درصد آنها) در کشورهای در حال توسعه زندگی می کنند. برای کمک به افراد دارای این معلولیت ها، دکتر گروهارکم براندتلند مدیرکل سازمان جهانی بهداشت (WHO)، امروز خواستار همکاری نزدیکتر میان آژانس های سازمان ملل و سایر همکاران برای ایجاد یک دستورالعمل مشترک در مورد عدم توانایی (معلولیت) گردید.

دکتر براندتلند در روز جهانی معلولین مورخ سوم دسامبر اعلام کرد: با توجه به تعداد بی شمار افراد دارای معلولیت و پیچیدگی مسایل مربوط به آنان، آژانس های سازمان ملل موظفند دستورالعمل مشترکی برای معلولین فراهم آورده و آن را اجرا نمایند. برای انجام این کار تلاش وسیع تر و گسترده تری لازم است، (چه در سطح ملی و بین المللی) تا امکان برقراری ارتباط میان پیشگیری، درمان و بهینه سازی فرصت ها فراهم شود. چنین برآورد می شود که ۷ تا ۱۰ درصد جمعیت جهان ناتوانی هایی دارند که سبب می شود در فعالیتهای روزانه و عادی شان مشکلاتی ایجاد شود. چندین عامل عمده و رایج این ارقام (درصدها) خودنمایی می کنند. از جمله افزایش طول عمر، سبب ایجاد جمعیتی سالخورده شده که در این طبقه سنی معلولیت های بیشتری موجود است. حفاظت ها و مراقبت های پزشکی بهتر از فرزندان، سبب شده اطفال معلول امکان زندگی بیشتری بیابند. در مورد معلولیت های ناشی از حوادثی چون خشونت، درگیری و

گزارشی از مراسم ۱۲ آذرماه (۳ دسامبر) روز جهانی معلولین

یک دست بی صداست.

من، دست من، کمک ز دست شما می کند طلب
و اما چند خطی، هر چند کوتاه و مختصر، درباره آنچه که در
دوازدهم آذرماه امسال، در آمفی تاتر مجتمع گذشت.

در ابتدای مراسم یکی از توان یابان مجتمع چند آیه ای از
قرآن کریم تلاوت کرد و برای لحظاتی جمع حاضر را حال و
هوای روحانی بخشید. سپس مظهر وفاق ملی، سرود جمهوری
اسلامی ایران پخش شد. آنگاه آقای داریوش کاردان به عنوان
مجری فهرست برنامه های مراسم را اعلام کرد.

قبل از همه، آقای مدنی قائم مقام مدیر عامل مجتمع، پشت
تریبون قرار گرفت و به عنوان میزبان به حاضرین خیر مقدم گفت
و چند جمله ای در معرفی مجتمع رعد. پس از آن آقای دکتر
طرزی نماینده دبیرکل سازمان ملل و رئیس مرکز اطلاع رسانی
آن سازمان در ایران پیام آقای کوفی عنان، به مناسبت سوم
دسامبر (۱۲ آذرماه) روز جهانی معلولین را قرائت کرد. در
بخش های دیگر مراسم آقای دکتر قاسمی کبریا استاد دانشگاه،
سخنانی در تبیین توانایی و ناتوانی (معلولیت) ایراد کرد.

تواشیح زیبایی توسط گروه تواشیح طاها اجرا شد و چند تن
از توان یابان، اشعار و مقالات خود را ایراد کردند. در قسمت
دیگری از برنامه از توان یابان موفق و هنرمند با اهدای جوایز
قدردانی شد و مراسم با شرکت مدعوین و توان یابان بر خوان
رحمت خداوندی (سفره افطار) پایان یافت.

از نکات قابل توجه این مراسم:

- الف- همکاری همه جانبه و صمیمانه گروه های همیاری بانوان و جوانان رعد در برگزاری این مراسم.
- ب- حضور موثر و چشم گیر خبرنگاران و فیلمبرداران رسانه های جمعی، خصوصاً صدا و سیما که در نهایت به انعکاس خوب مراسم از شبکه های مختلف تلویزیونی و رادیویی انجامید.

پیام مدیر کل WHO (سازمان بهداشت جهانی) به مناسبت این روز را که می خواندم. چند جا تاکید و اشاره داشت که قریب ۷ تا ۱۰ درصد جمعیت جهان از نوعی کم توانی یا ناتوانی یا معلولیت رنج می برند. این یعنی یک تن در هر ۲ خانواده؛ یعنی از بین ۱۰ نفر، یک نفر و این را اگر در جمعیت میلیاردی جهان بسنجیم، یعنی صدها میلیون و در کشور خودمان حدود ۱۰ میلیون، یعنی کل جمعیت چند استان و ...

و ما برای این قشر عظیم چه کرده ایم؟ چه تدبیری اندیشیده ایم؟ چقدر امکانات مادی و معنوی مان را با نوع ضایعه ای که آنان دارند، هماهنگ کرده ایم؟

آیا برای پوشش دادن به این دوستان و هموطنان و هم کیشان و هم نوعان، اقدامات سازمان بهزیستی، بنیاد جانبازان، فدراسیون جانبازان و معلولین و ... کافی است؟

مسئله اگر این سازمان ها با همه امکانات و با تمام قوا و به طور آرمانی و انقلابی کار کنند، فقط می توانند حق حیات و زندگی را برای معلولین حفظ کنند. اما آیا فقط زنده نگه داشتن معلولین و جانبازان کافی است؟ منشور رعد می گوید: نه!! باید ابتدا فرهنگ و نگرش ما به پدیده معلولیت و کم توانی تغییر کند. قدم اول این است که نگوئیم: معلول. بگوئیم: توان یاب. توان یابان جسمی و حرکتی را ویال و سربار جامعه نبینیم و نخوانیم. آنکه فکر سالمی دارد. آنکه می اندیشد؛ معلول نیست؛ توانمند است. و این توانمندی با فراهم آوردن امکاناتی اندک، می تواند زمینه بروز بیابد. رعد در طول ۱۷ سال این را تجربه کرده و به عرصه ظهور رسانده، اما این کافی نیست.

سازمانهای مردمی و حرکتیهای خود جوش برای پیوند زدن این قشر میلیونی (توان یاب) به پیکر اجتماع باید متعدد شوند. تا دستی که به همت نیک مردان و نیک زنان یاور مجتمع رعد، به یاری توان یابان برخاسته، تنها نماند. فقط در حد یک نمونه!! در حد یک مثال!! و در حد یک مورد!!

مثل دانه‌ای فرو افتادم تا مثل جنگلی برویم!



گزارشگر: شکوه السادات نوابی نژاد

اشاره:

آنچه می‌خوانید، گفت‌وگویی است با سرکار خانم بلقیس خلوق، توان‌یاب موفقی که چندی پیش به‌عنوان عضو هیئت مدیره و رئیس شورای هماهنگی سازمان‌های غیردولتی (NGO's) ایران برگزیده شده‌اند.

به تمام کسانی که از دور، انتهای پهن بزرگراه‌ها را بن بست می‌بینند، اشاره‌ای! تلنگری! تا فردا را روزنه تنگ یک در بسته نبینند، تا روشنی روز را مثل یک تکه ابر در دست بگیرند و به دیگران تعارف کنند...

بلقیس خلوق ۳۶ ساله است، فوق لیسانس تاریخ دارد، کارشناس پژوهشی موزه ایران باستان است و قهرمان تیراندازی کشور!

کسی که معتقد است تمام جاده‌های عالم را می‌شود با پای جان پیمود؛ حتی روی صندلی چرخدار!

۱۴ سالگی سن بلند پروازی است. جایی که فکر می‌کنی می‌توانی از تمام کوه‌های عالم بالا بروی و از شیب تند تمام دره‌ها، سرازیر شوی. خیال می‌کنی می‌شود از روی بلندترین مانع دنیا با یک قدم بلند گذشته و به آخر دنیا رسید.

۱۴ سالگی من اما، نقطه آخر همه قدم‌هایم بود. ایستادم و راه ادامه داشت و خاطره دویدن را مثل عکس‌های سیاه و سفید کودکی، مثل یک یادگاری قیمتی در گوشه دنج خاطراتم نگه‌داشتم.

بچه چهارم یک خانواده شلوغ بودم. خانه‌ای قدیمی داشتیم در محله‌ای قدیمی‌تر با همان نمادهای همیشگی: حوض و باغچه و درخت!

۸ خواهر و برادر بودیم. همه را به صف می‌کردم و معلم می‌شدم.

هیچ‌کس اعتراض نمی‌کرد. برای همه مسلم بود که من می‌توانم معلم باشم. یادم نمی‌رود وقت‌هایی را که دنبال هم می‌دویدیم یا مسابقه می‌گذاشتیم برای رسیدن به دیوار ته حیاط... حیاط کوچک، اما بی‌انتهایمان!

از ۶ سالگی شاگرد شاخص مدرسه بودم. خوب درس می‌خواندم و می‌توانستم ارتباط خوبی با معلم و بچه‌ها برقرار کنم. همیشه مبصر کلاس بودم. راهنمایی که رفتم، جدی‌تر درس خواندم و در مسابقات قرآن در سطح کشور نفر اول شدم.

انقلاب که شد، فعال‌ترین عضو مدرسه بودم. برنامه‌های صبحگاهی و تنظیم و اجرایشان با من بود.

سال ۱۳۶۰ بود. ۱۴ ساله بودم. از طرف مدرسه ما را به بهشت زهرا بردند. خواستم بروم شهدا را ببینم. دردی تو کمرم تیر کشید. شوک عصبی! کمرم به شدت درد گرفت. پزشکان تشخیص دادند دیسک کمر است و باید خیلی زود عمل بشوم.

یک تشخیص اشتباه!

درد ساده‌ای که می‌توانست با فیزیوتراپی درمان شود. روز دوم و سوم بعد از عملم، یک حس درونی به من می‌گفت دیگر نمی‌توانم راه بروم. دکترها با اصطلاحات خاص پزشکی بالای سرم حرف می‌زدند. انگار معنی تمام حرف‌هایش را می‌دانستم.

۴ ماه در بیمارستان بودم و بعد مرخص شدم بدون آنکه کوچکترین اطلاعاتی درباره زندگی با معلولیت داشته باشم. بدون آنکه بدانم چه مشکلاتی بر سر راهم قرار دارد.

ایستگاه اتوبوس می ایستادم تا بالاخره راننده‌ای دلش به حال من بسوزد و اتوبوس را نگه دارد. نگاه‌ها، حتی حرف‌های مردم را تحمل کردم. اما کم‌کم راه جلوی پایم روشن تر شد. آن فضای مه‌آلود و تب‌دار، کم‌کم به فضایی شفاف و دلخواه تبدیل شد. خانواده‌ام که روزهای اول آن همه نگران بودند، وقتی سماجت و اصرارم را دیدند حتی تشویقم می کردند.

سال ۷۲ لیسانسم را گرفتم و دنبال کارگشتم؛ مدتی در شهرداری بودم؛ اما دیدم اصلاً با روحیه‌ام سازگار نیست. من به دنبال یک محیط صمیمی بودم و امنیت شغلی می‌خواستم که شهرداری برایم فراهم نمی‌کرد. عاشق معلمی بودم. دو سال رفتم آموزش و پرورش، گفتند حتی کسی با کوچکترین نقص هم نمی‌تواند وارد آموزش و پرورش

بزرگترین مفهوم زندگی‌ام این بود که معلولیت به معنی زمینگیر شدن نیست. به معنی فراگیر شدن است. قطره باران فرو می‌افتد تا دانه‌ای از خاک برخیزد.

بشود. دو سال پی‌گیر این مسأله بودم تا با این قانون مبارزه کنم. هر جا رفتم به محض اینکه صندلی چرخدار را می‌دیدند، می‌گفتند: نه...!! تا این که در آزمون میراث فرهنگی شرکت کردم. آزمونی که مثل تمام آزمون‌های استخدامی شامل زبان، معارف، ادبیات، اطلاعات عمومی و یک سری دروس اختصاصی مثل باستان‌شناسی و تاریخ و مردم‌شناسی می‌شد.

از سال ۷۳ به عنوان کارشناس پژوهشی در موزه ایران باستان کار می‌کنم و فکر می‌کنم این کار اگر نه صد درصد، اما خیلی زیاد با روحیه‌ام سازگار است.

سال ۷۴ در آزمون فوق لیسانس پذیرفته شدم و الان هم دارم خودم را برای امتحان دوره دکترا آماده می‌کنم. نزدیک به دو سال است که با چند نفر از اعضا، انجمنی را با نام «انجمن معلولین ضایعات نخاعی» راه‌اندازی کرده‌ایم و من به عنوان مؤسس و نایب رئیس و مدیر انجمن فعالیت می‌کنم. انجمن غیردولتی است و هدفش کمک کردن، آگاهی‌دادن و فراهم کردن تسهیلات اجتماعی و شهری، برای معلولین ضایعه نخاعی است.

همیشه منتظر یک معجزه بودم. هیچ‌کس نمی‌توانست باور کند تمام آن شور و شوق ۱۴ سالگی‌ام به سکون و سکوت رسیده است. من اما خیلی راحت پذیرفتم. آنقدر راحت که برای خانواده‌ام باور نکردنی بود. من به آنها امید می‌دادم و آنها نمی‌خواستند باور کنند. همیشه معتقدم خدا مصیبتی را نصیب آدم می‌کند که قبل از آن صبر و تحملش را داده باشد.

همه منتظر یک معجزه بودند و من منتظر جرقه‌ای بودم که راه را به من نشان بدهد.

برایم صندلی چرخدار خریدند. ولی من دوست نداشتم روی آن صندلی بنشینم. نتیجه‌اش سه سال خانه‌نشینی و انزوا بود. تنها کاری که در آن سه سال انجام دادم این بود که درس‌هایم را بخوانم و متفرقه امتحان بدهم.

صندلی چرخدار را دوست نداشتم. احساس می‌کردم مثل یک ماهی از جریان پر شتاب رودخانه‌ای بیرون افتاده‌ام و قرار است تا همیشه در یک گودال کوچک آب دست و پا بزنم.

بعد از سه سال خسته شدم. از یک جا ماندن دلم گرفت. تصمیم گرفتم وارد اجتماع بشوم. گفتم یا در مشکلات می‌میرم، یا موفق می‌شوم. دوست‌ها و معلم‌هایم کمتر به دیدنم می‌آمدند. احساس می‌کردم دارم فراموش می‌شوم. احساس می‌کردم دارم خاموش می‌شوم.

در رشته تجربی دیپلم گرفتم. قبل از معلولیت، بزرگترین آرزویم رشته پزشکی بود. اما دیدم نمی‌توانم. سال ۶۶ دیپلم گرفتم و در رشته علوم انسانی کنکور دادم. همان سال در رشته معارف اسلامی دانشگاه تهران قبول شدم. کمی که گذشت دیدم این رشته با روحیه‌ام سازگار نیست.

بدون آگاهی و شناخت و بدون علاقه این رشته را انتخاب کرده بودم. انصراف دادم و نترسیدم چیزی را از دست بدهم.

از دبیرستان به تاریخ علاقه‌مند شدم. احساس کردم اگر رشته‌ام را دوست نداشته باشم، کارآیی خاصی نخواهد داشت. همان سال دوباره در کنکور شرکت کردم و در رشته تاریخ دانشگاه تهران قبول شدم. بزرگترین مشکلم، رفت و آمد بود. شرایط مادی‌ام طوری نبود که بتوانم با تاکسی بیرون بروم. شاید اولین زن معلولی بودم که ساعت‌ها در

از سال ۷۳ احساس کردم نیاز دارم ورزش کنم. ریشه علاقه من به ورزش از سال‌های مدرسه در وجودم بود. به فدراسیون جانبازان رفتم و دیدم که فدراسیون فقط مربوط به جانبازان مرد است. اما گفتند: برو خیابان سمیه، آنجا تعدادی از خانم‌های معلول هستند. رفتم و از سال ۷۳ با دو و میدانی شروع کردم و نفاول مسابقات در سطح کشور شدم. سال ۷۴ با تیراندازی آشنا شدم که رشته نوپایی بود و فکر کردم با توجه به روحیاتم، این رشته برایم جذاب خواهد بود. در همان سال در مسابقات قهرمانی کشوری شرکت کردم و نفاول شدم. از سال گذشته دو رشته‌ای کار می‌کنم، تیراندازی با تفنگ و تیراندازی با تپانچه!

مسابقات تیراندازی با تفنگ به صورت درازکش باید انجام شود و چون مسابقات جهانی این رشته زنانه و مردانه برگزار می‌شود. امکان شرکت در مسابقات جهانی برایم وجود ندارد و شاید به خاطر همین تپانچه را هم انتخاب کردم.

مهمترین تصمیمم برای آینده، در درجه اول کنکور دکتر است و در درجه دوم هدفی که در انجمن معلولین ضایعه نخاعی در پی گرفته‌ایم. دلمان می‌خواهد به دیگری که بعد از ما دچار ضایعه نخاعی شده‌اند، آگاهی بدهیم تا از شرایطشان به خوبی استفاده کنند. شاید اگر کسی در آن سالها به من آگاهی می‌داد خیلی از موانع را دور می‌زدم. دیگر اینکه به فعالیتهای ورزشی ام پردازم. همه می‌توانند از زندگی لذت ببرند، هر کس لذت بردن را در چیزی می‌بیند. یکی در درس خواندن، دیگری در کار کردن، مهم این است که پشت همه این‌ها هدف بالاتری باشد.

بعضی وقت‌ها با خودم فکر می‌کنم، شاید اگر معلول نمی‌شدم، الان زندگی یکنواختی داشتم. یک کپی از یک زندگی معمولی! اما به این نتیجه رسیده‌ام که هر مصیبتی به نوعی موهبتی است. معلولیت به خاطر مشکلات بی‌نهایتی که دارد، انسان را به خودباوری و خودشناسی دقیقی می‌رساند که مقدمه خداشناسی است. خدا مرا در جاده‌ای قرار داد تا راحت‌تر بتوانم خودم را قبول کنم. بی‌اغراق می‌گویم که خانواده‌ام بیشتر از هر کسی در فامیل دلشان می‌خواهد با من مشورت کنند. فکر می‌کنند مشکلات معلولیت آنقدر مرا آبدیده کرده‌است که حتی می‌توانند بزرگترین مشکلاتشان را با من در میان بگذارند.

من در این مسیر فقط تو کلم به خدا بود. پشتوانه هر کس به چیزی یا

کسی است، مال پدر! و ... اما من پدرم را دو سال بعد از معلولیت از دست دادم. همیشه اتکایم به خدا بود و به جز او به هیچ کس تکیه نکردم..

الان مستقل زندگی می‌کنم. صد درصد از کارهای خانه و بیرون را خودم انجام می‌دهم. سال‌هاست که ذره‌ای از کارهایم را به کسی واگذار نکرده‌ام: از لباس شستن، پخت و پز و نظافت؛ خیلی وقت‌ها تا نیمه‌های شب کارهایم را انجام می‌دهم.

معتقدم هیچ کس بهتر از انسان، خودش را نمی‌شناسد. فقط کافی است کمی از زندگی‌های کلیشه‌ای فاصله بگیریم. به نظر من رسیدن به آرامش بزرگترین خوشبختی است و هر کس آرامش را در کاری می‌بیند. تنها درس نیست. تنها کار نیست. تنها ورزش نیست. ارزش خود زندگی از همه اینها بالاتر است.

اگر به سال‌های گذشته برگردم، به جای راه‌های سخت‌تر، راههای آسان‌تر را انتخاب می‌کنم. اما هدفم مطمئنم که همین است. فکر می‌کنم زندگی داستانی است پر از اتفاق‌های خوب و بد که ما باید از قسمت‌های بدش سریع بگذریم و قسمت‌های خوش را بارها و بارها بخوانیم تا فقط قشنگی‌های زندگی یادمان بماند.

دلم می‌خواهد هر کسی در هر شرایطی که هست، نسبت به معلول دید بهتری داشته باشد. در درجه اول به عنوان انسان و بعد به عنوان یک شهروند به او احترام بگذارد. معلول حق دارد زندگی کند، درس بخواند و تفریح کند. اگر دیگران قبول کنند، ما خیلی راحت زندگی می‌کنیم. فقط کافی است هر چه را برای خودش دوست دارد، حق معلول هم بدانند. چون معلولیت در کمین همه است. زندگی ماشینی و توأم با تکنولوژی امروز همه را در معرض این خطر قرار می‌دهد.

بهترین خاطره‌ام از زندگی، لحظه‌ای است که احساس کردم خودم می‌توانم کارهایم را انجام بدهم. لحظه‌ای که وارد اجتماع شدم و احساس استقلال کردم.

مهم، رفتن است. خیلی وقت‌ها، آنها که با پانمی‌توانند راه بروند، با جان و دل می‌روند و ممکن است زودتر از دیگران برسند.

شاید بزرگترین مفهوم زندگی‌ام این بود که معلولیت به معنی زمینگیر شدن نیست. به معنی فراگیر شدن است. قطره باران فرو می‌افتد تا دانه‌ای از خاک برخیزد.

کو مجالی که سراسر همه تقریر کنم...؟!

گزارشی از بازارچه خیریه مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد

گزارش از: خبرنگار نشریه توان یاب

اینکه شرشان را کم کند و صدایشان را کوتاه و در گوشه‌ای محبوسشان کند؛ بلکه برای اینکه بیدارشان کند؛ به آنان کار، هنر، عشق و اعتماد ببخشد. بار غم تنهایی را از روی سینه‌های ملامال از دردشان بردارد و به آنان بیاموزد که باری بر دوش خانواده و اجتماع نباشند. یاری باشند و مشغول به کاری.

مدیر بازارچه و عضو گروه همیاری بانوان رعد می گوید:

سیزدهمین بازارچه از این نوع است که با همکاری سایر اعضای

قرار است «رعد»، توان یابانش را بیدار کند، به آنان کار، هنر، عشق و اعتماد ببخشد.

قرار است به آنان بیاموزد که باری بر دوش خانواده و اجتماع نباشند، که یاری باشند و مشغول به کاری.

گروه و «گروه همیاری جوانان رعد» کسبه و صنوف نیکوکار و کارگاه‌ها و کارخانه‌های داوطلب، برگزار می‌کنیم. ضمن اینکه در قسمتی از این بازارچه تولیدات کارآموزان و کارآموختگان رعد نیز عرضه می‌شود. اما آنچه در این بازارچه می‌بینید، به یکی از طرق زیر تأمین و به فروش می‌رسد:

۱- تولیدات خانگی بانوان نیکوکار از قبیل انواع غذاهای سرد و گرم، مرباهای شیرینی‌ها و ... که کل عواید حاصل از فروش این محصولات به حساب مؤسسه واریز می‌شود.

۲- تولیدات کارآموزان مجتمع، که کل مبلغ حاصل از فروش این اقلام نیز درآمد مؤسسه محسوب می‌شود.



وارد که می‌شوی بوی بازار نمی‌آید؛ بوی کهنگی و حساب و کتاب و چرتکه و دفتر و دستک و قران و دینار. بوی یکرنگی و صفا و مهر می‌آید.

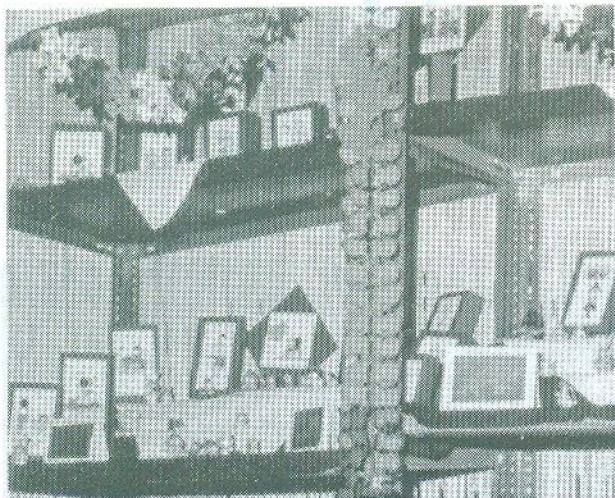
همه سعی می‌کنند چیزی وصول کنند، چیزی بفروشند، با جدیت و حرارت و سماجت. چرا؟ چون سود می‌برند؟
نه ... !!

از این بازار آنچه برایشان می‌ماند، خستگی است و آنچه عاید می‌شود، جیب خالی و حساب پاک و مسلماً اجربی حساب. تادینار آخری که از این بازار وصول می‌شود به حساب مؤسسه آموزشی نیکوکاری رعد مخصوص توان یابان جسمی و حرکتی گذاشته می‌شود. نه برای اینکه به این عزیزان کمک مقطعی بشود؛ نه برای

۳- تولیدات کار آموختگانی که در مؤسسه آموزش دیده اند و اینک در بیرون فعالیت دارند. این محصولات به وسیله خود این عزیزان عرضه می شود و فقط سود حاصله در اختیار مؤسسه قرار می گیرد.

بودجه مؤسسه کمک کنیم. امیدواریم در سالهای آینده بتوانیم اینگونه بازارچه ها را در کشورهای مختلفی که هموطنان ایرانی در آنها ساکن هستند خصوصاً در ایالات متحده برگزار کنیم. در خاتمه از مدیر بازار می پرسیم: به عنوان یک سازمان غیر

مدیر بازارچه: از سازمان های دولتی کمک و اعانه نمی خواهیم، توان یابان نیز چنین انتظاری ندارند. انتظار ما این است که توان یاب و کار آموخته ما، بلافاصله در سازمانی که به تخصص او نیاز دارد جذب شود. تا زحمت ما و او هدر نرود و بار دیگر به کنج تنهایی باز نگردد.



۴- چند غرفه نیز به عرضه محصولات کارگاه ها و کارخانه هایی اختصاص دارد که محصول خود را به قیمت تمام شده، به اضافه ۱۰ درصد سود عرضه می کنند. البته با احتساب این سود باز هم قیمت این محصولات ارزانتر از قیمت عمده فروشی است. ۱۰ درصد سود یاد شده به حساب مجتمع واریز می شود.

دولتی (NGO) چه انتظاری از نهادهای دولتی دارید؟
می گوید: ما سازمانی هستیم که عده ای از توان یابان جسمی حرکتی عادی یا جانباز را پوشش می دهیم. به آنان یاد می دهیم که اعضای ناتوانشان را فراموش کنند و با تکیه بر اعضای سالم و آنچه نشانه حیات در آن است. حرفه ای بیاموزند، از کنج خانه ها و حصارها بیرون آیند و برای خود و اجتماعشان با وجود ناتوانی جسمی، عضوی مفید و موثر شوند.

۵- چند کارخانه معتبر نیز مقداری از تولیدات خود را به قیمت عمده فروشی در بازارچه عرضه می کنند و کل مبلغ حاصل از فروش را در اختیار مؤسسه می گذارند.

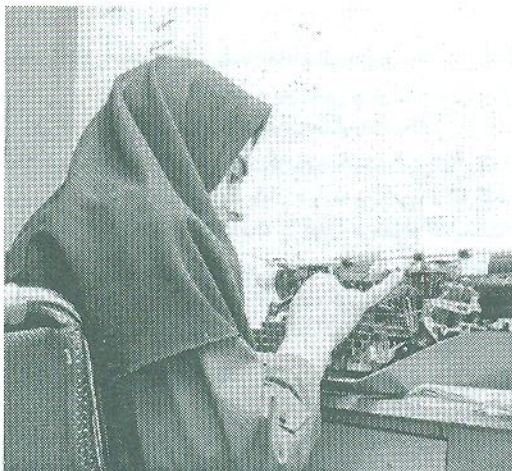
ما از سازمان های دولتی کمک و اعانه نمی خواهیم؛ توان یابان نیز چنین انتظاری ندارند. انتظار ما این است که توان یاب کار آموخته ما، بلافاصله در سازمانی که به تخصص او نیاز دارد جذب شود، تا زحمت ما و او هدر نرود؛ تا بار دیگر به کنج تنهایی و انزوا برنگردد. انتظار ما این است که ضمن ارزیابی اهداف و اعمال مؤسسه ما، قانونگذاران همچنان که مساجد را از پرداخت هزینه های آب و برق و گاز معاف کرده اند، برای ما نیز معافیت قائل شوند.

۶- و در نهایت تعدادی از غرفه ها نیز به تناسب موقعیت و فضایشان در طول هفته برگزاری بازارچه به تولیدکنندگان اجاره داده می شود و از این طریق نیز مبلغ قابل توجهی عاید مجتمع می شود. مدیربازار در جواب این سؤال که آیا برگزاری این گونه بازارچه های خیریه مختص داخل کشور است، می گوید: خیر. ما همیشه به دنبال جذب کمک های هموطنان علاقه مند و نیکوکار خارج از کشور نیز بوده ایم. اینجانب و سایر دوستان به علت زمینه ای که در سال های اخیر در کشور انگلستان فراهم شد، سه بار در این سال ها در کشور فوق بازارچه های مشابهی به راه انداختیم و توانستیم از محل درآمد این بازارچه ها مبلغ قابل توجهی به

خداحافظی می کنم از مسئول بازار و از زن و مرد و پیر و جوانی که هم چنان با جدیت کار می کنند تا حاصل تلاششان را ایثار کنند. و این شعر مولانای اختیاری بر زبانم جاری می شود:
ای دل چه اندیشیده ای در عذر آن تقصیرها

گزارش عملکرد سه ماهه مجتمع

طبق روال شماره های قبل، ذیلاً گزارش عملکرد ۳ ماهه مجتمع در ماه های مهر، آبان و آذر ۱۳۸۰ برای آگاهی خوانندگان تقدیم می شود:

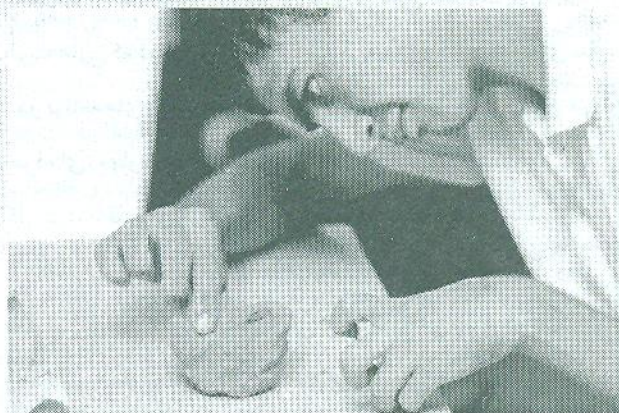


فعالیت های درمانی و توان بخشی

| شماره ردیف | کار درمانی | تعداد نفرات |
|------------|-------------------|-------------|
| ۱ | کار درمانی جسمانی | ۳۸۶ جلسه |
| ۲ | کار درمانی روان | ۳۵۵ جلسه |
| ۳ | فیزیوتراپی | ۵۱۰ جلسه |

کلاس های فعال در سه ماهه اخیر

| شماره ردیف | عنوان کلاسها | تعداد دوره |
|------------|--------------------|------------|
| ۱ | ماشین نویسی | (۲) دوره |
| ۲ | کارورز پایه درجه ۲ | (۴) دوره |
| ۳ | حسابداری مقدماتی | (۱) دوره |
| ۴ | حسابداری تکمیلی | (۱) دوره |
| ۵ | کارورزی حسابداری | (۱) دوره |
| ۶ | نقشه کشی ساختمان | (۲) دوره |
| ۷ | Win ۹۸ | (۱) دوره |
| ۸ | Word ۹۷ | (۱) دوره |
| ۹ | زرنگار | (۱) دوره |
| ۱۰ | اتوکلد ۱۴ | (۲) دوره |
| ۱۱ | اتوکلد ۲۰۰۰ | (۱) دوره |
| ۱۲ | فتوشاپ | (۲) دوره |
| ۱۳ | کرل | (۲) دوره |
| ۱۴ | سخت افزار | (۲) دوره |
| ۱۵ | زبان انگلیسی | (۵) دوره |
| ۱۶ | قالیافی | (۲) دوره |
| ۱۷ | خوشنویسی | (۲) دوره |
| ۱۸ | خیاطی | (۱) دوره |
| ۱۹ | نقاشی و طراحی | (۲) دوره |
| ۲۰ | فلزکاری | (۱) دوره |
| ۲۱ | مهارت های اجتماعی | (۲) دوره |



آمار کارآموزان و کلاس ها

| شماره ردیف | عنوان | تعداد |
|------------|---------------------------------------|---------|
| ۱ | تعداد کل کارآموزان تحت پوشش | ۲۰۵ نفر |
| ۲ | تعداد کل فرصت های ایجاد شده جهت آموزش | ۳۶۵ نفر |
| ۳ | تعداد کل کلاس های فعال در سه ماهه سوم | ۲۹ کلاس |



گزارش کنگره ضایعات نخاعی

اشاره:

در روزهای هشتم و نهم بهمن ماه سال جاری نخستین کنگره ضایعات نخاعی ایران، در دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی برگزار شد. نیز طی این کنگره انیستیتو تحقیقات ضایعات نخاعی ایران به عنوان یک نهاد غیر دولتی، تاسیس شد که امید است این نهاد بتواند، خدمات شایسته ای را به جامعه توان یابان ضایعه نخاعی، ارائه کند. در این کنگره مجموعاً ۴۴ مقاله پیرامون موضوع ضایعات نخاعی ارائه شد که در این فرصت مختصری از دو مقاله که به علت جنبه عملی و کاربردی آنها، بیشتر مورد استفاده توان یابان قرار خواهند گرفت، تقدیم می شود.

تحریریه توان یاب

انگیز است. لذا در بحث توانبخشی به اهداف و برنامه های آن و ارائه خدمات پزشکی و اجتماعی و در نهایت توانبخشی حرفه ای و به استقلال رسیدن و خود کفائی معلول مطرح می شود، که از اهمیت ویژه ای برخوردار است و در حقیقت می توان گفت تمام هزینه ها و خدماتی که در توانبخشی پزشکی و اجتماعی برای معلول می شود باید بتواند ضمن بالا بردن توانایی ها و شکوفائی استعدادها، زمینه الحاق او را به جامعه فراهم آورد. والا تمام خدمات ارائه شده و هزینه هایی که در این راه مصرف شده، به هدر رفته و نتیجه ای ندارد. در برنامه های توانبخشی حرفه ای باید با ارائه آموزش های فنی و حرفه ای، مهارت شغلی معلول را بالا برد و او را آماده ورود به بازار کار کرد. تا قادر باشد به شغلی مناسب در جامعه دست یابد.

اما یکی از مشکلاتی که در فرایند توانبخشی حرفه ای گروهی از معلولین، وجود دارد. اشتغال زائی برای آنان می باشد که بعلت نوع و شدت معلولیت، قادر به دستیابی شغلی مناسب در اجتماع نمی باشند. این گروه از معلولین مانند: جسمی حرکتی شدید، ضایعات نخاعی، چند معلولیتی، افراد کم توان ذهنی آموزش پذیر، با توجه به مسائل و مشکلاتی که از نظر انطباق با محیط زندگی، جامعه و کار دارند کمتر قادر به استفاده از فرصت های عادی مانند دیگران بوده، از این نظر نیاز مبرم به حمایت های قانونی دارند. از این رو نقش کارگاه های تولیدی حمایتی در ارائه خدمات توانبخشی حرفه ای و زمینه سازی اشتغال یابی این گروه از معلولین از اهمیت ویژه برخوردار است. سیستم کارگاه های تولیدی حمایتی که با سرمایه گذاری دولتی و هزینه زیادی تاسیس می شود. باید به گونه ای طراحی شود، که قادر باشد به مسائل و مشکلات پاسخ مناسب بدهد. لذا در این طرح با توجه به مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقلیمی هر کارگاه، سعی شده است، مسائل زیر مورد بررسی قرار گرفته، پیشنهاد اجرایی ارائه شود.

۱- جایگاه کارگاه های تولیدی در نظام دولتی کشور

۱. کارگاه های تولیدی حمایتی؛ رهیافتی در جهت آموزش

حرفه ای و اشتغال زایی معلولین

نویسنده: مهندس سیروس مخصوص

معلولین در آرزوی رسیدن به حقوقی هستند که سایرین دارا می باشند. این بیانیه ساده و اساسی از طرف همگان احساس نشده و مورد تأیید قرار نگرفته است. زیرا ما شاهد این واقعیت هستیم که هیچ کشوری حتی در زمان شکوفائی اقتصادی مسئله شرکت دادن افراد معلول خود را در زندگی فعال اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حل نکرده است. در جایی که بیکاری فراوان است، معلولین بیش از دیگران صدمه می بینند و امید این افراد برای پیدا کردن کار بسیار کم است. به طوری که نرخ بیکاری آنان حداقل دو برابر افراد عادی می باشد؛ زیرا نگرش افراد جامعه خصوصاً کارفرمایان در مورد آنان منفی بوده و بیشتر به ناتوایی های آنان توجه می کنند و اگر هم کاری به آنان ارجاع نمایند از روی ترحم و دلسوزی است. متأسفانه این گونه نگرش ها باعث می شود که نه تنها حقوق انسانی معلولین نادیده گرفته شود؛ بلکه منافع اقتصادی را که در صورت ارجاع کار به این افراد، عاید خود آنها، خانواده و کشور می شود، به حساب نیوریم. از نظر انسانی تصور معلولی که احساس بی کفایتی و وابستگی و عدم اطمینان به آینده می کند، فردی که اغلب مطرود جامعه است و یا برای امرار معاش به گدائی روی می آورد خیلی غم

- با تعمق در هر یک از موارد مذکور به روشنی دریافت می شود که خدمات مؤسسه ای و خانوادگی بدون همکاری و همیاری مسئولان جامعه و مردم نمی تواند برآورنده نیازهای افراد دچار معلولیت باشد.

مسئله جامعه این استعداد و توان را کاملاً داراست که در فرایند توانبخشی، نقش بسیار مهم خود را ایفا نماید. به خصوص در مورد معلولین ضایعه نخاعی که مسائل آنان و خانواده هایشان در ابعاد اجتماعی و خانوادگی شایان اهمیت بسیار است و جداً نگرش و پذیرش و همکاری مردمی در این باره، می تواند حیاتی و مهمترین رکن واقع گردد. زیرا که در مورد معلولین ضایعه نخاعی متأسفانه بهبودی وضعیت جسمی مورد انتظار نیست. می بایست فعالیت و اقدامات، بنابر قبول واقعیت از ناحیه فرد مبتلا، پیشگیری از عوارض ثانویه و حفظ تعادل خانواده، تقویت روحیه و داشتن ارتباطات روزمره مطلوب با سایرین مهیا باشد و این همه در گرو ساماندهی امر و ارتقای آگاهی و مشارکت های مردم با آنان است و سعی می شود در قالب این مقاله راهکارهای عملی در مورد آن ارائه شود.

با توجه به اینکه هم اکنون از طریق پایگاه هایی در ستاد بهزیستی استان ها، تیم های سیار جهت خدمت رسانی به معلولین ضایعه نخاعی فراهم گردیده و اعزام می شوند. (البته خدمات این تیم کاملاً تخصصی و در ابعاد پزشکی و پیراپزشکی و مددکاری اجتماعی است)، به سهولت می توان با اشرافی که تیم های مزبور، به وضعیت زیستی و نیازهای ویژه هر کدام از معلولین تحت پوشش دارند، به وسیله آنان حساسیت لازم را در مردم ایجاد و با شناسایی نیروهای متخصص و شاغل ساکن در منطقه و نیز مردم عادی داوطلب خدمت به فرد معلولی که در محله آنان ساکن است، در قالب یک انجمن غیر رسمی محلی خدمات اجتماعی شایسته و منبعث از عاطفه و احساس مسئولیت و تعلق خاطر مردم، ارائه نمود. به گونه ای که در تمام لحظات و اوقات، فرد معلول را مورد حمایت داشته باشند و موجبات همزیستی عادی آنان را فراهم نمایند. بدیهی است برای آگاه سازی و تشکل مردم و تشکیل انجمن مورد نظر اقدامات مقتضی می بایست به عمل آید که چگونگی آن به تفصیل گزارش خواهد شد.

۲- اهداف و برنامه های آموزشی کارگاه های تولیدی با توجه به توسعه منطقه ای

۳- چگونگی سیستم اعتبارات و گردش مالی که بتواند توجیه اقتصادی داشته باشد.

۴- چگونگی جذب و مشارکت سازمان ها و ارگان های دولتی و خصوصی و افراد خیر در جهت اهداف توانبخشی حرفه ای

۵- چگونگی زمینه سازی اشتغال معلولین در حوزه فعالیت (خود اشتغالی، شرکتهای تعاونی خاص معلولین و...)

۶- چگونگی مشارکت والدین معلولین در برنامه توانبخشی حرفه ای

۲. راهکارهای عملی برای تأمین بهزیستی معلولین ضایعه

نخاعی از طریق همکاری های مردمی (انجمن غیر رسمی محلی)

نویسنده: دکتر مجتبی فتحعلی

امروزه پدیده معلولیت و حضور بسیار افراد مبتلا به آن در جوامع مختلف، بخش عظیمی از برنامه ریزیها و اقدامات و خدمات اجتماعی را به خود معطوف داشته و آنان دیگر، اقشاری متفاوت و یا در حاشیه جوامع تلقی نمی شوند و نیازهای ویژه آنان برای برخورداری از یک زندگی بالنسبه عادی و طبیعی بردست اندرکاران و اندیشمندان پوشیده نیست و می دانیم که تمهیدات فراوان و مکملی از اقدامات و حمایت هارامی طلبد تا که بشود آنها را برآورده ساخت. بدیهی است که دیگر کسی فکر نمی کند محدوده زیستی فرد دچار ضایعه و نقصان، فقط چارچوب خانه است و با این تفکر قطعاً موجودیت مؤسسات خدمات اجتماعی و توانبخشی هم مأمون مطلوب و هدف نیست، بلکه همچون افراد سالم، همه گستره جامعه باید پذیرای افراد دچار معلولیت نیز هم باشد.

- کم توانی در انجام امور

- نداشتن فرصت حضور در مجامع و مجالس و همزیستی با

سایرین

- دور از دسترس بودن خدمات مورد نیاز

- موانع حضور و مورد پذیرش نبودن معلولین در صحنه های

مختلف اجتماعی

- گستردگی و فزاینده بودن نیازها و کمبود اعتبارات تخصیص

یافته دولتی برای پاسخگوئی

شرح شکن زلف خم اندر خم جانان

کوتاه نتوان کرد که این قصه دراز است

گفتگو با محمود عامری

آنچه بر رعد گذشت ...

پای صحبت یکی از اولین های رعد.

زمانه قرعه نو می زند به نام شما

خوشا شما که جهان می رود به کام شما

تنور سینه ما به یاد آرید

کز آتش دل ما پخته خام شما

از آن زلف های شبق گون اکنون جابه جا تارهای خاکستری

مانده اند در میان انبوهی سپید. و از آن چشم و ابروی سیاه، دو چشم

خاکستری نافذ در چشم خانه، آن هم در پشت دریچه ای عاریتی،

به نام عینک.

می شنوی که: هفده سال است کارگاه های رعد را اداره می کند.

که خودش بنیادشان گذاشته، پربارشان کرده و صدها توان یاب را

هنری و حرفه ای آموخته و پی یک زندگی پویا فرستاده است.

به مدد ابزار هزاران نگار خیلی راحت می نویسی:

هفده سال!! اما اگر اندکی تأمل کنی و نیک بیندیشی خود عمری

است و چه عمر عزیزی از سی و چهار، تا پنجاه سالگی. از همه چیز

گذشتن از «خور و خواب و خشم و شهوت» و دل بستن به زندگی

پربار داشتن و زندگی پربار بخشیدن؛ به آنان که روزی اندام و

جوارحی سالم داشتند و حال ندارند یا از ابتدای تولد نداشته اند،

خود ناخواسته.

هم سن و سال های او به اصطلاح پیشرفت کرده و صاحب همه

چیز شده اند. اما او چه دارد: آپارتمانی هفتاد متری که هنوز هفتاد

درصد قسطش مانده و....!!

اما از دنیا به همین خرسند است. زیرا بهره پرباری از عمر خویش

را وقف کمک به برافراشتن بنایی استوار و ماندگار چون مجتمع رعد

کرده است.

سرگذشت و زندگی محمود عامری این آموزگار ایمان و عمل با

سرگذشت مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد، گره خورده است.

ساعت ها و روزها به دنبال او هستم تا چند کلمه با من سخن

بگوید. اما او میلی به سخن گفتن ندارد. همه حرف ها را در آن هفده

سال زده است، با این کار کارستان.

تاریخچه تأسیس و رشد و گسترش رعد را خوانده و شنیده ام.

اما می خواهم از زبان او بشنوم که دیده است و لمس کرده. عاقبت در

مقابل سماجت من تسلیم می شود. و با یک شرط، اینکه نام

نیکوکاران بنیانگذار رعد را نیاورم که راضی به این امر نیستند!!

قول می دهم، سخن آغاز می کند و من سرا پا گوش می شوم:

شرح شکن زلف خم اندر خم جانان

کوتاه نتوان کرد که این قصه دراز است

در سال ۱۳۶۳ یعنی چهار سال پس از تحمیل جنگ به کشور

ایران اسلامی، اولین آسیب های اجتماعی این پدیده آشکار شد.

بسیاری از جوانان برومند ما که در قالب نیروهای مسلح سازمان یافته

یا تشکل مردمی بسیج راهی جبهه های دفاع مقدس شدند به فیض

شهادت نائل آمده، گروهی دیگر از این عزیزان بر اثر جراحاتی که به

آنان وارد شد، دچار نقص جسمانی شدند. این عزیزان که اکنون ما از

آنان به عنوان جانباز یاد می کنیم؛ همگی دارای استعدادهای درخور

و اندیشه هایی والا بودند. اما پس از گذراندن دوران حاد آسیب

جسمی، روانه خانه ها یا آسایشگاه ها شده، در شرایطی قرار

می گرفتند که بجز جسم آزرده شان، روحشان نیز به شدت آزار

می دید.

علاوه بر این قشر، یک جمعیت میلیونی از معلولین عادی

گفت و گو

جسمی. حرکتی نیز سال‌ها بود که با داشتن توانایی‌های بسیار، در کنج خانه‌ها زندانی و منزوی شده بودند.

گروهی از متخصصان متعهد و نیک‌اندیش با درک این شرایط به فکر ایجاد مرکزی برای توان‌بخشی و آموزش فنی و حرفه‌ای به این دو قشر نه‌چندان‌قلیل جامعه افتادند. آنها امیدوار بودند که به این توان‌یابان حرفه‌ای متناسب با وضعیت جسمانی‌شان پیام‌رسانند و آنان را تا مرحله جذب در بازار کار همراهی کنند.

در سال ۶۳ به‌جز انجام تشریفات ثبت این تشکل به نام «رعد» و اخذ موافقت سازمان بهزیستی برای انجام فعالیت‌هایی که در اساسنامه آن پیش‌بینی شده بود، اولین کارآموزان که ۳ تن آنان از جانبازان جنگ تحمیلی و دو تن، توان‌یاب عادی بودند در اتاق کوچکی در جنوب غرب تهران (یافت‌آباد) آموزش دیده، جذب بازار کار شدند.

سال ۱۳۶۴ که اینجانب به گروه «رعد» پیوستم، امکانات مالی مؤسسه بسیار محدود و منحصر به کمک‌هایی بود که عده انگشت‌شمار مؤسسين می‌پرداختند. جذب کمک‌های بیشتر مردمی مستلزم ایجاد باور نسبت به اهداف خیرخواهانه رعد داشت. در آغاز سعی کردم با سازمان‌هایی که بیش از سایر نهادهای دولتی حوزه کاریشان با ما سنخیت داشت، ارتباط برقرار کنم. (سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور و سازمان بهزیستی).

با مساعدت مدیریت وقت سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای، امکانات زیادی برای آموزش کارآموزان فراهم شده، مقرر شد سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کارآموزان رعد را در مراحل آموزش، امتحان و اخذ مدرک معتبر و در نهایت اشتغال در مراکز تولیدی و کارخانه‌ها همراهی کند. در همین راستا و با توصیه این سازمان‌ها تعداد زیادی از مراکز تولیدی - صنعتی اطراف تهران، برای جذب کارآموزان رعد اعلام آمادگی کردند.

در همان سال ما توانستیم موافقت سازمان بهزیستی استان تهران را برای در اختیار گذاشتن (پارکینگ) مرکز ناینایان ابا بصیر واقع در خیابان قزوین روبه‌روی دخیانیت؛ برای ایجاد کارگاه جلب کنیم. سال ۶۵ ما توانستیم با توجه به مکان بزرگتری که در اختیار داشتیم علاوه بر رشته نقشه‌کشی، رشته الکتروتکنیک (موتور پیچی)

رأه‌اندازی کنیم.

در سال یادشده هیأت مدیره ۷ نفری مجتمع شکل گرفت.

در اولین جلسه رسمی هیأت مدیره مقرر شد که اینجانب همه ساله در ابتدای سال بودجه مجتمع را بر اساس برنامه‌های آموزشی تنظیم کنم و در پایان سال (مراسم اختتامیه) صورت درآمدها و هزینه‌های مجتمع را ارائه کنم. البته به علت عدم امکان پیش‌بینی همه هزینه‌ها در آن زمان و اکثر سال‌های بعد همیشه هزینه‌ها، بر میزان کمک‌های متمرکز شده در حسابمان می‌چربید. که این مازاد هزینه نیز به‌طور مساوی بین هیأت مدیره تقسیم می‌شد و آنها ملزم به پرداخت یا وصول آن از سایر نیکوکاران بودند.

در مورد گرفتن زمین برای احداث مجتمع، دوستان از ابتدای به ثبت رساندن این تشکل از طریق نهادها و سازمان‌های مختلف چون: اوقاف، زمین شهری، شهرک مارلیک و... پی‌گیری کرده‌اند اما نتیجه‌ای نگرفته بودند. همه ما به لحاظ افق و دورنمای وسیعی که برای مجتمع در نظر گرفته بودیم، آرزوی بنای ساختمانی با امکانات رفاهی ویژه، برای رفت و آمد توان‌یابانی که از ویلچر، عصا یا بریس استفاده می‌کردند، داشتیم. مکانی که در آن بتوان همزمان به حداقل ۳۰۰ تن از توان‌یابان جسمی حرکتی آموزش داد.

اقدامات اولیه برای در اختیار گرفتن زمین مجتمع فعلی در سال ۱۳۶۵ آغاز شد و در سال ۶۶ درست در اوج موشک‌باران شهر تهران به وسیله رژیم عراق، این زمین در اختیار ما گذاشته شد. (از طرف سازمان نوسازی اراضی غرب تهران).

با گرفتن زمین، تازه ما در ابتدای راه قرار گرفتیم. از یک طرف سازمان واگذارکننده از ما تعهد گرفت که عملیات ساختمانی را حداکثر ۶ ماه پس از تحویل زمین شروع کنیم و از طرفی حساب بانکی مجتمع کاملاً خالی بود.

یکی از خیرین در همان ابتدا مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ تومان کارسازی کرد که با آن مبلغ توانستیم مقدمات گرفتن جواز از شهرداری را فراهم کنیم. متأسفانه شهرداری به سبب وجود مقررات محدودکننده نتوانست هیچ کمکی به ما بکند و در هزینه‌های صدور جواز تخفیفی برایمان قائل شود. البته کارکنان شهرداری منطقه ۲ در تسریع گردش کار و صدور جواز، نهایت مساعدت را به عمل آوردند.

انجام پروژه‌های مردمی در این ابعاد به طور بسیار تدریجی و مرحله‌ای انجام می‌شود. یعنی این گونه نیست که شما نقشه هزاران متر زیر بنا را تهیه کرده، با تکیه بر بودجه‌ای که قبلاً به حسابتان واریز شده، عملیات ساختمانی را شروع کنید و طی یک زمان بندی چند ماهه به اتمام برسانید. کار احداث یک ساختمان در ابعاد مجتمع رعد آن هم فقط به اتکای کمک‌های مردمی، آنچنان که تصور می‌کردیم

اولین کارآموزان که ۳ تن آنان از جانبازان جنگ تحمیلی و دو تن، توان‌یاب عادی بودند در اتاق کوچکی در جنوب غرب تهران آموزش دیده، جذب بازار کار شدند.

ساده نبود و سال‌ها طول کشید. همان‌طور که کمک‌ها ذره، ذره و قطره، قطره جمع می‌شد. ساختمان هم پله پله، بالا می‌رفت.

لزوم پی‌گیری کار احداث ساختمان مجتمع باعث شد که در سال ۱۳۶۵ با ۲۶ سال و ۱۰ ماه خدمت در آموزش و پرورش (فنی و حرفه‌ای) تقاضای بازنشستگی کنم. در اسفندماه سال ۱۳۶۸ کلیه مجوزها آماده شد. کل نقشه‌های ساختمان را هم مهندسین یک شرکت ساختمانی به طور رایگان ترسیم کردند. با وجودی که روزهای پایانی سال بود و معمولاً همه در تدارک تعطیلات نوروزی بودند، عملیات خاکبرداری را شروع کردیم. با این انگیزه که کار را قبل از سال ۶۹ زخمی کرده باشیم. عملیات خاکبرداری تا اردیبهشت ۱۳۶۹ طول کشید. یعنی در طول دو ماه حدود ۲۰ هزار متر مکعب خاک را جابه‌جا کردیم.

از ابتدای سال ۶۹ تا پایان تابستان ۷۰ با کمک‌های گردآوری شده، توانستیم فونداسیونی برای تحمل ۴۲۰۰ متر مربع زیر بنا، پی‌ریزی کنیم. پایان عملیات فونداسیون و اتمام بودجه مجتمع، مصادف شد با مراسم اختتامیه دوره‌های آموزشی ما در سال ۱۳۷۰. این مراسم در محل موقتی مجتمع (زیر زمین مرکز نابینایان ابابصیر) برگزار شد. ارتفاع دو متر و چند سانتی متری سقف زیرزمین، که در اکثر

جاها لوله‌های تأسیسات آب سرد و گرم ۲۰ تا ۳۰ سانتی‌متر آن را اشغال کرده بود و باعث می‌شد که مهمانان به زحمت و با قامت خمیده از آن نقاط تردد کنند از یک طرف. و رطوبت بالای زیرزمین که شرجی خفه‌کننده‌ای را به وجود آورده بود از طرف دیگر همه را آزار می‌داد.

من از این اوضاع و احوال کمال حسن استفاده را کرده، در ابتدای مراسم اعلام کردم:

۱- اگر خانم‌ها و آقایان مایلند سال آینده در محل ساختن جدید (شهرک قدس) یکدیگر را ملاقات کنیم. آستین همت بالا زده و ما را یاری کنند.

نمی‌دانم تأثیر کلام من بود یا گرمای شرجی سالن که بسیار کارساز شد و در آن مراسم ما توانستیم کمک قابل توجهی بگیریم. به طوری که با آن پول در سال ۷۱ ضمن بر پا کردن ستون‌های ساختمان، پوشش طبقه اول را کامل کردیم. علاوه بر آن با آخرین منابع باقی‌مانده قادر به تیغه‌بندی دو اتاق و خرید یک در ورودی آهنی برای مجتمع و دو در چوبی برای اتاق‌ها شدیم.

مراسم سال ۷۱ در طبقه اول ساختمان جدید برگزار شد. البته همین طبقه هم هنوز کامل نبود. دیوارها با پوشش سیمان سیاه و نازک کاری نشده بودند، سیستم روشنایی ناقص بود و نور سالن با چند لامپ آویز موقت تأمین می‌شد. با وجود همه این نقایص نیک مردان و نیک زنان حامی رعد وقتی حس کردند یاری آنها تا این اندازه مؤثر بوده، برای کمک به ادامه ساخت مجتمع ترغیب شدند. و خلاصه با کمک بدون چشم داشت و خالصانه این نیکوکاران توانستیم طی ده سال آرزوی بانیان این نهاد کاملاً مردمی و خیریه را برآورد کرده، این ساختمان سه طبقه را با ۴۲۰۰ متر مربع زیر بنا تکمیل کنیم.

البته همان‌طور که گفتیم ساختمان به تدریج ساخته شد و هر سال با گسترده شدن فضای آموزشی ما توانستیم امکانات جدیدی برقرار کنیم.

به عنوان مثال در سال ۷۳ برای اولین بار امکان یافتیم که توان‌یابان زن و مرد را به طور همزمان، پذیرا باشیم و در سال ۷۴ توانستیم به دوره‌های آموزشی تنوع بخشیده، در کنار آموزش

الکترونیک (موتور پیچی) و نقشه کشی صنعتی، دوره تعمیر لوازم خانگی را نیز ایجاد کنیم.

هم اکنون در کنار ایجاد دوره های متنوع آموزشی، امکان اخذ گواهینامه لازم برای کارآمختگان دوره های توان بخشی و دوره های مختلف فنی از سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور فراهم است.

حمایت هایی که در طول این سال ها از مجتمع رعده شد فقط جنبه مادی نداشت. بعضی از سازمان های دولتی به لطف مدیران خوش فکر و خیراندیش، پشتیبانی مؤثری از رعده به عمل آوردند. از جمله در سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران مدیریت اجرایی وقت، بلافاصله پس از آگاهی از اهداف و فعالیت های مجتمع رعده، کل کارخانه های تحت پوشش سازمان را به جذب کارآمختگان ما توصیه کرد. بر اثر این اقدام کارخانه های مختلف با ما مکاتبه کرده، برای پذیرش کارآمختگان رعده اعلام آمادگی کردند.

مشکلی که ما در ابتدا با مراکز صنعتی داشتیم این بود که آنها تکنیسین با پایه تحصیلی دیپلم می خواستند. اما کارآمختگان ما اکثرأ تحصیلاتی زیر این سطح داشتند. ما با شکوفا کردن استعداد و قابلیت حرفه ای توان یابان و بالا بردن سطح آموزش، نشان دادیم که پایه تحصیلی به اندازه استعداد های نهفته درون توان یابان اهمیت ندارد.

به مرور و در سال های اخیر که رایانه به بخش صنعت رسوخ کرد. ما با یک فراخوان، کارآمختگان رشته نقشه کشی صنعتی را برای گذراندن دوره نقشه کشی به کمک رایانه (اتو کد) به مجتمع دعوت کرده، اطلاعات آنان را به روز رساندیم. در مورد سایر رشته ها نیز بنا داریم همین رویه بازآموزی را ادامه دهیم، تا کارآمختگان شاغل بتوانند خود را با فرآیند پیشرفت تکنولوژی تطبیق دهند و شغل خود را حفظ کنند.

از آخرین تحولات مجتمع در زمینه آموزش، اضافه کردن رشته فلزکاری عمومی به جمع آموزش های دیگر است.

در بخش آموزش رایانه نیز به علت اینکه آموزش اپراتوری و کاربرد عمومی رایانه، در جامعه به حد اشباع رسیده و رایانه اکنون به عنوان ابزاری در خدمت سایر تخصص ها در آمده است. ما نیز اقدام

به دایر کردن دوره های خاصی چون: نقشه کشی، گرافیک و طراحی رایانه ای کرده ایم. درس زبان انگلیسی مقدماتی و خیاطی برای دختران جزو دروس جنبی و اجباری می باشد.

اینک فضای آموزشی رعده به اندازه ای است که به ما امکان می دهد برای توان یابانی که برای اولین بار با ما مرتبط می شوند و آموختن حرفه خاصی مد نظرشان نیست. تا هنگام ایجاد زمینه،

اقدامات اولیه برای در اختیار گرفتن زمین مجتمع فعلی در سال ۱۳۶۵ آغاز شد و در سال ۶۶ درست در اوج موشک باران شهر تهران به وسیله رژیم عراق، این زمین در اختیار ما گذاشته شد

انگیزه و علاقه برای آموختن حرفه خاص، کلاس های نقاشی و طراحی و مهارت های اجتماعی برگزار کنیم، که خود این کلاس ها مقدمه ای برای آشکار شدن استعداد های آنان می شود.

کلامش پایان می گیرد، هر آنچه قرار بود از رعده بدانیم، او گفت و من به جان شنیدم از کنارش برمی خیزم، و او را به خدا می سپارم، او نیز ...

آری؛ زمانه قرعه نو می زند به نام شما
خوشا شما که جهان می رود به کام شما
و به همین امیدم.

آرامم، چون آرامش او را یافتم، چون کلام دلنشین را هم آغوش عشق و آشتی یافتم از همان جنسی که می پسندی.
همان عشقی که او را تا به اینجا، اینچنین سرفراز آورده و از این پس نیز ...

و به امید یاری همان خدایی که یاور او و یاور هر که همانند اوست؛ دل به راهی می سپارم که باید سپرد و به انتهایش باید رساند. و به این امیدم که فرادهای دیگر، پای صحبت سایر بزرگان و بنیانگذاران رعده، این مجموعه نیکو بنشینیم.

بررسی نقش نظام‌های حمایتی اجتماعی غیردولتی در کاهش فقر

بررسی موردی «رعد» (بخش دوم)

دکتر قاسم صالح خو

اشاره:

آنچه می‌خوانید بخش دوم از مقاله «نظام‌های حمایتی اجتماعی غیر دولتی در کاهش فقر» است. در بخش پیشین مؤلف با بررسی تغییراتی که در تلقی مفهوم «تأمین اجتماعی» پس از طرح تئوری‌های جهانی شدن و یکپارچگی اقتصادی به وجود آمده، به نقش بانک جهانی در مبارزه با فقر و ریشه‌کنی آن اشاره داشته است. در عین حال مؤلف با تأکید بر مفهوم نوین «حمایت اجتماعی» اصلاحات ساختاری را برای گسترش فرصت‌ها برای افراد ضروری دانسته، بر تقویت نهادهای مردم سالاری برای توسعه فرصت‌های اقتصادی تأکید داشته است. مؤلف در پایان به بررسی فعالیت‌های مجتمع آموزشی رعد به عنوان یک نمونه موردی پرداخته که قسمت‌های دیگری از این بررسی موردی، در این بخش از نظر شما می‌گذرد.

خدمات توان بخشی:

ارائه این گونه خدمات را در رعد، در واقع می‌توان اولین گام امدادی برای افراد دچار محدودیت‌های جسمی - حرکتی در نظر گرفت. بخش‌های مختلف توان بخشی شامل: فیزیوتراپی، کاردرمانی، گفتاردرمانی، شکسته بندی و مراقبت‌های بهداشت روان، به کارآموزان کمک می‌کنند تا حداکثر توانایی‌های جسمی و مغزی خود را به منصفه ظهور رسانند. خدمات کاردرمانی، کارآموزان را پس از گذراندن موفقیت‌آمیز آزمون تحصیلی، آماده گذراندن دوره‌های آموزش فنی حرفه‌ای می‌کند که صلاحیت آن را احراز کرده‌اند.

آموزش فنی حرفه‌ای: با شرکت در طیف به نسبت وسیعی از برنامه‌های آموزش فنی - حرفه‌ای، کارآموزان فرا می‌گیرند که چگونه با مشکلات خود دست و پنجه نرم کنند و به محدودیت‌های جسمانی خود فائق آیند و تلاش کنند تا کیفیت زندگی خود را ارتقا بخشند و از آموخته‌های فنی - حرفه‌ای ارائه شده در رعد به بهترین نحو بهره بگیرند. برنامه‌های درسی مجتمع، که با توجه به نیازهای بازار اشتغال کشور به صورتی انعطاف پذیر طراحی می‌شود، شامل

کلیه خدماتی را که در مجتمع رعد به صورت رایگان ارائه می‌شود می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:
خدمات توان بخشی، آموزش فنی حرفه‌ای و خدمات جنبی یا حمایتی. شرح مختصری در رابطه با هر یک از انواع این خدمات خالی از فایده نیست:

برنامه ریزی و اپراتوری کامپیوتر (حدود ۱۵ گرایش تخصصی، مبتدی تا پیشرفته)، مونتاژ سخت افزار، تایپ، نقشه کشی ساختمان و صنعتی، حسابداری مقدماتی و پیشرفته، تعمیر لوازم خانگی و رشته‌های مختلف هنر (خیاطی، مجسمه سازی، گل سازی، سفالگری و قالی بافی) می‌شود.

خدمات جنبی یا حمایتی:

مدیریت و کارکنان مجتمع همواره سعی دارند تا با کارآموزان ارتباط نزدیکی داشته باشند و در نتیجه همچون عضوی از اعضای یک خانواده، با مشکلاتی که احیانا کارآموزان حتی در خارج از مؤسسه با آن روبه رو هستند، آشنایی کامل داشته باشند تا بتوانند با کمک مددکاران، در صدد کمک به رفع مشکل برآیند^{۲۴}. مدیریت مجتمع رعد، به این واقعیت باور دارد که اگر کارآموزان نتوانند با آرامش خاطر و بدون دغدغه در برنامه‌های آموزشی حاضر شوند، در فراگیری مواجه با اشکال خواهند بود. این امر به نوبه خود ممکن است موجب از دست رفتن فرصت‌های با ارزشی چون اشتغال، کسب درآمد و ارتقای کیفیت زندگی شود که ایشان در وهله اول تلاش و در آستانه نیل به آن هستند. بنابراین به طوری که در منشور مجتمع نیز قید شده است؛ انتظار می‌رود که مسئولان مؤسسه و مجتمع‌ها ارتباطی پیوسته و رابطه‌ای مستمر با کارآموزان داشته باشند و به عنوان همراه و همگام در مشکلات، طرف مشورت خوبی برای ایشان باشند و وضعیت شغلی کارآموزان را پس از فراغت از آموزش‌های مؤسسه پی‌جوبی کنند.^{۲۵}

عدم توجه به مشکلات و اوضاع شخصی کارآموزان هم چنین ممکن است در نهایت موجب هدر رفتن کمک‌های مردمی و منابعی بشود که به رایگان، در اختیار کارآموزان قرار می‌گیرد. خدمات متفرقه حمایتی که به وسیله مجتمع در اختیار کارآموزان قرار می‌گیرد، شامل: وام‌های شرافتی و کمک‌های بلاعوض، خدمات پزشکی به وسیله پزشکان داوطلب در محل مجتمع یا از طریق سیستم ارجاع، رفت و برگشت با وسیله‌های نقلیه مجتمع به ایستگاهی در یکی از مراکز شهر، تسهیلات کتابخانه‌ای، خدمات

مشاوره‌ای، بازدید از منازل کارآموزان به وسیله مددکاران و مشاوره‌ای ازدواج می‌شود. اگر در مواردی ارائه این خدمات امکان پذیر نباشد، کوشش به عمل می‌آید تا هزینه‌های ضروری را به حداقل برساند و یا از طریق جذب منابع اضافی از نیکوکاران به وسیله گروه‌های داوطلب مجتمع، این هزینه‌ها تأمین شود. فراهم‌آوری انواع این خدمات و کمک‌ها یاد آور این ضرب‌المثل

کارآموزان فرامی‌گیرند که چگونه با مشکلات خود دست و پنجه نرم کنند و به محدودیت‌های جسمانی خود فائق آیند و تلاش کنند تا کیفیت زندگی خود را ارتقا بخشند و از آموخته‌های فنی - حرفه‌ای ارائه شده در رعد به بهترین نحو بهره بگیرند

قدیمی است که اطعام فرد با یک ماهی سیر کردن او در یک وعده غذاست در حالی که آموزش ماهی‌گیری، وی را برای همیشه تغذیه می‌کند. چنین است که در مورد کارآموزان رعد معمولاً کلمه توان‌یاب جای‌گزین کلمه معلول می‌شود^{۲۶}.

با برخورداری از انواع خدمات جنبی یا حمایتی، کارآموزان به محدودیت‌های گوناگون خود فائق می‌آیند و قادر می‌شوند با اعتماد به نفس از مهارت‌های حرفه‌ای به دست آمده، به نحو احسن استفاده کنند. بنابراین، با فراهم آوردن تور ماهی‌گیری و دیگر ابزار مورد نیاز، برای آموزش ماهی‌گیری، مجتمع رعد به ضرب‌المثل یاد شده علاوه بر معنی در عمل نیز تکامل می‌بخشد.

۲-۲- تشکیلات سازمانی

سیاست‌گذاری مجتمع، با ترسیم خط‌مشی‌هایی از جانب هیأت‌امنا (مرکب از ۱۹ نفر افراد نیکوکار و متعهد جامعه از بخش خصوصی) تعیین می‌شود. امور اجرایی مجتمع به وسیله پنج نفر از اعضای هیأت‌امنا که برای مدت دو سال به عضویت هیأت‌مدیره انتخاب می‌شوند، انجام می‌شود. هیأت‌مدیره یک نفر را به عنوان

مدیر عامل برای عهده دار شدن امور روزمره انتخاب می کند که سرپرستی گروه کارکنانی بالغ بر بیست نفر را عهده دار است. در عین حال که در راستای انتظارات مجتمع مبنی بر این که فرد فرد کارکنان و مدیران مؤسسه و مجتمع ها خود را امانت دار مردم نیکوکار می دانند، در مصرف وجوه، هدایا، و کمک ها شرط امانت را رعایت و نهایت دقت را مبذول می دارند^{۲۷} و نیز تأکید بر این که ... اداره

تأکید اخیر بانک جهانی (و خواه ناخواه دیگر نهادهای بین المللی) بر ارتقای فرصت ها، تسهیل توانمندی و تقویت امنیت، به عنوان راهبردی اصولی در مبارزه با فقر، که قبلاً به نحوی در انجام رسالت و دستاوردهای رعد تحقق یافته است، مهر تأیید بر فعالیت های این نهاد مردمی، در طول حیات آن به شمار می رود.

مجتمع های آموزشی با حداقل دیوان سالاری و ... [توام] با رعایت اصل صرفه جوئی باشد^{۲۸}، کوشش مستمر به عمل آمده است تا در مصرف کلیه هزینه ها و استخدام نیروهای موظف، امساک و در عوض حتی الامکان از نیروهای داوطلب مردمی یاری گرفته شود. در این راستا گروه های داوطلب، در دو تشکل جداگانه به نام های «گروه همیاری بانوان نیکوکار رعد» و «گروه جوانان نیکوکار رعد»، به ترتیب در سال های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۵، فعالیت های نوع دوستانه خود را آغاز کرده اند و مؤسسه را در انجام رسالت خود به نحوی مؤثر و کارآمد پشتیبانی می کنند. مسئولان مجتمع صمیمانه بر این باورند که فعالیت های نیکوکاری بدون برخورداری از حمایت های وسیع مردمی و مشارکت عام، هیچگاه نهادینه نخواهد شد. در نتیجه هفده سال فعالیت مستمر و ثمربخش، رعد راهکاری سه گانه برای تداوم ارائه خدمات و انجام رسالت مبتنی بر نیروها و منابع مردمی و تقویت روحیه داوطلبی به تشریح زیر اتخاذ کرده است:

گروه همیاری بانوان نیکوکار رعد

این گروه به عنوان اولین تشکل داوطلبانه به ابتکار تنی چند از بانوان نیکوکار در سال ۱۳۷۳، شروع به فعالیت کرد. گروه در رشته های مختلف از جمله: تجهیز منابع و وسایل مورد نیاز، برگزاری مراسم رسمی و بازارهای نیکوکاری در داخل و خارج از کشور، برپایی کنسرت های خیریه و مجالس سخنرانی، مدد کاری، جذب کارآموز و دیگر فعالیت های اجتماعی، خدمات ارزنده ای انجام داده است.

گروه جوانان نیکوکار رعد

این گروه در سال ۱۳۷۴، فعالیت خود را آغاز کرد و به عنوان مکمل گروه همیاری بانوان، در فعالیت های آن گروه مشارکت دارد. علاوه بر آن، گروه جوانان در فعالیت های کمک آموزشی، روابط عمومی، ایجاد زمینه اشتغال و کارایی برای کارآموخندگان و نیز نیازمندی اداری کمک های مؤثری را به ثمر رسانیده اند. جوانان هم چنین در فعالیت های مددکاری، از جمله شناسایی جوانانی که به علت محدودیت های جسمی، حرکتی کنج عزلت اختیار کرده اند، همت گماشتند و با آشنا ساختن آنان با امکانات و برنامه های آموزشی، فنی حرفه ای رعد، در تماس های مستقیم، آنان را به ثبت نام در رعد ترغیب می کنند و از این طریق خانواده های این افراد را از بار سنگین نگهداریشان می رهانند. این اقدام گروه جوانان حائز نهایت اهمیت است، چون حضور یک معلول عزلت گزین در جمع خانواده، خانواده را نیز به معلولیت می کشاند.

اعضای خانواده رعد

برای تقویت وجهه مردمی رعد و جذب مشارکت هر چه وسیع تر عام، در سال های اخیر حرکتی تبلیغاتی به منظور آنچه که می توان آن را گسترش اعضای رعد نامید، صورت گرفته است. افرادی که به خانواده رعد می پیوندند در قبال پرداخت مبالغ مختصری به عنوان حق عضویت ماهانه و در صورت تمایل تخصیص بخشی از اوقات فراغت خود، بستگی به توانایی ها، سلیقه ها، تمایلات با تخصص های حرفه ای، به کمک رعد می شتابند و در ارتقای وضعیت کارآموزان کوشش می کنند. اعضا با

زمانی که کارآموختگان در واحدهای اقتصادی، شاغل می‌شوند یا با بهره‌گیری از مهارت‌های تخصصی به خود اشتغالی روی می‌آورند و با کسب درآمدی مشروع، به استقلال مالی و خودکفایی نایل می‌شوند، احساس امنیت خاطر می‌کنند و اتکای به نفس در ایشان تقویت می‌شود و در نتیجه به عنوان نیروهای مولد جامعه می‌توانند در شرایط مشابه، با افراد سالم به رقابت برخیزند. به این ترتیب، شعار

**افراد معلول توانا حجت‌هایی در مقابل
افراد سالم ناتوان هستند.
این شعار مجتمع، زمانی تحقق می‌یابد
که کارآموختگان در واحدهای
اقتصادی، شاغل شده و یا با بهره‌گیری
از مهارت‌های تخصصی، به خود
اشتغالی روی بیاوردند تا با کسب
درآمدی مشروع به استقلال مالی و
خودکفایی نائل آمده و احساس امنیت
خاطر کنند.**

رایج مجتمع مبنی بر این که افراد معلول توانا، حجت‌هایی در مقابل افراد سالم ناتوان هستند، تحقق عینی می‌یابد.

علاوه بر آن، به نظر می‌رسد بانیان و حامیان رعد، در ارائه یک الگوی مناسب برای نیکی و نیکوکاری که به باور ایشان آموزه‌ای الهی و پاسخی به نیاز درونی انسان است نیز، توفیق نسبی یافته باشند. شناسایی رسمی رعد به عنوان یک سازمان غیردولتی وابسته به سازمان ملل متحد^{۲۹}، افکار و ایده‌آل‌های مجتمع را در سطح جهانی مطرح ساخته است و از این طریق، حضور فعال تر مجتمع در رویدادهای بین‌المللی بی‌تأثیر نخواهد بود. تأکید اخیر بانک جهانی (و خواه ناخواه دیگر نهادهای بین‌المللی) بر ارتقای فرصت‌ها، تسهیل توانمندی و تقویت امنیت، به عنوان راهبردی اصولی در مبارزه با فقر، به نظر می‌رسد که قبلاً به نحوی انجام رسالت و دستاوردهای رعد تحقق یافته است. از این رو، مهر تأییدی بر فعالیت‌های این نهاد مردمی در طول حیات آن به شمار می‌رود.

شرکت و همکاری در مراسم و موقعیت‌های مختلف در جریان مشروح فعالیت‌های رعد قرار می‌گیرند و نظریات، پیشنهادات و انتقادات خود را نیز در جهت ارتقای کارایی این نهاد خیریه به طور مستقیم به مسئولان ارائه می‌کنند.

۲-۳- چند یادآوری

ارائه خدمات آموزشی فنی. حرفه‌ای بدون خدمات توان بخشی و حمایت، چندان مفید نخواهد بود. کارآموزان دارای نقص عضو، بدون دریافت خدمات کاردرمانی، قادر به استفاده از ابزار و وسایل موجود در کارگاه‌های آموزشی و در صورت اشتغال پس از به پایان رساندن موفقیت‌آمیز دوران آموزش، از وسایل و ابزار محل کار، نخواهند بود.

هم چنین آن دسته از کارآموزانی که احتمالاً با نوعی مشکلات شخصی یا خانوادگی روبه‌رو هستند، به ویژه با حساسیت‌هایی که می‌تواند به صورت طبیعی دامن‌گیر افراد دچار هرگونه اختلال جسمی. حرکتی باشد، به دلیل مشغله‌های فکری، و گاه اضطراب و افسردگی، قادر به تمرکز حواس و بهره‌گیری از مواد درسی و آموزش‌های فنی حرفه‌ای نیستند. با عنایت به این مراتب، حدود و اثر بخشی فعالیت‌های داوطلبانه در کنار فعالیت‌های مجتمع، گاه از حدود رسمی (اساسنامه‌ای) فعالیت‌های مجتمع فراتر می‌رود و چه بسا غیرممکن‌ها را ممکن می‌سازد.

مثلاً آشنایی داوطلبان با مشکلات شخصی. خانوادگی کارآموزان از طریق برقراری تماس‌های مستقیم یا غیرمستقیم، با استفاده از نظریات و تحت نظارت متخصصان و مددکاران، تا حد زیادی کارآموزان را در فائق آمدن به مشکلات یاری می‌دهد. داوطلبان هم چنین با دسترسی‌های احتمالی به فرصت‌های شغلی یا شناسایی این فرصت‌ها، فارغ التحصیلان را پس از طی موفقیت‌آمیز دوران آموزش در مقوله اشتغال، راهنمایی یا کمک می‌کنند. مدیریت مجتمع، معلولان جسمی. حرکتی را به عنوان یک منبع نیروی انسانی ارزشمند تلقی می‌کند و سعی دارد با ارائه انواع خدمات مورد اشاره، این قشر فراموش شده را که، اغلب متعلق به خانواده‌های نیازمند هستند، به صورت نیروهایی مولد و سازنده به جامعه معرفی کند.

۲-۴- تأسیس مؤسسه «دوستان رعد»^{۳۰}:

آوازه فعالیت‌های رعد، که همواره در داخل کشور با اقبال زیاد روبه‌رو بوده است، به تدریج به خارج از کشور نیز اشاعه یافته و مورد توجه هموطنان خارج از کشور قرار گرفته است. بازدیدهای مکرر برخی از هموطنان خارج از کشور از محل مجتمع و آشنایی با نحوه فعالیت‌های مجتمع از نزدیک، مسئولان رعد را بر آن داشته تا

در ژانویه سال ۲۰۰۰ یک مؤسسه غیر انتفاعی با نام «دوستان رعد» در ویرجینیای آمریکا به ثبت رسید و مجوز معافیت مالیاتی نیز برای کمک‌های دریافتی این نهاد نیکوکاری صادر شد.

به درخواست آنان برای تسهیل مشارکتشان در پیشبرد هدف‌های آن، همت گمارده و به تبادل اطلاعات و تجربیات با خارج از کشور، به ویژه در ایالات متحده آمریکا، پردازد. با عنایت به هدف‌های والا و عمل کرد مطلوب مجتمع، اداره درآمدهای داخلی^{۳۱} وزارت خزانه‌داری^{۳۲} آمریکا پس از انجام بررسی‌های کامل و طی فرآیندی به نسبت طولانی، آنچنان که در مورد دیگر نهادهای خیریه نیز معمول است، مجوز معافیت مالیاتی برای کمک‌های دریافتی در آمریکا برای این نهاد نیکوکاری نیز صادر کرده است. در تلاش برای کسب مجوز یاد شده و به عنوان بخشی از الزامات قانونی، مجتمع رعد در ژانویه سال ۲۰۰۰، با به ثبت رساندن مؤسسه‌ای غیرانتفاعی به نام «دوستان رعد» در ایالت ویرجینیا رسماً شروع به فعالیت کرده است. به این ترتیب، نیکوکاران می‌توانند هرگونه کمک مالی به مؤسسه دوستان رعد را در سراسر آمریکا، جزو هزینه‌های مالیاتی خویش محسوب کنند.

در اجرای برنامه توسعه و گسترش خدمات، علاوه بر تلاش در جهت راه‌اندازی شعبه‌های گوناگون در نقاط مختلف کشور، مسئولان مجتمع، از علاقه‌مندی نیکوکاران به احداث نهادهای مشابه و مستقل در نقاط مناسب استقبال می‌کند و مشتاقانه تجربیات خود را در اختیار آنان قرار می‌دهد. در این رابطه، کوشش به عمل می‌آید تا شعب نیز چون نهادهای وابسته، به صورت خودگردان و

تحت نظر و مدیریت هیأت‌امنا و هیأت مدیره‌ای منتخب از نیکوکاران محلی اداره شوند. در حال حاضر، شعبه یزد که در سال ۱۳۷۶ به نام مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد (توان‌یابان یزد) و دو مجتمع آموزشی نیکوکاری توان‌یابان مشهد که به ترتیب در سال ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸، تأسیس شده‌اند، تاکنون در فعالیت‌های خود به توفیقات قابل توجهی نایل آمده‌اند و به ارائه خدمات رایگان به کارآموزان واجد شرایط می‌پردازند.

هم‌اکنون، فاز نهایی تکمیل ساختمان مرکزی مجتمع در تهران که ظرفیت پذیرش و ارائه خدمات آن را به میزان قابل توجهی افزایش خواهد داد، در شرف اتمام است و انتظار می‌رود در پایان برنامه توسعه، پوشش وسیع‌تر جغرافیایی مجتمع در سرتاسر کشور در آینده‌ای نه چندان دور، جامه تحقق پوشد.

پی‌نوشت‌ها:

۲۴. بطوری که در منشور مجتمع آمده است، توان‌بخشی حرفه‌ای عاملی مؤثر در کاهش یا رفع محدودیت‌های معلولین است. پس فرد فرد کارکنان و مدیران مؤسسه، به مهارت‌ها و دانش‌های سودمند و مفید و اصیل رشته توان‌بخشی حرفه‌ای مجهز می‌شوند تا از این حیث فضائی کاملاً منطبق با مأموریت مؤسسه، که توان‌بخشی حرفه‌ای است، پدیدار شود و تداوم یابد. بخش انتظار داریم که، بند ۶.

۲۵. منشور ... بخش انتظار داریم که، بند ۷.

۲۶. در بند ۶ بخش بر این باوریم که، کلمه منشور آمده است، که: توان‌بخشی حرفه‌ای، عاملی مؤثر در کاهش یا رفع محدودیت‌های معلولین است. پس چرانتوان در [مجتمع‌های رعد] کلمه توان‌یاب را جای‌گزین کلمه معلول کرد؟ انتخاب ما این چنین باشد.»

۲۷. منشور ... بخش انتظار داریم که، بند .

۲۸. منشور ... بخش انتظار داریم که، بند ۱۰.

۲۹. مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد به عنوان نهادی مردمی بدون هیچ‌گونه وابستگی سیاسی یا دولتی، یا در تاریخ ۲۴ مارس ۱۹۹۷، (۵ فروردین ۱۳۷۶)، به عنوان عضوی وابسته به اداره روابط همومی سازمان ملل متحد، رسماً به عنوان یک سازمان غیردولتی (Non-Governmental Organization) به جمع خانواده سازمان‌های غیردولتی این سازمان پیوست.

۳۰. Friends Of Raad

۳۱. Internal Revenue Service (IRS)

۳۲. Treasury Department

اشتغال معلولین و مشکلات و موانع موجود

در این زمینه

نویسنده: کبری آهوخوش

به هر حال علی رغم اینکه گروه توان یابان از نظر آماری درصد کمی از کل جمعیت را تشکیل می دهند؛ ولی با نگرش به رقم آنان (صدها میلیون نفر)، مشاهده می شود که قشر قابل توجهی از جامعه را شامل شده اند. مادامی که این قشر عظیم



تامین و گسترش رفاه، امنیت و عدالت اجتماعی در دنیای امروز، خاصه در جوامع متمدن و مترقی، از اهم نکات و موارد حیاتی به شمار رفته و موضوع اشتغال بعنوان یکی از مهمترین شاخص های توسعه اقتصادی - اجتماعی ملت ها، مد نظر بوده و در زمره

از جامعه طرد شوند و در چرخه اشتغال و تولید قرار نگیرند؛ نه تنها ممکن است به افرادی مصرف کننده تبدیل شوند، بلکه فعالیت های اقتصادی، اجتماعی دیگر افراد خانواده را نیز تحت الشعاع خود قرار می دهند. همین امر سبب بروز بسیاری از مشکلات اجتماعی، فرهنگی در جامعه شده و اثرات مهلکی به لحاظ عاطفی، روحی و روانی نظیر: پریشانی، اضطراب، افسردگی و عدم اعتماد به نفس را بر فرد معلول وارد می نماید.

زمانی که معلولیت به عنوان یک مانع برای اشتغال فرد توان یاب به شمار آید، سبب سقوط وی به مرحله وابستگی شده و هزینه های مضاعف معلولیت را برای خانواده فرد توان یاب فراهم می آورد. همچنین این امر برای اجتماع نیز سبب کمبود مهارت نیروی انسانی و کاهش تولید شده و تعدهای مالی به منظور مراقبت از معلولین را برای خانواده های ایشان و به تبع آن برای جامعه بوجود می آورد.

پس مسلم است که افراد معلول (توان یاب) نیز همچون سایر

سیاستهای کلان در برنامه ریزیها، ستون اقتصادی را تشکیل می دهد. به طور کلی کار امکان تامین کلیه نیازهای بشری اعم از فیزیولوژیک و نیازهای مربوط به ایمنی خاطر، نیازهای روانی و عاطفی و نیازهای مربوط به برخورداری از شان و منزلت و بالاخره احساس خود شکوفائی را فراهم می سازد و بعنوان فعالیتی در جهت برآورده نمودن احتیاجات زندگی و تامین آسایش خود و افراد خانواده محسوب شده و نهایتاً رضایت خاطر فرد را بوجود خواهد آورد!

توان یابان نیز که قشری از اقشار هر جامعه ای را تشکیل می دهند، از این قاعده مستثنی نیستند. براساس برآورد سازمان بهداشت جهانی (WHO) و داده های سازمان بین المللی کار (ILO) ۱۰ درصد از افراد جامعه را توان یابان تشکیل می دهند. پس توجه به موضوع اشتغال آنان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. همچنین بر اساس همین برآورد ۴/۵ - ۳/۵ درصد توان یابان نیازمند کار و خدمات توانبخشی حرفه ای هستند.

آحاد جامعه در دورنمای زندگی اجتماعی، کسب در آمدی را جهت تامین نیازهای متعارف زندگی، برای خود قائل هستند.

داشتن شغل برای توان یابان، فراتر از دستیابی به موفقیت اقتصادی است. زیرا کار و کوشش، اثرات درمانی-روانی داشته ارتباط عادی توان یابان را با جامعه فراهم کرده، حس تشریک مساعی و شرکت در فعالیت‌ها را افزایش داده، موجب ایجاد منزلت شخصی و اجتماعی می‌شود.

بیکاری نیز دارای ابعاد گسترده‌ای در وجه اقتصادی بوده و

کارفرمایان اگر در واگذاری شغلی به معلولین گام بردارند، بیش از آن که نشانگر شناخت آن‌ها از توانایی فرد باشد، متأثر از مسائل عاطفی است

مولفه‌هایی مانند گسترش فقر، افزایش بار تکفل، کاهش بهره‌وری نیروی کار، کاهش ضریب اشتغال، کاهش تولید ملی، گسترش شغل کاذب، اتلاف منابع انسانی و در نهایت عدم رونق اقتصادی را موجب می‌شود.

در بعد فرهنگی، اجتماعی نیز پدیده‌های بی تفاوتی، بی‌اعتمادی، عدم مشارکت همگانی، مسئولیت‌زدائی، سقوط ارزش‌ها و در نهایت نابهنجاری‌های اجتماعی را فراهم می‌سازد.^۲

این نارسایی‌های ذکر شده در جامعه، در زمینه اشتغال توان یابان به صورت شدیدتری وجود دارد. اگر به عواقب بیکاری توان یابان به دلیل معلولیت و محدودیت آنها در انتخاب شغل، توجه کافی به عمل نیاید، سبب بروز مشکلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای فرد معلول و هزینه و بار سنگین تری در مقایسه با افراد غیر معلول، در طولانی مدت برای دولت و جامعه خواهد شد.

اگر چه امکان اشتغال اشخاص توان یاب در کشورهای مختلف، متفاوت است. اما نمی‌توان این واقعیت را پنهان داشت، که حتی در پیشرفته‌ترین کشورها نیز، معلولیت به عنوان یک مانع در راه اشتغال خودنمائی می‌کند و شانس اشتغال توان یابان در جامعه، به مراتب

کمتر از افراد سالم است. در جوامعی که بیکاری وجود دارد؛ توان یابان بیشتر از دیگران صدمه دیده و اولین کسانی هستند که قربانی این وضعیت می‌شوند و از طرفی آخرین کسانی هستند که شانس اشتغال دارند.

نگاهی به سرشماری سال ۱۳۷۰ که آخرین سرشماری نرخ بیکاری می‌باشد؛ مبین این واقعیت است که در این سال نرخ بیکاری جمعیت کل کشور ۱۱/۴ درصد و نرخ بیکاری توان یابان در همان زمان ۲۷ درصد بوده است.^۳ آمار فوق نشانگر این است که جمعیت عادی جامعه توانسته است به میزان تقریباً ۲ برابر بیش از توان یابان، از فرصت‌های اشتغال استفاده کند. و این مسئله به شکل جدی تری درباره زنان توان یاب خودنمائی می‌کند. علیرغم فقدان اطلاعات بین‌المللی در مورد شرایط توان یابان زن، می‌توان شمار آنها را یک سوم جمعیت کل توان یابان جهان دانست.

در این میان جامعه‌شناسان به تبعیض دو جانبه‌ای اشاره می‌کنند که زنان توان یاب را رنج می‌دهد. یکی از جهت جنسیت و دیگری به خاطر معلولیت. این تبعیض به قدری جدی و فراگیر است که تقریباً کلیه جنبه‌های زندگی آنها از جمله تحصیلات، کار، وضع مالی و ازدواج و خانواده و... را متأثر می‌سازد.^۴

با توجه به مسئله معلولیت و با عنایت به معضلات بیکاری در میان توان یابان زن و مرد و ضرورت فراهم کردن زمینه مساعد برای اشتغال آنان، شایسته است که برنامه‌ریزی صحیح و حمایت‌های همه جانبه‌ای از سوی دولت و موسسه‌های دولتی و دست اندرکار خدمات توانبخشی، صورت گیرد. واضح است که بدون همکاری و مشارکت هر کدام از عوامل فوق، اشتغال معلولین جنبه واقعی خود را نخواهد یافت.

در ضمن، توجه به این نکته ضروری است که به منظور دستیابی به واقعیت امر، یعنی اشتغال معلولین لازم است که بررسی جامعی در این زمینه از سوی عوامل فوق‌الذکر به عمل آمده و راهکارهای مناسب و اصولی ارائه شود.

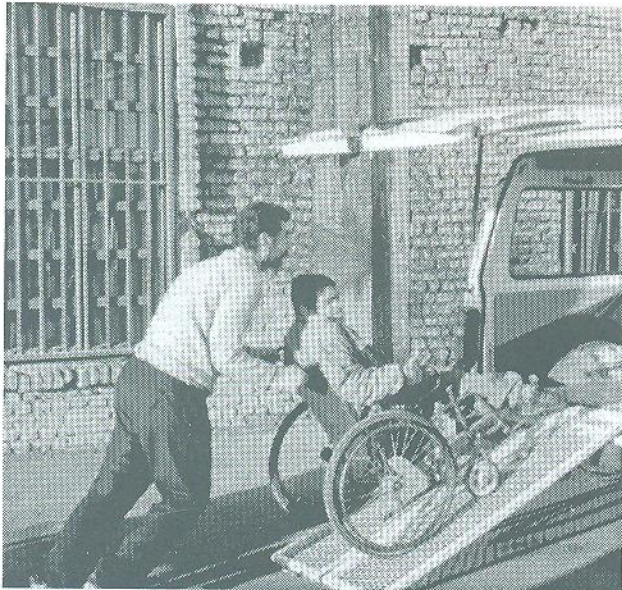
طرز تلقی و نگرش جامعه نسبت به توانایی‌های معلولین:

قرین داشتن معلولیت با عجز و درماندگی سابقه‌ای طولانی در

پایین بودن سطح تحصیلات در میان معلولین

این عامل نه تنها در کارایی و اشتغال و توانبخشی حرفه‌ای معلولین اثرات مشهود و مشخصی دارد، که در تمام ابعاد زندگی آنان دارای آثار نامطلوب می‌باشد.

طرز تلقی منفی در مورد کارایی معلولین:



ظاهراً مدیران یا کارفرمایان بدون در نظر داشتن علت یا علل واقعی، معتقد به کارایی کم معلولین در محیط کاری می‌باشند. البته چنین ادعائی در شرایطی که وسایل کار برای افراد غیر معلول استاندارد شده باشد، قابل پذیرش به نظر می‌رسد ولی در هر حال در زمره موانع و مشکلات اشتغال معلولین به شمار می‌آید.

هراس از آسیب معلولین در برابر حوادث ناشی از کار:

کارفرمایان به طور کلی معلولین را در شمار کسانی می‌دانند که آسیب‌پذیری آنها در برابر حوادث و خطرات ناشی از کار زیادتیر است و صرف‌نظر از این تصور، آنان را در بروز حوادث و خطرات محیط کار دخیل و موثر دانسته، در نتیجه ترجیح می‌دهند که به منظور اطمینان از ایمنی، حتی در شرایطی که مهارت و کارایی بیشتری نسبت به افراد غیر معلول دارند، از بکارگیری آنان خودداری کنند.

طرز تلقی جوامع انسانی نسبت به معلولین دارد و بر خلاف تمامی پیشرفته‌ها و توسعه‌هایی که در ارتباط و جهان بینی و شیوه ارزشیابی امور اجتماعی و انسانی پدید آمده، هنوز معلولیت از دیدگاه خانواده، جامعه و نهادهای تربیتی و آموزشی و حتی پاره‌ای از متخصصین رشته‌های گوناگون و مهمتر از اینها بسیاری از خود معلولین، پدیده‌ای شناخته می‌شود که ناتوانی را به ذهن القا می‌کند.

تردیدی نیست که توانبخشی حرفه‌ای و اشتغال معلولین از این نگرش آسیب دیده و مانع اساسی در کارکرد خود پیدا می‌کند. اگر جامعه با این باور باشد که افراد کم توان غیر مولد بوده و بایستی در محیط خانواده و سازمان‌ها تحت مراقبت قرار گیرند؛ برای جذب اشخاص ناتوان کمتر آمادگی دارد.

اگر کارفرمایان آگاهی و شناخت به توان معلولین داشته باشند یکی از مشکلات اساسی اشتغال معلولین مرتفع می‌شود. غالباً اختلالات ناشی از معلولیت موجب این تصور می‌شود که معلولین قادر به انجام بسیاری از امور مشابه به دیگران نیستند. در بسیاری موارد کارفرمایان اگر در واگذاری شغلی به معلولین گام بردارند، بیش از آن که نشانگر شناخت آن‌ها از توانایی فرد باشد، متأثر از مسائل عاطفی است.^۵

نحوه برخورد و ارتباط همکاران:

کیفیت برقراری ارتباطات کلامی و غیر کلامی متخصصان و کارکنان و مربیان، می‌تواند تاثیر قابل ملاحظه‌ای از نظر بهبود و نگرش به خود و تصویر مثبت و مطلوب یا احیاناً مخدوش و یا نامطلوب از خود روی افراد معلول داشته باشد. از این رو باید به کیفیت روابط انسانی بین کارکنان غیر معلول و افراد معلول، توجه کافی مبذول نمود و در صورت نیاز، آموزش‌های لازم برای کارکنان در این زمینه فراهم آورد.

دشواریهای ناشی از محیط کار:

معمولاً در محیط کار وسایل و تجهیزات کارگاهی طوری طراحی و راه اندازی شده‌اند که برای معلولین دارای موانع میدانی، فیزیکی بوده و دسترسی به آنها برای معلولین ناممکن یا توأم با سختی خواهد بود که پی آمد آن، در اشتغال معلولین موثر می‌باشد.

موانع اقتصادی و ساختار جمعیتی:

وجود مشکلات اقتصادی، نرخ رشد بالای جمعیت و نرخ رشد نیروی کار و همچنین پدیده بیکاری، مساله اشتغال معلولین را با مشکلات بسیاری همراه ساخته است.

کمبود وسایل جابه جایی و تحرک مناسب برای معلولین و موانع فیزیکی:



هر گاه معلولین موفق به اشتغال گردند همواره دشواریهایی در استفاده از وسایل نقلیه برای حضور در محل کار و بالعکس خواهند داشت. قابل ذکر است که آن دسته از معلولین که نیاز به استفاده از وسایل حمل و نقل ویژه نداشته باشند، بازهم برای رسیدن به محل کار به علت وجود موانع ناشی از عدم مناسب سازی معابر و گذرگاه‌ها، بدون دشواری نخواهند بود.

عدم تناسب شغل با توان فرد معلول:

در شرایطی که شغل متناسب با توان جسمی و یا ذهنی معلول نباشد، علاوه بر اینکه در مواردی تشدید معلولیت را به دنبال دارد، موجبات خستگی و دلزدگی از کار را فراهم ساخته، بازدهی کار را کم می کند و به دنبال آن برای کارفرما ایجاد نارضایتی می نماید.

پیشنهادات برای رفع موانع و مشکلات معلولین:

- با توجه به یکسان نبودن امکان اشتغال در بین گروه‌های مختلف معلولین، ضرورت دارد فرصت‌های اشتغال برای انواع معلولیت‌ها، به گونه‌ای مستمر و مبتنی بر اصول علمی و منطقی مورد بررسی و شناخت قرار گیرد؛ تا امکان اشتغال گروه‌های مختلف معلولیت با درجات بالا و شدید نیز فراهم شود.

- سطح تحصیلات معلولین نسبت به سایر اقشار بسیار بالاست و این امر نشان می دهد که معلولین اولاً: در صورت وجود امکانات مناسب جهت ادامه تحصیل دارای استعداد و انگیزه بسیار قوی جهت ادامه تحصیل می باشند؛ ثانیاً: در صورت تأمین امکانات لازم برای ادامه تحصیل این قشر از جامعه، می توان امکان اشتغال آن دسته از معلولین را که تا به حال فرصت ادامه تحصیل و در نتیجه یافتن شغل مناسب را نداشته اند، افزایش داد.

- با توجه به رضایت اشتغال در میان معلولین و با توجه به اینکه امکان پرداختن به فعالیت‌های شغلی تاثیر بسیار مثبتی در وضعیت روحی، موقعیت اجتماعی و کیفیت زندگی معلولین می گذارد. اهمیت اشتغال در معلولین بیش از پیش آشکار شده و لزوم برنامه ریزی اصولی برای اشتغال آنان نمودار می شود.

- ضروری است ضابطه‌هایی مؤثر در جهت سهولت دسترسی بیشتر معلولین به محل کار صورت پذیرد. آنچه را که می توان در این زمینه انجام داد، ایجاد امکانات لازم در وسایل نقلیه عمومی، جهت سهولت در سوار و پیاده شدن و اختصاص محلی مخصوص برای معلولین و از میان بردن موانع معماری و فیزیکی است که حرکت آزاد معلولین را با مشکل مواجه می سازد.

- با توجه به اینکه یکی از علل اساسی تغییر شغل معلولین، کمی دستمزد و تعطیلی کارگاه‌ها بوده است. در این زمینه دولت می باید با فراهم آوردن وسایل تشویق کارفرمایانی که معلولین را به استخدام درآورده اند از قبیل: تخفیف و معافیت مالیاتی، وام‌های قرض الحسنه، مساعدت در تغییر و تبدیل ابزار و ماشین آلات و محل کار و نیز مشارکت در هزینه‌های آموزشی، آنان را به آموزش و استخدام کارکنان معلول ترغیب کند.

- به منظور اشتغال مستمر و مؤثر معلولین و جلوگیری از مسائلی مانند ترک کار، غیبت، تغییر شغل و اشتباه کاری، ضروری است

معلولین شود.

- با توجه به اینکه کمی درآمد به عنوان مهمترین مشکل شغلی برای معلولین، مخصوصاً زنان معلول است و با توجه به اینکه معلولیت سبب ایجاد هزینه مالی مضاعف برای معلولین می شود، سازمان ها و نهادهای ذیربط باید به این مسئله توجه کافی داشته باشند و در کنار افزایش حقوق مصوب سایر کارکنان، مزایای خاصی را برای معلولین تحت پوشش خود در نظر بگیرند.

سطح تحصیلات معلولین نسبت به سایر اقشار بسیار بالاست و این امر نشان می دهد که معلولین اولاً: در صورت وجود امکانات مناسب جهت ادامه تحصیل دارای استعداد و انگیزه بسیار قوی جهت ادامه تحصیل می باشند

- آموزش حرفه ای نقش قابل توجهی در افزایش شانس اشتغال معلولین ایجاد می کند. بنابراین تحت پوشش قرار دادن معلولین در برنامه های آموزشی و استمرار در این برنامه ها حتی پس از اشتغال معلولین، موجب بهبود موقعیت اجتماعی، اقتصادی آنان شود.

منابع

۱- بیان زاده، جنبه روانی-اجتماعی در توان بخشی حرفه ای ۱۳۷۵

۲- همان منبع

۳- مرکز آمار تهران، سرشماری عمومی نفوس و نرخ بیکاری، تهران، ۱۳۷۰.

۴- بررسی مشکلات شغلی زنان معلول، رساله تحقیقی دوره کارشناسی ارشد مدیریت توان بخشی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی

۵- مریم شریفیان ثانی، بررسی موانع موجود در کارایی و اشتغال معلولین. تهران، سازمان بهزیستی، ۱۳۶۹

۶- هدف توانبخشی حرفه ای سازمان بین المللی کار، اصول بنیادی توان بخشی حرفه ای معلولین؛ ترجمه فاطمه بزرگ نیا دفتر آموزش و پرورش سازمان بهزیستی کشور ۱۳۶۴

شرایط کار و وسایل رفاهی آنان در رابطه با محیط زندگی و کار مورد مطالعه قرار گیرد و برای بهینه سازی آن از تدابیر علمی مؤثر استفاده شود.

- با توجه به این واقعیت که تمامی معلولین در برابر امکانات و شرایط موجود، فرصت مساوی ندارند: توصیه می شود به لحاظ فعال ساختن کلیه معلولین تا حد ممکن ضوابط و تدابیر قانونی لازم در جهت رفع تبعیض از آنان اتخاذ شود.

- در زمینه های مرتبط با توان بخشی حرفه ای معلولین، ضروری است نیازهای قانونی در این زمینه بررسی و نیز تجدید نظر اساسی در قوانین فعلی به منظور برقراری تساوی حقوق معلولین با سایر شاغلین به عمل آید.

- پی گیری مراجع دولتی در امر معلولین بسیار اندک است. بنابراین دولت باید از طریق سازمانهای ذیربط، همکاری و حمایتهای لازم را جهت ایجاد و تقویت انجمن های مختلف مرتبط با امور معلولین انجام دهد این انجمن ها با ایجاد ارتباط بین مراجع و دستگاه ها پیگیری مستمر و موثری در امور معلولین تحت پوشش خود اعمال نموده و با جذب همکاری و حمایت سازمان های مربوطه شناسایی و بکارگیری امکانات و منابع موجود در مراکز مختلف، در رفع شکل اشتغال معلولین گام های موثری بردارند.

- معلولین بیشتر در امور اداری دفتری و خدماتی مشغول به کار می باشند. محدود ساختن معلولین به مشاغل و حرفه های مشخص، به جایگزینی دائمی آنان در سلسله مراتب اجتماعی، کمک چندانی نمی کند. اشتغال معلولین نیازمند تنوع بوده. بالطبع آموزش معلولین در امر اشتغال نیز باید متنوع باشد.

- معلولین آگاهی بسیار اندکی از قوانین و مقررات مربوط به خود دارند؛ بنابراین باید از طریق وسایل ارتباط جمعی مانند صدا و سیما و جراید این اطلاعات در اختیار همگان، بخصوص معلولین قرار گیرد و از طریق برنامه های آموزشی، اطلاعات قانونی در زمینه اشتغال به معلولین عرضه شود. ضمناً دولت باید با تصویب قوانین مناسب، ضمانت اجرایی لازم جهت ملزم نمودن کارفرمایان به اجرای قانون سه درصد اشتغال معلولین را تأمین کند و با تصویب قوانین تکمیلی دیگر، سبب ایجاد فرصت های اشتغال بیشتر برای

بررسی فقر و ناتوانی : کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته

نویسنده : آن آلن - ۱۸ دسامبر ۱۹۹۹
ترجمه : علی محمد عبادی
بخش پایانی

بالاتر از نرخ آن در زنان است. یک بررسی به عمل آمده در سال ۱۹۹۵، نشان می دهد که ناتوانی های زنان در کل کم تر از مردان است، صرف نظر از این که زن ها معمولاً عمر بیشتری می کنند، بررسی نشان می دهد که دختران و زنان ناتوان، مراقبت کمتری دریافت می کنند و زودتر می میرند. یک امکان دیگر این است که تقسیم جنسی کار به نحوی است که زنان ناتوان در خدمات خانه به عنوان ناتوان شناخته نمی شوند. در حالی که شناسایی مردان ناتوان کاملاً مشهود است. بررسی یک پژوهش ILD در سال ۱۹۸۹، که در ۶ کشور آسیایی و اقیانوس آرام به عمل آمده، جدا از نشان دادن این حقیقت که در کل، تعداد معلولیت مردان بیش از زنان است. ناتوانی را در میان خانم های سنین ۱۵ تا ۴۴ سال بالاتر از همین گروه سنی در مردان نشان می دهد. این تفاوت را می توان این گونه توصیف کرد که زنان در این گروه سنی رنج زیادی به خصوص از نگاهت زایمان های متعدد و مراقبت های بهداشتی و پزشکی ناکافی و سوء تغذیه می برند.

۳-۱۲- « ابو حبيب » به بررسی هایی از یمن و مصر اشاره می کند که شیوع ناتوانی در میان پسران بیشتر است تا دختران، محققین سبب این تفاوت را مرگ و میر بیشتر در میان دختران معلول می دانند. به هرحال « کان و دورکین »، نتایج بررسی هایی را از بنگلادش نقل می کنند که شیوع ناتوانی در دختران از ۲ تا ۹ سال بیشتر از پسران در همین گروه سنی است. و محققین این

۳-۹- متغیرهای جغرافیایی : در این مورد اختلاف نظر وجود دارد، شیوع ناتوانی احتمالاً در مراکز شهری تا روستایی بیشتر است و این امر بیشتر ناشی از خطر سوانح و تصادفات است.

کشش و جاذبه خدمات، مؤسسات بهداشتی و مراقبت های پزشکی، وجود مشاغل دفتری نشسته و بدون تحرک در شهرها و احتمال امکان تکدی گری از عوامل بالا بودن آمار است. به هر حال در خلاصه گزارش سازمان ملل آمده است که نرخ های بالاتر ناتوانی بیشتر در میان ساکنان روستاها و به نسبت روستا به شهر چیزی نزدیک به ۲ به ۱ است. تفاوت های شهری و روستا وقتی که سن و جنسیت به حساب آیند، هم چنان پا برجا می ماند. تحقیقات در هند نشان می دهند که تراکم بالای ناتوانی بستگی به عوامل محیطی؛ مثل فقدان ید، عوامل بیماری (فلجی، جذام و غیره) و عوامل اجتماعی و اقتصادی (عدم تامین غذای کافی، فقر و غیره) دارد.

۳-۱۰- وضعیت زناشویی و ترتیب های زندگی : داده های یک بررسی که در سال ۱۹۹۰، در امریکا به عمل آمده است، نشان می دهد که نسبت خانواده ها با یک عضو ناتوان به نسبت افراد با یک ناتوانی به جمعیت ۱۳/۷ درصد بوده است.

۳-۱۱- در مطالعه های انفرادی، نتایج به شدت متفاوت هستند. طبق این برآوردها، نرخ ناتوانی مردان در هند و پاکستان



آموزش و پرورش، درآمد، نژاد، قومیت، ترتیبات زندگی و جنسی. به هر حال پژوهشگران هشدار می دهند که اغلب رابطه میان علت و معلول را نمی توان معنی کرد و حال آن که ناتوانی یقیناً سبب فقر می شود و بر عکس. اما حدود هر مورد، ناشناخته است.

۳-۴- در خلاصه سازمان ملل درباره قاطعیت و صحت نتایج بدست آمده، در بخش وسیعی قید شده است که، میانگین افراد ناتوان، تحصیل نکرده هستند و از موقعیت اقتصادی پایینی برخوردارند و در مناطق روستایی و فقیر نشین زندگی می کنند. تجزیه و تحلیل بررسی های موردی نشان می دهد که نرخ های بالای ناتوانی با بی سوادی، تغذیه نامناسب و بد، ایجاد مصونیت غیر کافی و تلقیح و مایه کوبی غیرسنجیده، به دنیا آوردن نوزادان

عموما افراد ناتوان، تعلیم و تربیت کمتر می بینند و مدرسه را اغلب با امتیازهای خیلی محدود ترک می کنند

با وزن کمتر، نرخ بیکاری بالا و تحرک شغلی همراهند. گزارش تا آن جا پیش می رود که می گوید: از خیلی جهت ها، نرخ ناتوانی یک شاخص اجتماعی-اقتصادی است، نوعی شاخص فقر یا شاخصی برای میزان توسعه یافتگی... از نظر کیفیت زندگی، بازمانده هایی از ناتوانی و معلولیت، آنها که توانسته اند از چنگال مرگ بگریزند، تنها با تفسیر، تبدیل و تعدیل های فراوان در شکل و نوع و محیط کار، می توانند به زندگی ادامه بدهند.

۴-۴- در باقی مانده این بخش، یافته های روشنگرانه و توضیحی عمده ای از کشورهای توسعه یافته، درباره ارتباط های

وضعیت

را مدیون اولویتی

می دانند که پسران در کشور بنگلادش به

دختران دارند. بر اساس منابعی که بررسی شد، به نظر

می رسد که تجزیه و تحلیل های بیشتر لازم است تا به توان نقطه نظرهای مشخص تری را در ارتباط با متغیرهای جنسی در هر کشور یا منطقه در حال توسعه ارائه کرد.

۴-آموزش و پرورش، درآمد و فقر

۴-۱- در کشورهای توسعه یافته، پژوهش های وسیعی درباره تاثیر درآمد و رفاه بر روی ناتوانی به عمل آمده که در اینجا نمی توان همه آن ها را مرور کرد. اما یافته ها درباره رابطه های کلی و عمومی به منظور روشن گری ارائه می شوند. البته همین ارتباط های کلی در مورد بیشتر کشورهای در حال توسعه آزمون نشده است. همان طور که « نیوفلت » خاطر نشان می سازد. حتی در کشورهای محدودی که چنین سوابقی را نگه داری می کنند، صحت و اعتبار این یافته ها زیر سؤال قرار دارد، به خصوص که بیشتر فعالیت های اقتصادی در این کشورها از طریق سازمان های غیر رسمی انجام می گیرد. او هم چنین یادآور می شود که سوابق مربوط به ضوابط اشتغال افراد ناتوان ۴ کشور از ۱۶ کشور توسعه یافته که در خلاصه سازمان ملل آمده است، هیچ کدام برای مقایسه جمعیت ناتوان و جمعیت بدون ناتوانی، مناسب نیستند.

۴-۲- سازمان آمار آمریکا، عامل هایی را با قوی ترین ارتباط با

ناتوانی مشخص کرده است. این فاکتورها عبارتند از: سن،



ناتوانی
با آموزش و پرورش،
شرکت جویی در نیروی کار، درآمد و
فقر آمده است.

پژوهشگران هشدار می دهند که اغلب رابطه میان علت و معلول را نمی توان معنی کرد. حال آن که ناتوانی یقیناً سبب فقر می شود

افراد عادی فاقد دیپلم دبیرستان بوده اند. و این نسبت وقتی که محدودیت ها جدی باشد تا به چهار برابر هم می رسد. «نوفلت» خاطرنشان می سازد که اختلاف ها در سطح آموزش و پرورش احتمالا نمی تواند همه تفاوت را در شرکت جستن نیروی کار به طور کامل توضیح بدهد. وقتی داده های به دست آمده از بریتانیا، کانادا و هنگ کنگ تجزیه و تحلیل شدند، معلوم شد که کمتر از

آموزش و پرورش

۴-۵- عموماً افراد ناتوان، تعلیم و تربیت کمتر می بینند و مدرسه را اغلب با امتیازهای خیلی محدود ترک می کنند. چندین مثال از تفاوت های چشمگیر حضور در مدرسه و سوادآموزی میان افراد عادی و ناتوان وجود دارد که در متن و جداول خلاصه شده به وسیله سازمان ملل در دسترس است.

از جمله این تفاوت ها:

- هنگ کنگ: بر اساس آمار ۱۹۸۱، نزدیک به ۴ درصد جمعیت گروه سنی ۱۵-۲۴ سال هرگز به مدرسه نرفته اند، در حالی که جمعیت افراد ناتوان در همین گروه سنی بیش از ۲۵ درصد می باشد.

- کانادا: بررسی های ۴-۱۹۸۳، نشان می دهد که حدود ۶ درصد کل جمعیت گروه سنی ۱۵-۲۴ سال فقط ۸ سال یا کمتر به مدرسه رفته اند؛ حال آنکه نسبت ناتوان ها در این گروه سنی ۱۷ درصد بوده است.

- بحرین: ۲۷ درصد همه افراد ۱۰ ساله و مبتلا طبق آمار سال ۱۹۸۱، بی سواد بوده اند، اما در همین گروه سنی افراد ناتوان، به نسبت مدرسه نرفته ها ۷۷ درصد بوده است.

۶-۴- داده های امریکا از بررسی NH/S که در سال ۱۹۸۹، انجام داده است، افراد با یک نقص کاری اعضای بدن ۲/۵ برابر تعداد

۱۷ درصد افراد ناتوان با آموزش معادل کلاس ۹، در مقایسه با ۵۵ درصد افراد ناتوان شاغل بوده اند و نرخ اشتغال افراد ناتوان با درجه دانشگاهی ۵۰ درصد، در مقایسه با ۸۷ درصد همه فارغ التحصیلان دانشگاهی، بوده است.

شرکت جستن در نیروی کار

۴-۷- دفتر بین المللی کار اعلام کرده است که نرخ عدم اشتغال افراد ناتوان در کشورهای صنعتی ۲ و حتی ۳ برابر افراد غیر ناتوان بوده است. آمارها همچنین اختلاف هایی را از جمله در کشورهای زیر نشان می دهد:

- استرالیا: یک بررسی در سال ۱۹۸۱، نشان داد که جمعیت افراد ناتوانی که در نیروی کار شرکت نکرده اند حدود ۶۰ درصد بوده است، دو برابر نسبت کل نیروی کار (۳۰ درصد)؛ ۴۶/۵ درصد جمعیت ناتوان در سال ۱۹۹۳، در نیروی کار شرکت داشته اند.

- کانادا: در بررسی سال ۱۹۸۳/۸۴، تنها ۴۱ درصد جمعیت ناتوان، در گروه سنی ۱۵-۶۴ به کار گرفته شده بوده اند، در مقایسه با ۶۵ درصد کل جمعیت در همان محدوده سنی. در سال ۱۹۹۱، ۴۴ درصد افراد ناتوان در نیروی کار شرکت نداشته اند.

- بریتانیا: در سال ۱۹۸۱، ۱۶ درصد افراد ناتوان به ثبت رسیده که بیکار بوده اند، دو برابر جمعیت افراد ناتوان در کل نیروی

کارند.

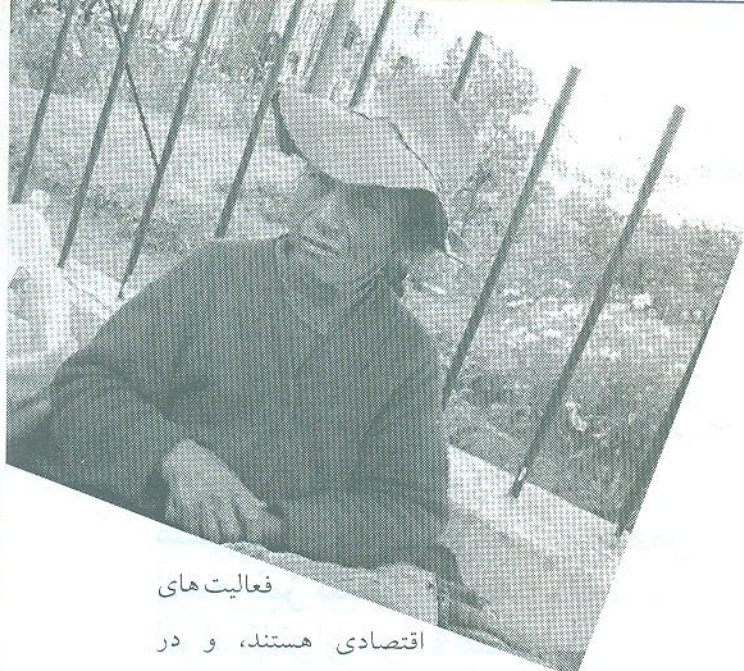
- ایالات متحده : در سال ۸۸-۱۹۸۱ فقط ۳۱/۶ درصد افراد ناتوان در نیروی کار شرکت داشته‌اند، که در این صورت در مقایسه با ۷۸/۹ درصد افراد غیرناتوان شاغل نرخ بیکاری برای افراد ناتوان، بیش از دو برابر افراد عادی بوده است. یک بررسی در سال ۱۹۸۴، از آمریکا و چندین کشور اروپایی

افراد ناتوان برای جبران کمی دستمزد، در مقایسه با غیرناتوان‌ها، ساعت‌های بیشتری کار می‌کنند. همچنین محتمل‌تر است که آنها در محیط کار بدتری مشغول شوند، امید کمتری به ترفیع داشته و در معرض ازدست دادن شغل و بیکاری‌های طولانی قرار گیرند

نشان داده که شرکت کردن افراد با ناتوانی خفیف در بازار کار محتمل‌تر بوده، که کار کنند، اما کار این افراد بیشتر به شکل پاره وقت بوده است.

۴-۸- با نقل، یافته‌های چندی از این کشورها و کشورهای دیگر (از جمله ژاپن و سوئد)، «نوفلت» نتیجه‌گیری می‌کند که با به حساب آوردن تفاوت تعریف‌ها، اطلاعات گردآوری شده و غیره، در کشورهای با درآمد بالا، اشتغال افراد ناتوان به سختی به نصف نرخ افراد غیرناتوان و دست کم به دو برابر افراد ناتوانی که در نیروی کار نیستند، می‌رسد و وقتی هم که افراد ناتوان به کار گرفته می‌شوند، به سبب سطح پایین آموزشی کارآیی چندانی ندارند.

۴-۹- گرچه داده‌های کشورهای در حال توسعه نادر هستند، اما همین اطلاعات محدود در دسترس نشان می‌دهد که افراد ناتوان خیلی کمتر در فعالیت‌های اقتصادی بقیه مردم شرکت می‌جویند. SIDA گزارش می‌کند که تنها ۱۶ درصد جمعیت ناتوان در «موریلتوس» در مقایسه با ۵۳ درصد جمعیت کل، درگیر



فعالیت‌های

اقتصادی هستند، و در

بستوانه، ارقام به ترتیب ۳۴ درصد و

۵۱ درصد هستند.

۱۰-۴- «گلدیشیگ و بالدوین» با اشاره به بررسی‌ها در بریتانیا اظهار می‌دارند که مشکل اشتغال دامنگیر افراد ناتوان در هر سنی هست. بعد از ترک مدرسه، افراد ناتوان در مقایسه با غیرناتوان‌ها، عدم اشتغال را خیلی بیشتر تجربه می‌کنند.

افراد ناتوان برای جبران کمی دستمزد، در مقایسه با غیرناتوان‌ها، ساعت‌های بیشتری کار می‌کنند. همچنین محتمل‌تر است که آنها در محیط کار بدتری مشغول شوند، امید کمتری به ترفیع داشته و در معرض ازدست دادن شغل و بیکاری‌های طولانی قرارگیرند. افراد ناتوان همچنین به علت بازنشستگی زودرس، اضافه بر سازمان بودن و تعدیل‌های

شواهد در کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد که افراد ناتوان حتی وقتی که عامل سنی هم به حساب آمده است، درآمد کمتری نسبت به افراد غیرناتوان دارند

سازمانی، زودتر از نیروی کار خارج می‌شوند. علاوه بر این مشکل اشتغال فرد ناتوان، با شدت گرفتن درجه ناتوانی، سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌شود. پیدا کردن کار و حفظ اشتغال بخصوص

برای اشخاص با شکل های خاص ناتوانی، مثلا نقص بینایی یا شنوایی و افراد مصروع و مولتی اسکرویس (MS) و بخصوص افراد با بیماری و نقص روانی، خیلی مشکل تر می شود.

درآمد

۱۱-۴- شواهد در کشورهای توسعه یافته نشان می دهد که

مطالعه ای که در بریتانیا به عمل آمده نیز نشان می دهد که، معدود افراد ناتوان در مقایسه با غیر ناتوان ها صاحب خانه شخصی هستند

افراد ناتوان حتی وقتی که عامل سنی هم به حساب آمده است، درآمد کمتری نسبت به افراد غیر ناتوان دارند. بررسی هایی که از سال های آخر دهه ۱۹۵۰ تا سال های آخر دهه ۱۹۷۰، در آمریکا به عمل آمده، نشان می دهد که: نابرابری قابل ملاحظه ای میان درآمد افراد ناتوان و غیر ناتوان وجود دارد. نرخ دستمزد میانگین افراد ناتوان فقط ۶۰ درصد افراد غیر ناتوان بوده است. در بررسی به عمل آمده در سال ۱۹۸۷، میانگین درآمد افراد ناتوان ۵۰ درصد درآمد افراد بدون ناتوانی است. اطلاعات گردآوری شده در سال ۱۹۹۰، نشان می دهد که به طور عموم، درآمد متوسط خانواده ای که نان آور آن ناتوانی داشته باشد، به طور قابل ملاحظه ای پایین تر از خانواده های عادی است.

۱۲-۴- مطالعه ای که در بریتانیا به عمل آمده نیز نشان می دهد که، معدود افراد ناتوان در مقایسه با غیر ناتوان ها صاحب خانه شخصی هستند. تعدادی دارای اموال می باشند و بقیه از درآمد کمتر برخوردارند و تعدادی از حق بازنشستگی و دیگر امتیازهای رفاه عمومی بهره می گیرند. حال آنکه بسیاری از ناتوان ها به درآمد بیشتری نسبت به سایرین نیاز دارند.

« گلدیشینگ » و « بالدوین » همچنین با اشاره به وضعیت بریتانیا، به درآمد پایین تر کارگران ناتوان اشاره می کنند و خاطرنشان می سازند که، با شدت گرفتن درجه ناتوانی، دستمزد

و درآمد هم کاهش می یابد. این دو پژوهشگر متذکر می شوند که درآمد کمتر افراد ناتوان تا سال های پیری ادامه پیدا می کند. نرخ های بالای بیکاری اختلال در اشتغال و کار با دستمزدهای پایین، همه دست به دست هم می دهند و بر روی درآمد افراد ناتوان در بازنشستگی نیز تاثیر می گذارند. افراد ناتوان کمتر شانس برخورداری از یک حقوق تقاعد کامل و تا حدودی کمک های

دفتر بین المللی کار اعلام کرده است که نرخ عدم اشتغال افراد ناتوان در کشورهای صنعتی ۲ و حتی ۳ برابر افراد غیر ناتوان بوده است

یارانه ای که بتواند در پیری آن ها را در مقابل فقر حفاظت نماید، پیدا می کنند.

فقر

۱۳-۴- در کشورهای توسعه یافته برنامه های دولتی برای حمایت از افراد ناتوان در نظر گرفته شده است. اما به نظر نمی رسد چنین برنامه هایی، کمکی اساسی به رفع فقر افراد ناتوان بکنند. ناتوان ها در کشورهایی از قبیل هلند و سوئد که سیاست حمایتی دست و دل بازتری دارند. زندگی بهتری تا ناتوان ها در دیگر کشورها دارند، اما هنوز در مقایسه با جمعیت نرمال وضعیشان نامساعدتر است. تجزیه و تحلیل داده ها در سال ۱۹۹۰، در آمریکا نشان می دهد که نرخ فقر در خانواده هایی که فقط یکی از زوج ها ناتوان هستند، بدون وجود یک فرد ناتوان دیگر در خانواده از ۷/۸ درصد به ۵/۹ درصد رسیده، نسبت به ۱۴/۲ درصد مواردی که دو شریک زندگی هر دو ناتوانی داشته باشند، افزایش پیدا کرده است. بررسی اخیری که درباره مردان با ناتوانی در آلمان به عمل آمد، نشان داد که حتی با اجرای برنامه های نسبتا خوب اشتغال، افراد با ناتوانی در مقایسه با سایرین با خطر فقر بالاتری روبرو هستند.

توانایی در ناتوانی

متن سخنرانی دکتر غلامرضا قاسمی کبریا در ۱۲ آذرماه ۱۳۸۰ روز جهانی معلولین در مجتمع رعده

عبارات سالم و ناسالم، تمام و ناتمام، کامل و ناقص در همه مواردی که به کار گرفته می‌شوند، اغلب معنا و مفهوم خود را درست منتقل می‌کنند، بجز در موضوعات مربوط به شخصیت انسان، که در آنجا به واسطه عوامل گوناگون و متعدد از قبیل: برداشت متفاوت از معانی، تحلیل نادرست، پیش داوری، تاثیر نگرش‌های فرهنگی، خوب گوش نکردن و وجود فیلترهای ذهنی و ... موجب می‌شود تا ضعف قوا و یا ناهنجاری‌هایی چون ناقص بودن بعضی از اعضا را مانع اصلی رسیدن به زندگی موفق بدانیم.

در یک نگاه کلی به عالم خلقت، وجه تمایز انسان را با دیگر موجودات به وضوح می‌توان دید. با اینکه در اکثر موجودات هستی، شباهت‌های وضعی زیادی حتی با انسان به چشم می‌خورد، اما انسان امتیازات ویژه‌ای نسبت به دیگر موجودات دارد.

عامل درخشنده‌گی انسان حضور و ظهور نیرویی در اوست که توانسته است او را بر خود و بر همه عناصر عالم هستی استیلا دهد و بر آنها مسلط سازد.

آدمیزاد با قوای جسمانی و حواس پنجگانه اش (بدون استفاده از تفکر) نمی‌تواند با کوچک‌ترین حیوان مقابله کرده، از خود دفاع کند.

اگر مرتبت و منزلت به اعضا و جوارح بود، انسان پایین‌ترین مخلوق عالم شمرده می‌شد، نه اشرف آن. زیرا که قدرت بسیاری از حیوانات، بیش از زور بازوی انسان هاست، در صورتی که هیچ‌یک از آنها به اشرفیت برگزیده نشدند. نکته جالب توجه و قابل ملاحظه در این است که به رغم وجود برتری جسمی در حیوانات، این انسان است که بر حیوان تسلط دارد و این سلطه مبین وجود توان بی‌پایانی در بشر است که توان‌های جسمی و یا توان‌های یدی، در برابر آن بسیار ناچیز و کم‌اهمیتند. مهم‌تر اینکه با دستیابی انسان به قدرت‌های مکانیکی و الکترونیکی، اهمیت فعالیت‌های یدی

روزبه‌روز کمتر و ناچیزتر می‌شود. به عبارت دیگر، هر چه انسان در حوزه توان اصلی خود، یعنی در تعقل و تفکر پیشرفت می‌کند، به همان نسبت، از اهمیت فعالیت‌های یدی او کاسته می‌شود. اگر دامنه توانایی‌های جسمی انسان ثابت و یا محدود است، در عوض، دامنه توانایی‌های فکری و عقلی وی نامحدود و رو به گسترش و تزايد است.

در اینجا سؤال می‌شود که چرا باید نقص عضوی که در نیل به سعادت، کم‌اثر است، موجب نومی‌دی از کسب سعادت شود؟

پندار معلول ناتوان جسمی، محصول پندارهای قشر ناآگاه جامعه است. این قبیل تداعی‌های ذهنی غلط علاوه بر تخریب روح و روان معلولین جسمی، که باید با آن از طریق فرهنگی، مبارزه جدی کرد. مانع فعال شدن توان بی‌پایان تعقل در معلولین می‌شود. ترحم بیجا و مخرب انسان‌های ناآگاه به عوامل زیر بستگی دارد:

۱- معلول خود را نشناخته و به توان خویش آگاهی کافی نیافته و به آن وقوف ندارد.

۲- هدف‌های زندگی خود را مشخص نکرده، اهمیتی به آنها نمی‌دهد.

۳- محرومیت بخشی از جوارح را، محرومیت از زندگی تلقی کرده است.

۴- عدم سعی و تلاش در شناختن و فعال کردن دیگر توانایی‌ها، بخصوص توان بی‌پایان اندیشه و تفکر.

۵- احساس ناتوانی در خود.

در صورت وجود چنین عواملی، طبیعی است که فاصله وی همچنان با زندگی سعادت‌مند، کم‌نشود و تغییری نکند.

معلول عقل

باید در نظر داشت که معلول به منزله ناتوان، کسی است که از نعمت تعقل و تفکر محروم باشد، نه معلول جسمی.

وقتی که عملاً مشاهده می‌شود که نارسایی‌های جسمی، با تدابیر عقل، براهتی طوری جبران می‌شود که خلا نبود آن عضو احساس نمی‌شود، پس نباید در شکوفا و فعال کردن تدابیر عقلی، قصور و کوتاهی کرد.

معلول واقعی کسی است که در استفاده از عقل ناتوان باشد، نه

در ضعف و یا عدم بهره گیری از عضو مادی که در مقام مقایسه، موارد مشابه قوی تر آن، در حیوانات به وفور دیده می شود.

اهمیت عقل

خداوند در قرآن کریم به نوعی انسان را به واسطه بهره گیری اش از نیروی اندیشه و تعقل جدا سازی می کند... در سوره انفال آیه ۲۲ می فرماید:

ان شرالدواب عندالله الصم البکم الذین لا یعقلون

یعنی بدترین حیوانات نزد خدای تبارک و تعالی کر و لال تعقلی هستند.

پر واضح است که منظور این آیه، کر و لال جسمی نیست، بلکه آنانی مورد نظرند که حق را نمی شنوند و به حق هم صحبت نمی کنند. یعنی، وجه ممیزه انسان با دیگر مخلوقات، در تعقل وی است.

از نبی گرامی (ص) روایت شده است که: ان الله تعالی خلق الملائکه و رکب فیهم العقل و خلق البهائم و رکب فیها الشهوه و خلق بنی آدم و رکب فیهم العقل و الشهوه فمن غلب شهوته فهو اعلى من الملائکه و من غلب شهوته عقله فهو ادنى من البهائم

ترجمه:

همانا خدای متعال ملائک را سوار بر عقل خلق کرد و حیوانات را سوار بر شهوت و آدم را سوار بر عقل و شهوت. پس کسی که عقلش بر شهوت او غالب باشد آن کس از ملک برتر و آن کس که شهوتش بر عقلش غالب شود، از حیوان پست تر است.

مولانا در شرح این حدیث می فرماید:

در حدیث آمد که یزدان مجید خلق عالم را سه گونه آفرید یک گروه را جمله علم و عقل وجود آن فرشته است و ندادند جز سجود نیست اندر عنصرش حرص و هوا نور مطلق، زنده از عشق خدا یگ گروه دیگر از دانش تهی همچو حیوان از علف در فریبی او نبیند جز که اصطبل و علف از شقاوت غافل است و از شرف این سوم هست آدمیزاد و بشر نیم او را فرشته و نیمش زخر آندو قوم آسوده از جنگ و خراب و بین بشر با دو مخالف در عذاب

وین بشر زین امتحان قسمت شدند آدمی شکلند و سه امت شدند یک گروه مستغرق اندر حق شدند همچو عیسی با ملک ملحق شدند قسم دیگر با خران ملحق شدند خشم محض و شهوت مطلق شدند پس در این ترکیب حیوان لطیف آفرید و کرد با دانش الیف

علی (ع) میفرماید: الانسان بعقله (غرر الحکم)

یعنی اهمیت و ارزش انسان به عقل اوست. به عبارت دیگر می خواهد بگوید که انسان ها به عنوان بهره گیری از نیروی تعقل و تفکر، با ارزش می شوند.

در جایی دیگر می فرماید: کمال الانسان العقل (غرور الحکم) یعنی کامل و تکمیل شدن انسان در تعقل اوست. در واقع کمال و نقص انسان در این جا به عاقل و غیر عاقل اشاره دارد، نه به نقص عضوی از اعضای جسم آدمیزاد.

خدا و خلق معلول

چون همه حوادث و اتفاقات عالم با آگاهی و اذن خدای تبارک

عامل درخشندگی انسان حضور و ظهور نیرویی در اوست که توانسته است او را بر خود و بر همه عناصر عالم هستی استیلا دهد و بر آنها مسلط سازد.

و تعالی صورت می گیرد، قطعاً آن حکیم دانای توانا در آن حکمت هایی هم قرار داده است. که از آن جمله می توان:

۱- امتحان الهی

۲- توجه به تعقل و تفکر

۳- نحوه ارزش گذاری

۴- پی بردن به راز تفاوت ها

و ... نام برد.

لنبلوکم بشی من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفاس و الثمرات و بشر الصابرين «بقره ۱۵۵»

همانا خداوند شما را (همگی را) به ترس و گرسنگی و کم شدن

مال و جان (نقص عضو) و ثمرات (منافع) می آزماید.

بر صبر کنندگان در این امتحان الهی بشارت باد.

ورزش و سازگاری

نویسنده: فریبرز درتاج

سازگاری چیست؟

سازگاری فرایند سازش یافتن با تغییر است، واژه سازگاری زمانی بکار می‌رود که یک شخص نسبت به مجموعه تغییر یافته‌ای از عوامل بیرونی و درونی در زندگی اش منطبق شده باشد. البته همگی سازش یافتگی‌ها مثبت نیستند

برای ساده کردن تبیین، واژه سازگاری را در اینجا به معنی سازش یافتگی مثبت نسبت به تغییرات در نظر می‌گیریم. بنابراین ناسازگاری وضعیتی

است که بعد از یک تغییر اساسی دراز مدت یا ویژگیهای منفی پایدار ایجاد میشود که تاثیر زیان آوری بر وضعیت فیزیکی، هیجانی و اجتماعی یک شخص دارد.

مهمترین عامل در سازگاری فرد، از عهده بر آمدن (Coping) می‌باشد.

از عهده بر آمدن، در حقیقت ترکیبی از تمرینهای ذهنی خود آگاه و ناخود آگاه است که برای ایجاد و هدایت ثبات هیجانی، بکار می‌رود. (وایزمن ۱۹۸۷).

برخی از مردم از لحاظ تحمل موقعیتهای هیجانی از دیگران قوی ترند و این به دلیل توانایی مواجهه با موقعیتهای جدید است.

برای مثال بیماری که قرار است بزودی تحت عمل جراحی قلب قرار گیرد با فشار روانی خاصی مواجه است. توانائی او برای کنار آمدن با عمل جراحی و دوره نقاهت، بیشتر بستگی به تجارب قبلی و روشی دارد که او برای مقابله با فشار روانی بر می‌گزیند. اگر در گذشته در چنین شرایطی تحت فشار روانی مقاومت نداشته به احتمال زیاد اکنون

نیز آمادگی ناسازگاری را دارد.

روی و رندل چهار سازگاری را برای انسان برشمردند که عبارتند از:

۱- فیزیولوژیک

۲- مفهوم خود

۳- کنش نقش

۴- وابستگی درونی

اگر مشکلی برای سازگاری در هر کدام یا همه اینها رخ دهد؛

شخص در سطح پایین تری از سطح قبلی اش عمل می کند. در حقیقت این عملکرد را می توان به مثابه ماشین چهار سیلندری در نظر گرفت که یک سیلندر آن کار نمی کند. با وجود کار شدیدتر موتور در این حالت در مجموع توانائی و قدرت آن کاهش می یابد. برای آسان کردن مفهوم سازگاری آن را در دو زمینه کلی در نظر می گیریم. یکی فیزیولوژیک، که شامل پاسخ های فیزیولوژیک نسبت به تغییر می باشد و دیگری روانی - اجتماعی، که در حقیقت روشی

عصبی کنش های غیر ارادی درونی را کنترل می کند.

سیستم خود مختار عصبی به دو بخش سمپاتیک و پاراسمپاتیک تقسیم می شود که هر دو بخش، تحت تاثیر هیپوتالاموس قرار دارند. هیپوتالاموس در انتهای سیستم لیمبیک که جایگاه هیجانات انسان است قرار دارد. (ایدزو کوهن ۱۹۸۵). این احتمال وجود دارد که هیپوتالاموس حلقه گم شده میان ابعاد هیجانی و فیزیکی انسان باشد. (کرنوا و کلیمنکو ۱۹۸۵) تحقیق درباره ارتباط میان فشار روانی و بروز بیماری با توجه به همخوانی

بسیار وسیعتر میان زیر سیستمهای روان شناختی و فیزیولوژیکی انسان قابل اهمیت است. (لک ۱۹۸۶).

سازگاری روانی - اجتماعی :

فرایند سازگاری روانی - اجتماعی بسیار پیچیده تر و انتزاعی تر است و صرفاً می توان آن را به صورت رفتار مشاهده کرد. سازگاری درون روانی در هر انسانی متفاوت است؛ زیرا پیچیدگیهای رشد شخصیتی و پویائیهای درون روانی در ذهن انسان تعداد نامحدودی از پاسخهای ممکن را نتیجه می دهد.

سازگاری روانی - اجتماعی نسبت به فشار روانی در اثر بیماری، تعدادی عوامل

فشار زای دیگر را برای بیمار بوجود می آورد، که او قبلاً آنها را تجربه نکرده است. به همین دلیل او مکانیزم های لازم برای رهایی از این عوامل را در اختیار ندارد. از جهتی خانواده وی نیز که معمولاً حمایت کننده اصلی می باشند، در معرض چندین عامل فشار زای جدید قرار می گیرند که ممکن است قادر به برآورده ساختن نیازهای هیجانی فرزندشان نباشند.

طرح مسئله

با توجه به مطالب یاد شده در بحث سازگاری روانی - اجتماعی، تغییرات بیومکانیکی عارض شده بر جانبازان جنگ



است که شخص با دیگران و محیط تعامل می کند.

وجه فیزیولوژیک سازگاری:

فرایند بیماری شخص اغلب با داده های آزمایشگاهی مورد ارزیابی قرار می گیرد. حیطه فیزیولوژیکی فقط زمانی توسط پزشکان مورد توجه قرار می گیرد که بیمار بعد از یک ناراحتی سخت، از نظر فیزیولوژیک ناسازگار باشد. اگر چه این احتمال نیز وجود دارد که پاسخ فیزیولوژیکی بیمار اثر فشار هیجانی باشد.

(استروبل ۱۹۸۲) وجه فیزیولوژیکی عمدتاً توسط سیستم خود مختار عصبی تنظیم می شود. (اسنابدر ۱۹۸۰) سیستم خود مختار

تحمیلی باعث ایجاد فشار روانی و بر هم زدن سازگاری آنان می شود. علاوه بر این خانواده و نزدیکان این افراد نیز آمادگی پذیرش کامل آنان را ندارند. در نتیجه، فشار روانی خانواده نیز بر فشار روانی جانباز افزوده شده، سازگاری او را بیشتر به مخاطره می افکند.

چون عامل بوجود آورنده فشارهای یاد شده بیومکانیکی می باشد برای ایجاد شرایط تحمل آنها و آماده سازی جانباز برای تطبیق با این شرایط دشوار، ترجیحاً باید از روش های حرکتی خصوصاً ورزش استفاده کرد. برای بررسی چگونگی تأثیر ورزش به عنوان یک فعالیت درمانی موثر در سازش دادن جانباز با تغییرات بیومکانیکی و ایجاد سازگاری در سایر جنبه ها (فردی، شغلی اجتماعی) برای وی، اقدام به برگزاری آزمونی با مقدمات و شرایط زیر کردیم:

فرضیه

ورزش به عنوان یک فعالیت درمانی برای سازگاری جانباز با تغییر بیومکانیکی موثر است. یا به عبارتی جانبازان ورزشکار در حیطه های جسمی، فردی، شغلی و اجتماعی سازگارتر از جانبازان غیر ورزشکار هستند.

روش تحقیق

نمونه گیری: به صورت تصادفی - اتفاقی ۱۰۰ تن جانباز ورزشکار و غیر ورزشکار انتخاب شدند.

وسيله آزمون

فرم آزمون به نحوی طراحی شد که بتوان با کمک آن سازگاری جانباز در حیطه های جسمانی - فردی - اجتماعی و شغلی را اندازه گیری کرد.

این آزمون توسط: دکتر علی دلاور، بهرام صالح و فریبرز درتاج

بر روی جانبازان و معلولین سراسر کشور نرم گیری و استاندارد شده، در کنکور بین المللی ورزش در اصفهان معرفی شده است.

روش اجرا

برگزار کنندگان آزمون پس از گردآوری فرمها مجموع کل نمره های حاصله از آزمون هر فرد را در حیطه های مختلف مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار دادند.

آزمون آماری

آزمون آماری مناسب برای این تحقیق از T استودنت برای گروههای مستقل با واریانس های مشابه بود. زیرا واریانس های هر حیطه و کل آزمون در هر گروه با آزمون آماری مورد بررسی قرار گرفت و در سطح ۵ درصد خطا هیچگونه تفاوت معنی داری مشاهده نشد.

بنابراین می تون نتیجه گرفت که واریانس ها مشابه بوده اند. جدول زیر نتیجه این پژوهش آماری است:

نتیجه علمی

با توجه به نتیجه آماری می توان دریافت که ورزش به عنوان یک مکانیزم مناسب در توانمند کردن جانبازان برای سازگاری با شرایط بیومکانیکی جدید موثر است.

به همین دلیل است که ورزش برای جانبازانی که ضایعه آنان موجب تغییر در روند زندگی فردی و

| سازگاری اجتماعی | سازگاری جسمانی | سازگاری شغلی | سازگاری فردی | سازگاری کلی |
|-----------------|----------------|--------------|--------------|---------------------|
| ۱/۶۹۸ | ۲/۲۶ | ۳/۳۴ | ۲/۶۱ | ۲ |
| ۱/۶۶۲ | ۱/۶۶۲ | ۱/۶۷۶ | ۱/۶۶۲ | ۱/۶۶۲ |
| x | x | x | x | x |
| | | | | معنی دار بودن تفاوت |

اجتماعی شده ایجاد مهارت های حرکتی می کند و این مهارت های حرکتی تا حدودی مشکلات حرکتی یا به عبارتی فعالیت های روزمره جانباز را تسهیل می کند و او را از نظر جسمی سازگارتر می سازد.

سازگاری جسمی به نوبه خود در سازگاری فردی و شغلی موثر و در مجموع سازگاری اجتماعی نیز افزایش می یابد.

کودکانی که خواهر یا برادر معلول دارند

منبع: مارلو، پرستاری کودکان،

ترجمه: سونیا آرزومانیان

تهران ۱۳۷۶

خواهران و برادران کودک دارای ناتوانی، نیازهای خاصی دارند که باید به دقت مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرند. لازم است از سن تقویمی و موقعیت تکاملی خواهران-برادران و ترتیب تولد کودکان

یکسان کردن آموزش کودکان معلول، کوششی در جهت آشنا سازی کودکان سالم با ناتوانی های تکاملی کودکان معلول است.

آگاهی یافت؛ خواهران یا برادران کمتر از ۵ سال ممکن است معلولیت خواهر یا برادر مبتلا را درک نکنند چون آنها غالباً مسأله را از دیدگاه خود می‌سنجند و کودک مبتلا را با توجه زیاد و مخصوص والدین همانند سازی می‌کنند.

هنگامی که کودکان غیر معلول به سن مدرسه می‌رسند، به علت عدم دریافت مراقبت کافی، ممکن است نسبت به والدین خود، احساس تنفر پیدا کنند؛ ضمن اینکه از پی بردن احتمالی دوستان به وجود یک معلولیت در خانواده شرمگین باشند. برای کودکان اغلب پذیرفتن این مسأله که با خواهر یا برادر معلولشان هم مدرسه‌ای شوند بسیار سخت است. در این خصوص باید در مورد چگونگی ابراز احساسات (بدون احساس گناه)، به کودکان سالم کمک کرد.

یکسان کردن آموزش کودکان معلول، کوششی در جهت آشنا

سازی کودکان سالم با ناتوانی های تکاملی کودکان معلول است. کودکان نوباوه را می‌توان تشویق کرد که در برنامه درمانی یا ارزیابی حرفه‌ای خواهر یا برادر تشریک مساعی کنند.

خواهران یا برادران در سنین نوجوانی، ممکن است در مورد استعداد نهایی خودشان در بدنیآ آوردن کودکان معلول نگران باشند. نوجوانان غالباً خود مدار بوده و به طور محسوسی درباره ظاهر و توانایی های خود، دلواپس هستند.

لازم است صادقانه، کودکان سالم در جریان درجه ناتوانی، پیش آگاهی و اقدامات خانواده در ارتباط با نگهداری کودکان مبتلا، گذاشته شوند. خواهران یا برادران باید تشویق شوند که در مراقبت روزانه شرکت جویند. نباید این احساس را در آنها بوجود آورد که مسئول نهایی کودکان ناتوان هستند؛ بلکه باید اجازه داد تا حد ممکن، زندگی طبیعی را در مدرسه و جامعه داشته باشند.

به منظور ارائه راهنمایی پیشگیرانه به این گونه خانواده ها، باید

خواهران یا برادران کمتر از ۵ سال ممکن است معلولیت خواهر یا برادر مبتلا را درک نکنند؛ چون آنها غالباً مسأله را از دیدگاه خود می‌سنجند و کودک مبتلا را با توجه زیاد و مخصوص والدین همانند سازی می‌کنند.

موقعیت تکاملی خواهران و برادران را در نظر گرفت. خواهران و برادران ممکن است موقعیت های بحرانی را بگذارند. زیرا هم زمان شاهد رشد خود و عدم رشد خواهر یا برادر معلولشان هستند.

ممکن است احساس گناه کنند، چون به مرور استقلال پیدا کرده و از خانواده مرکزی دور میشوند؛ در حالیکه برادر یا خواهر معلولشان به کمک سایر اعضای خانواده وابسته می‌ماند. می‌توان خانواده را مطمئن کرد که این احساسات و تجربیات طبیعی است. ضمن اینکه به والدین و کودکان سالم، در سازش با خواهر یا برادر ناتوان کمک می‌شود.

ام. اس؛ عصبی و بدون توقف

آشنایی با بیماری M.S (Multiple Sclerosis) و ویژگی‌های بیماران مبتلا به آن

شهلا نوری زاده - عضو هیئت علمی گروه فیزیوتراپی علوم پزشکی ایران

اگر بیماری عضلات تنفسی آنها را ضعیف کند، ممکن است در اثر بیماری تنفسی، عمر کوتاهی داشته باشند. در نوع خاصی از این بیماری حملات آنقدر زود به زود بوده که عرض چند سال بیمار را به مرگ می کشاند. در عده‌ای دیگر سیر بیماری بطئی است. درگیری بینایی به صورت دوربینی و تاری دید، علامت بسیار شایعی است.

بیماری ام. اس یک بیماری عصبی پیشرونده است که در آن به مرور زمان غلاف میلین دور اعصاب از بین می‌رود. این بیماری سیستم‌های بینایی، حرکتی، تعادلی، گفتاری، حسی و مثانه را گرفتار می‌کند. بسته به وسعت ضایعه و منطقه درگیر، علائم بیماری از فردی به فرد دیگر فرق می‌کند. به دلیل کند بودن سرعت هدایت اعصاب این بیماران حرکات را به سختی و کندی انجام می‌دهند.

توصیه اول:

محیط‌های آموزشی و توانبخشی این بیماران نبایستی دمای بالا داشته باشد. زیرا گرما سبب خستگی و عدم توانایی آنها می‌شود.

توصیه دوم:

خستگی ذهنی، و فکری و جسمی و فعالیت زیاد علائم بیماری را تشدید



می‌کند.

توصیه سوم: در اثر ضعف شدید تعادل و اختلالات مثانه‌ای نیاز به حمایت و در دسترس بودن دستشویی برای آنها بیش از دیگران است.

پیشنهاد: نظر به گران قیمت بودن داروهای مورد نظر برای این بیماری، بنظر می‌رسد تسهیلات مالی و روحی می‌تواند تا حدی در کاهش مشکلات این بیماران مؤثر باشد.

خستگی، استرس، فشار

کار، گرما، فعالیت بدنی

شدید، کشیدن دندان،

حاملگی، تماس با

میکروب‌ها و آلاینده‌ها

سبب تشدید و وخامت علائم

بیماری می‌شود. از این رو

توصیه می‌شود این بیماران از

خستگی و محیط‌های گرم

پرهیز کنند. حال این بیماران

در اول روز بهتر از پایان روز

است، لذا توصیه می‌شود

فعالیت‌های این افراد محدود

به صبح شود. این بیماری پیشرونده است و اغلب بیماران روز به روز بدتر می‌شوند تا جایی که توانایی راه رفتن را از دست داده، ناچار می‌شوند تنها با ویلچر خود را جابه‌جا کنند. این بیماران از زمان شروع بیماری می‌توانند ۳۰ الی ۳۵ سال عمر کنند. لذا به دلیل طولانی بودن عمر آنها با وجود معلولیت، مسائل خاص خود را دارند.

طردهای تپ خود اشتغالی

راه اندازی مرکز فیزیوتراپی

وزارت کار و امور اجتماعی - معاونت اشتغال - سال ۱۳۷۶

مقدمه :

نخست تعریف موتاهی از دانش و کار فیزیوتراپی بیان می گردد. تعریف : درمان بیماری های عصبی، عضلانی، اسکلتی (استخوانی) با استفاده از دستگاه های الکتریکی، ورزش درمانی و هیدروتراپی (آب درمانی) را فیزیوتراپی می نامند.

در مورد تاریخچه این رشته می توان گفت که شروع این رشته جدید درمانی در دنیا در حدود سال پیش در انگلستان و امریکا شروع شد و در سال ۱۳۴۲ اولین دوره دانشگاهی آن، با ۴۵ مدرک کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران زیر نظر خانم دکتر جانسون شروع به فعالیت نمود و سپس با به دنبال آن در دانشگاه های شیراز و علوم پزشکی ایران نیز به آموزش این رشته با مدرک کارشناسی پرداخته شد.

اولین کنگره فیزیوتراپی ایران در سال ۱۳۶۸ با همکاری سازمان بهزیستی کشور و انجمن فیزیوتراپی ایران تشکیل شد که این کنگره در حال حاضر همه ساله برگزار می گردد.

هم اکنون به غیر از مراکز دولتی و بیمارستان های -دولتی، مراکز خصوصی نیز در جهت انجام خدمات هر چه مفیدتر به هموطنان می کوشند که در ذیل به شرح مختصری درباره آن می پردازیم.

مراحل انجام کار :

یک کلینیک فیزیوتراپی ۳ بخش جداگانه دارد که شامل :

- الکتروتراپی (درمان با وسایل الکتریکی) : که بیشتر وسایل موجود در این بخش با استفاده از اینترفراشیاال شورت ویو دیاترمی، TENS و وسایل الکتریکی مثل التراسوند، دستگاه صد درد اشعه مادون قرمز و اشعه ماورای بنفش، حمام پارافین، پک های سرد و گرم، دستگاه های تحریک کننده عضلات برای کاهش درد التهاب کوتاهی های عضلانی و مشکلات عصبی ناشی از بیماری ها و شکستگی ها استفاده می شود.

- مکانو تراپی : در این بخش با استفاده از وسایلی مثل وزنه ها، فنرها، قرقره های ثابت، دوچرخه ثابت، میز کوادر، وسایل تمرینی مختلف تقریباً وسایلی که جهت درمان ضعف عضلانی و محدودیت های فضلی کاربرد دارند قرار گرفته و استفاده می شوند تا بیمار را به مرحله ای از استقلال نسبی جهت انجام امور روزمره خود برساند.

- هیدرو تراپی (آب درمانی) : استفاده از خواص آب مثل خاصیت غوطه وری و قانون ارشمیدس و ماساژ آب بر روی بدن بیماران برای درمان بیماران عصبی عضلانی مثل عقب افتادگان ذهنی کاربرد دارد. به عنوان مثال که بیماری با درد شدید و طولانی کمر به درمانگاه فیزیوتراپی مراجعه می نماید، ابتدا با استفاده از وسایل الکترونیکی در جهت کاهش درد و تصحیح ناهنجاری های غیر طبیعی که وجود دارد تلاش و سپس در بخش مکانو تراپی با انجام ورزش ها از تکرار مجدد آن جاوگیری به عمل می آید و یا به فرض، جانبازی که دارای مشکل صدمه به نخاع می باشد با استفاده از وسایل تحریک کننده عضلات و وسایل ضد درد مقداری از مشکلات را کاهش داده تا بیمار بتواند با انجام ورزش در قسمت مکانو تراپی به یک استقلال نسبی برسد.

تعاریف ابزار مورد نیاز :

الف) وسایل مورد نیاز قسمت الکتروتراپی عبارتند از :

۱- ۲- دستگاه اشعه مادون قرمز و اشعه ماورای بنفش : تولید این اشعه ها توسط این وسیله صورت می گیرد که برای درمان های سطحی مثل پوست به کار می روند.

۳- دستگاه التراسوند : تولید جریان مافوق صوت درمانی نموده و در کاهش درد در مناطق عمیقی، رفع التهاب و بهبود زخمها کاربرد دارد.

۴- چرخ شانه ای : برای افزایش دامنه حرکتی مفصل شانه

۵- دستگاه میچ گردان برای افزایش دامنه حرکتی میچ و انگشتان.

۶- دستگاه چرخ آرنج برای افزایش دامنه حرکتی آرنج.

۷- دوچرخه ثابت برای افزایش قدرت عضلات اندام تحتانی.

۸- مانکی بار (نردبان بارفیکس) برای تعلیم و آموزش

حرکت های روزمره.

| | |
|--|--------------|
| ۸۰۰۰۰۰ | آینه تمام قد |
| ۶۰۰۰۰۰ | راه پله ها |
| ۱۵۰۰۰۰ | فیلت بورد |
| ۱۸۰۰۰۰۰ | تخت معاینه |
| میز و صندلی و گوشی تلفن، وسایل روی میز و ... | |
| ۳۰۱۵۰۰۰۰ ریال | جمع: |

تعاریف مواد مورد نیاز:

- پنبه: برای پاکیزه کردن وسایل.
- الکل: برای ضد عفونی کردن وسایل.
- ژل (شفا): جهت عبور امواج التراسوند به داخل بدن.
- ملحفه و بالش و روبالشی.
- پرده های جدا کننده کابین ها.
- لوله لرای ایجاد دیواره های کاذب.

قیمت مواد مورد نیاز:

| قیمت به ریال | نوع مواد |
|---|------------------|
| ۱۲۵۰ | پنبه یک بسته |
| ۲۱۵۰۰ | الکل |
| ۱۵۰۰۰۰ | ژل (شفا) یک لیتر |
| ملحفه و روبالشی پرده های جدا کننده کابین ها | |
| ۱۰۰۰۰۰ | جمع |
| لوله برای ایجاد دیواره های کاذب | |
| ۱۱۸۷۵۰ | جمع: |
| ۳۸۱۰۶۸۷۵۰ ریال | جمع کل |

میزان اشتغالی:

مجموعاً ۵ نفر شامل: دو نفر فیزیوتراپیست زن و مرد و دو باجی زن و یک منشی مدت زمان مورد نیاز برای آموزش: ۴ سال در نظر گرفته شده است

یک باجی (همکار) پس از ۶ ماه کارورزی در کلینیک فیزیوتراپی می تواند بعنوان نیروی کمکی فعال انجام وظیفه نماید.

وسعت فضای مورد نیاز: با توجه به تعداد مراجعه کنندگان از حدود ۴۰ متر الی ۷۵ متر متفاوت می باشد.

۹- پارالل بار، برای آموزش راه رفتن.

۱۰- آینه قدی برای ایجاد و بازتاب های درمانی برای رفع نواقص حرکت های عادی.

۱۱- اسنیگها، قیوها، چوب و طناب و حلقه های «اس»، ست سینگل، برای انجام ورزشهای تعلیق درمانی.

۱۲- راه پله های مخصوص برای آموزش راه رفتن.

۱۳- تیلت بورد: برای آموزش تعادل اندام ها.

۱۴- وسایلی نیز برای دفتر معاینه مورد نیاز است که عبارتند از: میز و صندلی - تلفن - وسایل روی میز - منگنه - گونیاتیر (برای بررسی دامنه حرکتی) - متر پارچه ای (برای اندازه گیری طول اندامها) - نگاتوسکوپ (برای بررسی رادیوگرافی های اندام) - تخت معاینه - تراپلی و لاگر (قفسه های وسایل)

قیمت ابزار مورد نیاز:

| قیمت به ریال | نوع ابزار |
|--------------|-------------------------------|
| ۴۷۰۰۰۰ | دستگاه اشعه مادون قرمز |
| ۷۰۰۰۰۰ | دستگاه اشعه ماورای بنفش |
| ۴۱۵۰۰۰۰ | دستگاه التراسوند |
| ۱۲۰۰۰۰۰۰ | دستگاه شورت و یوود یا ترمی |
| ۸۵۰۰۰۰ | دستگاه ضد درد در TENS |
| ۳۱۶۰۰۰۰۰ | دستگاه اینتر فرانسیال تراپی |
| ۱۲۰۰۰۰۰۰ | دستگاه تحریک کننده عضلات |
| ۸۵۰۰۰۰ | دستگاه جریانهای دینامیک |
| ۲۱۵۰۰۰۰۰ | دستگاه کشش کامپیوتری |
| ۹۰۰۰۰۰ | دستگاه های ولتاژ |
| ۱۳۰۰۰۰۰۰ | حمام پارافین |
| ۵۰۰۰۰۰ | تخت های معاینه و تخت های چوبی |
| ۳۰۰۰۰۰ | وزنه ها و کیسه های شن |
| ۹۰۰۰۰۰۰۰ | فریم یا قفسه |
| ۶۵۰۰۰۰۰ | چرخ شانهای |
| ۴۵۰۰۰۰۰ | دستگاه مچ گردان |
| ۴۰۰۰۰۰۰ | دستگاه چرخ آرنج |
| ۴۸۰۰۰۰۰ | * مانکی بار (نردبان بار فیکس) |
| ۷۵۰۰۰۰۰ | پارالل بار |

گزیده‌ای از چند پایان نامه

اشاره:

یکی از اهداف مجتمع آموزشی - نیکوکاری رعد در انتشار فصلنامه «توان‌یاب»، راهیابی این نشریه به مراکز آموزشی و آموزش عالی است. به همین منظور و برای اینکه «توان‌یاب»، مخاطبان خاص دانشگاهی و فرهیخته خود را حفظ کرده و دامنه آنها را گسترش دهد، بر آن شده‌ایم تا در هر شماره با معرفی چند پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکتری، در زمینه‌های مرتبط با «توان‌یابی» به حضورتان برسیم تا بتوانیم در کنار تان بمانیم. در این شماره و به معرفی پنج پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته فیزیوتراپی پرداخته‌ایم.

پایان‌نامه‌هایی که آخرین آثار تحقیقی - دانشجویی و ضمناً رسمی در سطح کشور، مربوط به دانشجویان دانشکده توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی ایران می‌باشد.

اولین پایان‌نامه:

عنوان: بررسی تأثیر تمرین ذهنی، روی هماهنگی حرکتی اندام فوقانی بیماران همی‌پلژی

استاد راهنما: دکتر محمد رضا نوربخش

استادان مشاور: دکتر حسن عشایری، دکتر محسن شکوهی‌کیا، فیزیوتراپیست نادر معروفی و دکتر مهیار صلواتی.

به اهتمام: زهرا ایثارگر

سال تحصیلی: ۷۸-۷۹

در مقدمه این پژوهش می‌خوانیم:

با توجه به مجموع تحقیقاتی که تاکنون انجام شده، از یک سوا اهمیت کاربرد بالینی تمرین ذهنی مطرح می‌شود: کاربردی که راحت، با صرفه و بی‌خطر است و انجام آن خستگی جسمانی را به دنبال نخواهد داشت.

بویژه در مراحل از درمان که انجام حرکات فیزیکی مشکل، دردناک یا امکان‌ناپذیر است، این تمرینات می‌تواند جایگزین حرکات فیزیکی شده، یادگیری حرکتی را تسریع نماید. اضافه بر این، چنین درمانی سبب افزایش انگیزه بیمار شده، خود سبب پیشبرد برنامه توانبخشی می‌شود.

اما از سوی دیگر با توجه به کم بودن تعداد مطالعاتی که در حوزه کاربرد تمرین ذهنی در توانبخشی صورت گرفته، هنوز دقیق نمی‌توان پاسخ گفت که: آیا تمرین ذهنی را می‌توان مشابه تمرین فیزیکی برای

توانبخشی بیماران، مورد استفاده قرار داد؟

تحقیق حاضر با نیت پاسخ به چنین سئوالی طرح شد و ...

دومین ...

عنوان: مقایسه تأثیر دویدن به جلو و دویدن به عقب در برنامه تمرینی تخته تعادل بر روی تعادل استاتیک افراد سالم ۱۳-۱۷ ساله
استاد راهنما: دکتر غلامرضا شاه‌حسینی.

استادان مشاور: دکتر اسماعیل ابراهیمی، دکتر محمد جعفر شاطرزاده، دکتر محمد رضا کیهانی.

به اهتمام: عزیز رحمانی.

سال تحصیلی: ۷۸-۷۹.

در چکیده این پایان‌نامه، چنین آمده است:

کنترل وضعیت یک مکانیسم، رفلکسی است که از هماهنگی سه سیستم تعادلی به وجود می‌آید:

- سیستم بینایی، سیستم دهلیزی، سیستم حسی - پیکری.

به منظور نگهداری تعادل، بدن باید در یک وضعیت با ثبات در طی حرکت قرار گیرد و کوشش کند که مرکز ثقل را روی پایه تکیه‌گاه نگاه دارد. تعادل به وسیله حرکات مچ پا، زانو و ران، حفظ می‌شود و ممکن است وقتی که حرکات صحیح و با یک روش هماهنگ و نرم انجام نشوند، مختل شود. این سه سیستم تعادلی، به صورت ترکیبی کار می‌کنند و همگی در اجرای یک وضعیت هماهنگ و صحیح مهم می‌باشند. اختلال در یک سیستم به وسیله دو سیستم دیگر جبران می‌شود. در بعضی موارد ممکن است یکی از دو سیستم دیگر اطلاعات درستی به عنوان سازمان‌آوران جایگزین، ارائه دهند.

بنابراین به منظور پیشگیری از ایجاد ضایعات ورزشی، می‌توان تاکید ویژه‌ای روی افزایش آورانهای سیستم حسی - پیکری داشت و ...

سومین ...

عنوان: بررسی تأثیر اصلاح راستای استخوان کشکک به وسیله Taping بر روی نسبت فعالیت الکتریکی عضله پهن مایل داخلی به عضله خارجی، در حین انقباض ایزومتریک در دو زنجیره حرکتی باز و بسته.

استادان راهنما: دکتر اسماعیل ابراهیمی و دکتر غلامرضا علیایی.

استادان مشاور: دکتر محمد جعفر شاطرزاده و دکتر محمد رضا

به اهتمام: ابراهیم نصرآ.. پور

سال تحصیلی: ۷۸-۷۹

در مقدمه این پژوهش، چنین می خوانیم:

گرچه گزارش شده است که taping کشکک، باعث کاهش درد در سندرم مفصل کشککی رانی (PEPS) و افزایش فعالیت عضله پهن مایل داخلی (VMO) و اصلاح راسای کشکک می شود، ولی اطلاعات محدودی در تایید استفاده از taping کشکک در اصلاح راستای آن در دو زنجیره حرکتی باز و بسته وجود دارد.

محقق بر این عقیده است که هدف از این پژوهش، بررسی تاثیر ing-tap کشکک در افزایش نسبت فعالیت الکتریکی عضلانی: VMOVL (VL) عضله پهن خارجی) در حین انقباض ایزومتریک در دو زنجیره حرکتی باز و بسته است.

چهارمین ...

عنوان: بررسی مقایسه ای گشتاور فلکسوری و اکستانسوری ستون فقرات کمری در دو وضعیت ایستاده و نشسته، و زوایای مختلف فلکسیون ستون فقرات کمری در برابر حداکثر مقاومت اعمال شده توسط دستگاه ISO Station B- ۰۰۲.

استاد راهنما: دکتر حسین فراهینی.

استادان مشاور: دکتر اسماعیل ابراهیمی، دکتر محمد جعفر شاطر زاده، دکتر محمد رضا کیهانی و آقای عباسعلی پور مؤمنی.

به اهتمام: نوید طاهری کرچگانی

سال تحصیلی: ۷۸-۷۹

در مقدمه پایان نامه فوق آمده است:

کمر درد یکی از مهمترین ناتوانی ها در جوامع بشری در دوره صنعتی است که علاوه بر کاهش توانایی عملی فرد، سبب تحمل هزینه های درمانی بسیار می شود و شاید آماری که بیان می کند ۶۰ تا ۸۰ درصد افراد جامعه حداقل یک بار در طول زندگی خویش دچار کمر درد می شوند؛ وسعت و دامنه فراگیر این بیماری قرن را بهتر نشان دهد. اگر چه کمر دردها به انواع گوناگون و به شیوه های مختلفی تقسیم بندی می شوند، به هر حال کمر دردهای مکانیکی، از شایعترین انواع آنها محسوب می شود که سبب ارجاع بیماران زیادی به کلینیک های فیزیوتراپی می شود که با

در نظر گرفتن علل و علائم آنها، شاهد برنامه های تمرین درمانی مختلفی

در مراکز درمانی هستیم و ...

و پنجمین پایان نامه ...

عنوان: بررسی مقایسه ای راستای حرکتی طبیعی استخوان کشکک و مراکز حرکتی مفصل کشککی رانی در دو زنجیره حرکتی باز و بسته در ۴۰ دانشجوی پسر سالم ۲۰-۳۰ سال.

استاد راهنما: دکتر اسماعیل ابراهیمی.

استادان مشاور: دکتر مهیار صلواتی، دکتر شاهین گوهرپی و دکتر

نادر معروفی.

نگارش: نیلوفر نیری کرمی

سال تحصیلی: ۷۹-۸۰

در تنها پایان نامه سال تحصیلی ۸۰-۷۹ در مقطع کارشناسی ارشد فیزیوتراپی دانشگاه علوم پزشکی ایران، دانشکده علوم توان بخشی و در چکیده آن می خوانیم:

در این تحقیق که به صورت کارآزمایی بالینی انجام گرفت، بر روی ۴۰ نفر مرد سالم با میانگین سنی ۲۵ سال (که به طور تصادفی به دو گروه ۲۰ نفری تقسیم شدند)، به منظور مقایسه تحوه قرارگیری مراکز حرکتی مفصل حرکتی کشککی رانی و مسیر حرکت استخوان کشکک طی حرکت Fix زانو در دو زنجیره حرکتی، رادیوگرافی تهیه شد (هر ۲۵ درجه، یک عکس). مراکز حرکتی مفصل کشککی رانی در زنجیره حرکتی باز، با استفاده از روش Frankle تعریف شده و در زنجیره حرکتی بسته، (به غیر از تعیین مراکز به روش Frankle) با در نظر گرفتن اصل انجام نسبی حرکت در زنجیره حرکتی بسته و در اندام تحتانی، روش جدیدی در این طرح تعریف شده است.

«توان یاب» فصلنامه ای علمی تحقیقاتی است و می کوشد تا در جوامع علمی و دانشگاهی کشور مقامی درخور خود کسب کند و برای دستیابی به چنین هدفی و نیز برای معرفی پژوهش های دانشگاهی در هر شماره آن، به تفکیک رشته و دانشگاه، پایان نامه های مرتبط با توان بخشی را به صورت مختصر معرفی خواهد کرد. به همین منظور از تمامی دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا و همچنین پزشکان و کارشناسان دعوت می کند. تا در هر چه بر بارتر شدن این بخش از فصلنامه «توان یاب» دست یاری ما را بشارند و برای آشنایی جامعه علمی کشور با تحقیقات خود، مختصری از آن را در اختیار این فصلنامه قرار دهند.

میوه ها ، شاهکارهای طبیعت

نویسنده: M. Romand

مترجم: شهلا طالقانی

منبع: equilibre / juin ۲۰۰۰

مثل سیب و گلابی، حاوی فروکتوز و ساکاروز فراوان و سرشار از فیبر هستند و سلولز موجود در پوست آنها، انتقال مواد غذایی از روده را تسریع می کند، بکتین (۱) موجود در آنها نیز با حل شدن در آب، روند پخت و یخ زدگی در ساخت ژله ها و میوه جات را شکل می دهد.

میوه های تازه و آب دار، از لحاظ پتاسیم غنی و از لحاظ سدیم (نمک) فقیر و حاوی مقدار کلسیم (بویژه سبزیجات و انگورهای

میوه ها، موادی سرشار از ویتامین هستند که باید بخشی از تغذیه ما را تشکیل دهند این گروه از مواد غذایی کمتر چاق کننده اند اما تاثیرات آنها بر قند خون در افراد مختلف، متفاوت است.

میوه ها، مواد غذایی متنوعی هستند که با رنگ ها، ترکیبات، بو، طعم و مزه های مختلف، حواس پنجگانه ما را تحریک می کنند. آنها غالباً به عنوان مواد غذایی سالم و به عبارتی دیگر شاهکارهای طبیعت مطرح اند. این مواد اغلب اوقات برای مصرف آماده اند و معمولاً خام یا همراه با نمک و یا شکر مصرف می شوند. اگر گستردگی تنوع میوه ها نیز رو به کاهش رود، باز هم صدها میوه وجود دارند که از لحاظ ترکیبات داخلی به گروه های زیر تقسیم می شوند:

آبدار - حاره ای (استوائی) - خشک - میوه ها و دانه های روغنی

- میوه های آب دار: این میوه ها سرشار از آب هستند (۷۵ تا ۹۵ درصد) که به این ترتیب کالری کمتری دارند. برخی از آنها ممکن است ترش مزه باشند که میزان این ترشی به مقدار اسید موجود در ترکیبات آنها بستگی دارد مثل اسید سیتریک که در مرکبات یافت می شود (لیمو ترش، پرتقال، گریپ فروت)، میوه های قرمز چون: توت فرنگی و تمشک و میوه های حبه - دانه ای مثل: توت و انگور. - برخی نیز شیرین اند مثل: موز، گیلاس، سیب، گلابی، هلو، زرد آلو و...

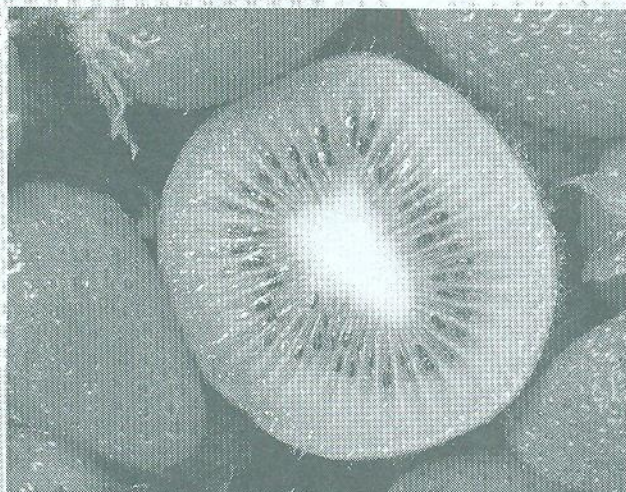
میوه سبز حاوی نشاسته است و این نشاسته بتدریج تا زمان رسیدن میوه به گلوکز، فروکتوز و ساکاروز تغییر می یابد. مثلاً یک موز رسیده فقط حاوی ۱ تا ۲ درصد نشاسته است.

در میوه ها، مقدار کل گلوکسید (قند ها) متغیر است (از ۵ تا ۲۰ درصد). برخی میوه ها مثل گیلاس، سرشار از گلوکز و برخی نیز

معمولاً میوه ها در طول سال به شکل های گوناگون وجود دارند: یخ زده، کنسرو یا طبیعی، خشک شده، کمپوت و آب میوه و... اما در بهار و تابستان، یعنی فصل هایی که از تنوع میوه سرشارند، بدون اینکه در مصرف افراط کنید، خود را به صرف تمام میوه هایی که تازه اند، مهمان کنید!

ترش) و منیزیم هستند (حدود ۵ تا ۱۰ میلی گرم برای ۱۰۰ گرم میوه). به مدد میوه های تازه آب دار است که نیازهای ویتامین ث بدن تأمین می شود. میوه های ترش، سرشار از ویتامین ث هستند. میوه های خام نیز ۲ برابر بیشتر از میوه های پخته حاوی ویتامین ث می باشند. میوه های رنگی مثل زردآلو، هلو و آلو دارای مقدار فراوانی

همه بخوبی می دانند که میوه ها به دلیل داشتن ویتامین ، فیبر و مواد کانی ، برای سلامتی مفیدند . ویتامین های آنتی اکسید مثل ویتامین های A , E , C و برخی از ویتامین های B که در میوه های و سبزیجات یافت می شوند ، تأثیری مستقیم در حفظ بدن در مقابل بیماریهای قلبی - عروقی دارند . تأثیر فیبرها بر عملکرد مطلوب



مجرای گوارشی و نیز کنترل عالی قند در افراد دیابتی که به حد کافی از آنها مصرف می کنند ، بارها مورد تأیید قرار گرفته است . به همین دلیل ، تغذیه سرشار از سبزی و میوه مطلوب است .

تأثیرات مستقیم میوه ها در قند خون یک دیابتی چیست؟

تأثیر میوه در قند خون ، غالباً بسیار متعادل است . میوه ها حاوی فروکتوز (قندی که آهسته و به مقدار کم قند خون را بالا می برد) و فیبر حل شدنی مثل پکتین (ماده ای که تخلیه معده و گوارش گلوکسیدها را کند می کند) هستند . به این دلیل میوه ها قند خون را به اندازه نان و یا گلوکسیدهای معادل ، بالا نمی برند .

آب میوه (عصاره) همیشه بیش از خود میوه قند خون را افزایش می دهد چون مایعات زودتر از جامدات هضم می شوند . مثل تمام غذاهای حاوی قند که اگر با غذاهای دیگر فاقد گلوکسید مصرف شوند ، اثرشان تعدیل می شود؛ اثر میوه ها نیز کاهش قند خون است . البته در مورد تأثیر قند بر افراد ، تفاوت هایی وجود دارد و تأثیر قند بر یک فرد ممکن است با فرد دیگر متفاوت باشد .

تأثیر میوه ها بر وزن : میوه های کم کالری چاق کننده نیستند و یک غذای سبک و ایده آل بین وعده ای را تشکیل می دهند . در

کاروتن (۲) یا پرو ویتامین A هستند . این ویتامین ها بخصوص در پوست میوه ها قرار دارند .

یک میوه پوست کنده را باید با احتیاط گفت که دارای ویتامین است ! برخی میوه ها سرشار از تانین هستند مثل به که سبب یبوست می شود .

یک میوه پوست کنده را باید با احتیاط گفت که دارای ویتامین است!

میوه های حاره ای (استوائی) : میوه هایی چون آناناس ، انبه و پایای (۳) همچون میوه های آب دار تازه ، سرشار از ویتامین B هستند (یک کیوی ۱۰۰ گرمی به تنهایی نیاز روزانه ویتامین B را برطرف می کند) .

میوه های خشک : برخی میوه ها را می توان خشک کرد (انگور ، موز ، انجیر و ...) از این رو برای مدت طولانی قابلیت کنسرو شدن دارند و چون ترد و شکننده نیستند ، به راحتی قابل حمل و نقل می باشند .

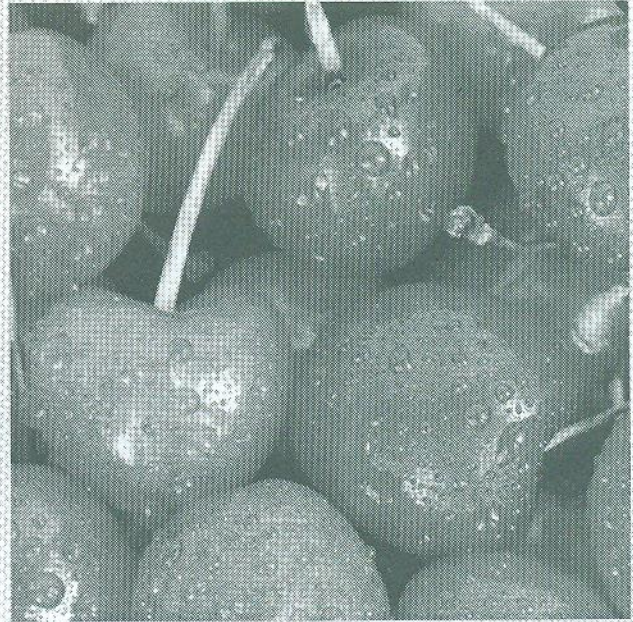
این نوع میوه ها از سوی افرادی که به ورزش پیاده روی منادرت می ورزند به عنوان یک غذای سبک مورد استفاده قرار می گیرند و با گلوکسید ۷۰ درصد و پتاسیم ، کنستانتره می شوند . میزان ویتامین B موجود در این نوع میوه ها چندان قابل توجه نیست .

میوه ها و دانه های روغنی : زیتون ، مغز بادام ، گردو ، فندق ، پسته و ... در این گروه از میوه ها قرار دارند و به دلیل داشتن لیپید فراوان ، سرشار از انرژی هستند . به استثنای نارگیل ، این نوع میوه ها به دلیل چربی فراوان چاق کننده اند و برای سلامتی شبکه قلبی - عروقی توصیه نمی شوند .

آنچه از گروه میوه ها باقی می ماند ، میوه های نشاسته ای مثل شاه بلوط است . آنها مثل مواد نشاسته ای (سبب زمینی و ...) باید قبل از مصرف ، پخته شوند و به عنوان میوه خام قابل خوردن نیستند .

کدامیک از گروه میوه های ذکر شده را باید برگزید؟

حقیقت، اگر درست انتخاب و تازه و کامل مصرف شوند، ضمن اینکه کاملاً ما را سیر می کنند، قند خون را نیز زیاد افزایش نمی دهند. بنا به دلایل ذکر شده، توصیه می شود، میوه های کم کالری را ۲ تا ۳ بار در روز بین غذاها و مجموعه غذاهای سبک، میل کنید (میوه = ۱۵ تا ۲۰ گرم گلوکوسید). در مورد میوه هایی چون گیلاس و گوجه



های کوچک مثل آلورزد، و یا انگور گاهی مشکل می توان آنها را معادل ۱ میوه مصرف نمود و در این مورد باید احتیاط کرد!

خرید و نگهداری میوه ها

میوه های فصل برداشت را بخريد. گرچه امروز دسترسی به میوه ها در تمام طول سال میسر است، اما خرید هر میوه در فصل برداشت آن، بهتر و ارزان تر است. برای اطمینان از تازه بودن میوه ها، خرید از فروشگاه های پر فروش و مصرف تدریجی آن میوه ها مطلوب تر است.

برای جلوگیری از تخریب همه میوه ها بهتر است میوه های خراب را جدا کنید. روش های نگهداری میوه ها به نوع میوه بستگی دارد. اصول مهم در این زمینه عبارتند از:

- نگهداری میوه ها در قسمت پایین یخچال.
- گذاشتن میوه های آسیب پذیر مثل میوه های قرمز و رسیده در یک گوشه یخچال.
- قرار دادن میوه های سبز و نارس در جای خشک و تاریک و

درجه مناسب.

جدول ۱-۱۰ گرم کربوهیدرات (= ۱ واحد کربوهیدرات = (واک)
معادل مقادیر زیر است:

| | |
|-----------------|-------------|
| ۱۰ عدد | - توت فرنگی |
| ۱ قاج | - خربزه |
| ۱ قاج | - هندوانه |
| نصف ۱ عدد متوسط | - دارابی |
| ۱ عدد متوسط | - یرتقال |
| ۱ عدد متوسط | - هلو |
| ۲ عدد متوسط | - زرد آلو |
| ۱ عدد کوچک | - سیب |
| ۱ عدد کوچک | - گلابی |
| ۱ قطعه دایره ای | - آناناس |
| ۱ عدد متوسط | - شلیل |
| ۱ عدد بزرگ | - کیوی |
| ۴ عدد متوسط | - آلو |
| ۱۰ عدد | - گیلاس |
| ۲ عدد متوسط | - انجیر |
| ۱ خوشه کوچک | - انگور |
| نصف ۱ عدد متوسط | - موز |
| ۱ عدد متوسط | - خرما |

پی نوشت ها:

۱- پکتین (Pectin) ماده ای است که از پوست مرکبات یا سیب استخراج می شود و قابلیت ژل شدن دارد. از این رو در صنایع غذایی برای پایدار کردن و قوام دادن به شیرینی، شربت و دسر فریز شده و نیز برای سفت شدن ژله و مربا مورد استفاده قرار می گیرد. (م)

۲- کاروتن ها (Carotens) رنگ دانه هایی زرد-نارنجی هستند که در سیب زمینی شیرین، کدو حلوائی، هویج، زردآلو و خلاصه کلیه میوه ها و سبزیجاتی که رنگ زرد-نارنجی دارند و نیز در سبزیجات سبز برگ مثل اسفناج به مقدار زیادی یافت می شود. امروزه در صنایع غذایی برای رنگ کردن کره، مارگارین، روغن نباتی جامد، خامه های مصنوعی و مخلوط کیک ها استفاده می شود. (م)

۳- میوه ای مربوط به سرزمین آمریکای مرکزی

گزارش فعالیت‌های گروه همیاری جوانان رع در سالی که گذشت

نویسنده: محسن توسلی عکس‌ها: یاسمن سمیعی

حامیان اندیشه سبز، بازیافت فرهنگسرای بهمن و بازیافت شهرداری تهران در این همایش به منظور معرفی مجتمع رع حضور داشت.
۳. همزمان با روز جهانی کودک از تاریخ ۱۶-۲۳ مهرماه ۸۰ جشنواره کودک و طبیعت در موزه دارآباد برگزار شد.

گروه جوانان همراه NGOها و تشکل‌های خصوصی دیگر در این جشنواره حضور داشت و به معرفی مجتمع و جمع‌آوری کمک‌های نقدی به نفع مجتمع پرداخت.

۴. همچنین گروه جوانان در زمینه تزئین سالن، فیلم‌برداری، دوربین مدار بسته و نظرخواهی در کنسرت‌ها و برنامه‌های مختلف حضوری فعال داشت. برنامه‌هایی چون کنسرت مردادماه، برنامه آذرماه و کنسرت گروه بانوان

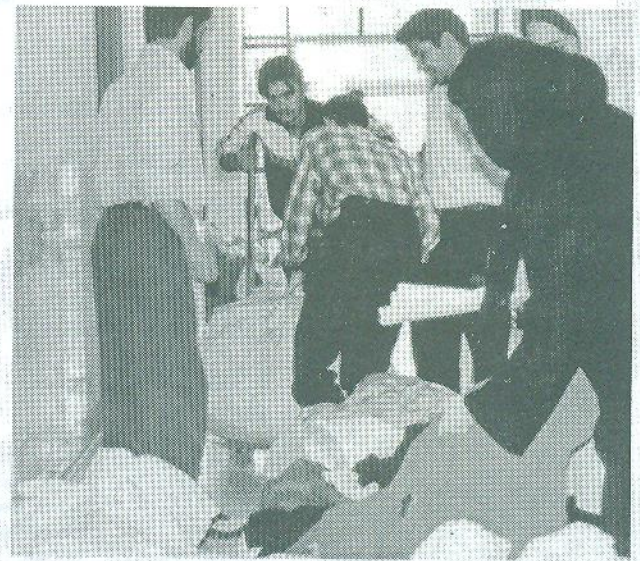
۵. شرکت در بازار آذر یکی دیگر از فعالیت‌های گروه جوانان بود. بازار آذر امسال به دلیل قرین شدن ماه مبارک رمضان با ماه آذر در ماه دی برگزار شد! اما به هر شکل گروه جوانان در زمینه تبلیغات، فروش بلیط، صندوق و سیستم صوتی بازار نقش داشت.

گروه جوانان دوست دارد تا از تمامی جوانان علاقمند در زمینه‌های مختلف دعوت به همکاری کند و دست تمامی دوستان را برای همکاری به گرمی می‌فشارد.
راستی آدرس میل ما بصورت زیر است:

Javanan_raad@yahoo.com

Javanan@Raad-ngo.org

به امید سالی خوب برای همه!



بار دیگر سالی نو در راه است و سال کهنه در حال رفتن و آنچه می‌ماند سپیدی و سیاهی است که بر دیوار زمان نقش بسته و طرحی انداخته از سیاهی کار ما! در پایان هر سال همه‌ی ما امیدواریم نمره‌ی عالی بگیریم اما حتی اگر نمره ما عالی هم نباشد، سال جدید را سال تحولی نو می‌دانیم و به هر تقدیر امیدواریم که هر سال بهتر از سال قبل باشیم.

گروه جوانان در سالی که گذشت این توفیق را پیدا کرد تا فعالیت‌های مؤثری را انجام دهد که در ذیل به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود:

۱. یکی از حوادث تلخ سالی که گذشت سیل خانمان برانداز استان گلستان بود که باعث کشته، زخمی و بی‌خانمان شدن تعدادی از هموطنانمان شد. گروه جوانان برای یاری رساندن به این عزیزان رنج کشیده در کنار مجتمع رع اقدام به جمع‌آوری کمک‌های نقدی و غیر نقدی نیکوکاران کرد و سپس این اقلام را برای ارسال به سیل زدگان دو روستای محروم آماده‌سازی نمود.

۲. شهرداری تهران به مناسبت روز پاکسازی کوه‌ها، همایشی تحت عنوان "روز بازیافت" به مدت یک روز در تاریخ ۸۰/۷/۱۶ برگزار کرد.

گروه همیاری جوانان در پارک جمشیدیه، همراه با گروه‌های

یک نامه، یک پیشنهاد

شما عزیزان و بانوان نیکوکار کارگاه‌هایی را جهت اشتغال بچه‌ها نسبت به آموزشی که در رعد دیده‌اند، تاسیس بکنید. به این صورت که افرادی که می‌خواهند کاری برای بچه‌ها انجام دهند، جمع بشوند یا به وسیله شما، این کارگاه‌ها را دایر نموده و بچه‌ها در این شرکت‌ها یا کارگاه‌ها به عنوان کارمند استخدام شوند و سود به دست آمده، مقداری برای هزینه صرف شود و مقداری برای حقوق و سود باقی‌مانده در حساب جاری رعد ریخته شود؛ برای تاسیس شرکت‌های دیگر برای اشتغال بچه‌ها.

اگر این کار عملی شود بچه‌ها با دلگرمی بیشتر کلاس می‌آیند، می‌دانند که پس از آموزش استخدام می‌شوند. این باعث می‌شود که ما بچه‌ها در جامعه بیشتر مطرح شویم و افراد جامعه، ما را بیشتر درک کرده و بشناسند و ان‌شالله دیگر مشکل کار نخواهیم داشت. به نظر من رعد، اگر در کل تهران یا کشور چندین شعبه بزند ولی برای اشتغال کاری انجام ندهد، سودی ندارد. به جای شعبه زیاد سرویس را زیاد کند، مشکل رفت و آمد سایر عزیزان هم حل شود و آنها از این مجتمع آموزشی استفاده نمایند و هزینه این شعبه‌ها صرف اشتغال شود. من و سایر دوستان به امید عملی شدن این پیشنهاد هستیم که بزرگترین مشکل ما حل شود. نمی‌دانم تا چه حد فکر درست است و عملی می‌شود ولی خیلی دلم می‌خواهد که این کار انجام شود تا تمام بچه‌ها شاغل شوند و اتحاد بینشان بیشتر شود و به همدیگر کمک کنند تا سایر دوستان هم دیگر این مشکل را نداشته باشند و از خداوند منان می‌خواهیم که به شما عزیزان توفیق عنایت کند تا در این راه موفق شوید تا لااقل اگر مشکل جسمی - حرکتی داریم مشکل اشتغال را نداشته باشیم. یک خواهش دارم به عنوان یک خواهر کوچکتر و آن این است که؛ شاید من خیلی از مسائل را نمی‌دانم و اشتباه فکر می‌کنم، پیشنهاد و خواسته‌ام زیاد باشد. به من بگوئید کجای کار اشتباه می‌کنم، خیلی خوشحال می‌شوم که خیلی فراتر از اینها فکر کنم. ببخشید از این که وقت گرانبهایتان را گرفتم. ارادتمند شما؛ فرشته رسولی

با عرض سلام حضور محترم بانوان نیکوکار رعد. ان‌شالله که حالتان خوب باشد و در تمام مراحل زندگی موفق و موید باشید. غرض از مزاحمتم این بود که از شما عزیزان تقاضا کنم همان‌طور که در آموزش از ما (من و بچه‌ها) حمایت و پشتیبانی و کمک می‌کنید، در امور اشتغال ما هم که مهم‌ترین مشکل ماست کمک کنید.

تنها آموزش فایده‌ای ندارد. چون اگر هم به نحو احسن آموزش ببینیم، چون کار نمی‌کنیم بعد از مدتی فراموش کرده به نقطه اول بر می‌گردیم. درست است که اشتغال، مشکل بزرگ جامعه است و فقط مشکل ما نیست، افراد سالم هم مشکل دارند؛ لیکن ما چند برابر آنها مشکل داریم. یکی از آن‌ها این که ۳ درصد سهمیه‌ای که مجلس تایید کرده، برای استخدام معلولین رعایت نمی‌شود. به خاطر همین مشکل، استخدام ما سخت است. گاهی اوقات هم بعضی از مدیران به خاطر درک بالا طوری رفتار می‌کنند که ما متوجه نمی‌شویم به خاطر مشکل جسمی استخدام نمی‌شویم. ولی بعضی از این عزیزان خیلی راحت می‌گویند: به خاطر مشکل جسمی‌ای که شما دارید، نمی‌توانیم شما را استخدام کنیم. در حالی که تمام ما که مشکل جسمی داریم، می‌توانیم و از عهده کار هم برمی‌آییم. و اگر بعضی از دوستان هم به خاطر مشکل زیادی که دارند اصلاً نمی‌توانند برای استخدام به شرکت‌ها مراجعه کنند، به این معنایست که این افراد نمی‌توانند کاری انجام دهند، بلکه خیلی بهتر از من هستند و خیلی باسوادتر و آگاهی بالاتر از من دارند.

افراد جامعه هنوز ما را نشناخته‌اند و باور ندارند و پی به استعدادهای دیگری که خداوند به ما داده، نبرده‌اند. فقط به مشکل جسمی ما توجه دارند و بس.

مشکل بیکاری باعث شده عده‌ای از این موقعیت سوء استفاده کنند و به بچه‌ها قول اشتغال می‌دهند، ولی عمل نمی‌کنند. من و تمام بچه‌های رعد این پیشنهاد را داریم و از شما می‌خواهیم که از این پیشنهاد ما حمایت و پشتیبانی بکنید.

نامه شما که حاوی پیشنهاداتی در جهت تسهیل اشتغال توان یابان و کمک به رفع این معضل بود از طریق گروه همیاری بانوان رعد به دفتر فصل نامه رسید. ضمن درج بی کم و کاست آن جهت اطمینان شما به اهمیتی که مجتبع رعد و در نتیجه نشریه توان یاب، برای آگاهی از انتقادات و پیشنهادات توان یابان بخصوص خوانندگان فصلنامه «توان یاب» قائل است. باید بگوییم مجتبع آموزشی نیکوکاری رعد براساس راهکارهای مدونی فعالیت

می کند که در منشور و اساسنامه آن پیش بینی شده. یعنی این مجتبع حداکثر تلاش، توان و نیروی خود را صرف آموختن حرفه های متناسب به توان یابان می کند. ایجاد کارگاه و کارخانه جهت اشتغال توان یابان کار آموخته بخصوص جذب آنان به عنوان کارگر و کارمند موجب دور شدن رعد از هدف اصلی و در نهایت تبدیل شدن آن به یک سازمان عریض و طویل و ناکارآمد می شود.

با این همه مجتبع رعد هم چون گذشته از طریق برقراری ارتباط با صاحبان صنایع حداکثر تلاش در زمینه فراهم آوردن بستر اشتغال برای کارآموزان خود را بکار خواهد برد.

باتشکر

خبر

گزارشگر: ترانه میلادی

پرداختن به هنر برای رسیدن به آرامش روح و روان و تقویت توانایی افراد مختلف امری است ضروری و آموزش هنر، آن هم به قشر «توان یاب»، راهی است زیبا و مطمئن که به درهای استعداد و توانایی های ناشناخته آنها، منتهی می شود. حاصل این آموزشها آثاری در خور توجه و پر ارزش خواهند بود که همگان را به تفکری عمیق تر در مورد استعدادهای توان یابان وادار خواهند کرد.

این مقدمه آغازی بود برای آشنایی شما با یکی از کلاسهای هنری که در مجتبع رعد دائر می باشد.

در خرداد ماه ۱۳۸۰ کلاس طراحی و نقاشی با آموزشهای مقدماتی خانم شهرزاد اصولی یکی از نقاشان هنرمند شکلی منسجم به خود گرفت. در طول هشت ماه آموزش با وجود کمبود امکانات و مشکلاتی همچون نبودن جای ثابت و مناسب برای استقرار کلاس و وجود وقفه های زمانی نسبتاً طولانی، کار آموزان علاقه مند و با استعداد این رشته با یاری و پشتکار خانم اصولی به مرحله پیشرفته در زمینه طراحی و نقاشی رسیدند.

هدف از تشکیل این کلاس آشنایی هنرجوها با اصول طراحی و نقاشی و همچنین رنگ آمیزی با مداد رنگی، آب رنگ و در مرحله

افتتاح شعبه جنوب غرب

مجتبع آموزشی نیکوکاری

رعد

براساس تصمیم هیئت امناء مجتبع و با توجه به آمار نسبتاً بالای توان یابان در جنوب تهران؛ اولین شعبه جنوب غرب در یک منزل استیجاری به متراژ ۱۴۰ متر مربع (در بلوار خلیج - شهرک سینا- کوچه یازدهم پلاک ۱۰۱) از شهریورماه ۱۳۸۰ راه اندازی شد و در مدت کوتاهی بیش از ۴۰ کارآموز جذب این شعبه شدند که در رشته های: کامپیوتر، تایپ فارسی و لاتین، خیاطی، قالی بافی و گل سازی تحت آموزش قرار گرفته اند و ظرفیت پذیرش صد کارآموز را دارا می باشد، ضمناً سرویس رایگان ایاب و ذهاب از سه راه آذری تا محل مجتبع برقرار شده است.

گزارش از کلاسهای نقاشی

رعد

توان یابان یزد

لزوم فراگیر کردن خدمات مناسب آموزشی برای توان یابان سراسر کشور، نیکوکاران بنیان گذار مجتمع رعد تهران را بر آن داشت که با هم یاری جمعی از نیکوکاران یزدی مرکزی برای ارائه این آموزشها در این دیار ایجاد کنند.

انجام این مهم در آذرماه ۱۳۷۶ همزمان با روز جهانی معلولان محقق شد. و این مرکز با پذیرش ۲۰ کارآموز توان یاب برای آموزشهای کامپیوتر، ماشین نویسی و سیم پیچی (الکتروتکنیک) شروع به کار کرد.

حوزه آموزشهای این مجتمع به مرور گسترده تر شد و توانست علاوه بر آموزش های یاد شده، آموزش کامپیوتر را که منحصر به اپراتوری و سیستم عامل بود در رشته های: فتوشاپ، فاکس پرو و سخت افزار نیز فعال کند. و در سایر زمینه ها آموزش حسابداری و خاتم سازی را نیز دایر کند.

تا به حال ۴۰۰ تن در رشته های یاد شده در مجتمع آموزشی نیکوکاری توان یابان یزد آموزش دیده، حدود ۹۰ درصد آنان موفق به دریافت مدرک رسمی سازمان آموزش فنی و حرفه ای شده اند.

همچنین این مجتمع خدمات آموزشی جداگانه ای جهت

پایانی رنگ و روغن می باشد و کارآموزان بعد از گذراندن این مراحل می توانند با برپایی نمایشگاهی اختصاصی آثارشان را به معرض دید و فروش بگذارند.

طراحی کارت پستال با نقشها و تیپ های ایرانی و سبک های هنری متفاوت، از جمله فعالیت های عملی کارآموزان در این مدت بوده است. با گذشت زمان و زیاد شدن علاقمندان به این رشته، مجتمع اقدام به برپایی کلاس های دیگری در زمینه طراحی مقدماتی کرده است و در حال حاضر سه کلاس با مربیگری خانم ها: مقدم، عباسی، قمی پور و صادقی در مجتمع برقرار می باشد؛ که هر سه کلاس زیر نظر خانم اصولی به کار خود ادامه می دهند و تا چند ماه دیگر، کلاس خانم مقدم، وارد مرحله کار با رنگ روغن خواهد شد. در اینجا با تشکر از مسئولین مجتمع رعد تقاضای کارآموزان توجه بیشتر مسئولین به این گونه کلاسهای هنری است تا مربی های عزیز با دلگرمی بیشتری به کار آموزش بپردازند.

مختصری درباره فعالیت های مجتمع آموزشی نیکوکاری



نابینایان در زمینه انواع بافتنی و قلاب بافی، آموزش موسیقی و کامپیوتر ارائه می کند.

جای بسی خوشوقتی است که اعلام کنیم حدود ۶۰ درصد کارآموختگان توان یاب این مرکز مشغول به کار شده اند. هفت مورد ازدواج بین آنان با نظر پزشک مشاور انجام گرفته، چندین مورد وام قرض الحسنه جهت اشتغال و ازدواج پرداخت شده و اخیراً هزینه های بیمارستانی پیوند کلیه به دو تن از توان یابان این مرکز که از نارسایی ارثی این عضو رنج می بردند، پرداخت شده است.

برای توان یابان این مرکز آرزوی توانمندی و برای نیکوکاران خیرخواه یزدی آرزوی سعادت‌مندی داریم.

آشنایی با دوره های جدید آموزشی رعد

آموزش سخت افزار

این کلاس هفته ای دو جلسه (دو روز در هفته) در مجتمع برگزار می شود و هدف از ایجاد آن، آشنایی کارآموزان با اجزای مختلف کامپیوتر و طریقه اتصال آنهاست.

پیش نیاز شرکت در دوره آموزشی سخت افزار گذراندن کلاس های ویندوز و اپراتوری است. در مرحله اول این کلاس، کارآموزان با اجزای مختلف رایانه از قبیل انواع مادربورد، هارددیسک، حافظه و ... آشنا شده، طریقه مونتاژ آنها را فرا می گیرند.

مرحله بعد، آشنایی با چگونگی نصب نرم افزار های مورد نیاز از قبیل: ویندوز، ان سی و ... است.

طول دوره ۶۴ ساعت، شامل ۴۰ ساعت آشنایی با سخت افزار و ۲۴ ساعت عیب یابی است.

از نظر کارآموزان، کسب مهارت در این دوره علاوه بر این که آنان را قادر به تعمیر کامپیوترهای خانگی می سازد، فرصت شغلی مناسبی نیز در اختیارشان می گذارد.

بیشتر کارآموزان از عدم وجود لوازم کافی برای تمرین عملی به

عنوان ضعف این دوره یاد می کنند و معتقدند که این ضعف باعث پایین آمدن بازدهی دوره می شود.

پیشنهاد می شود پس از پایان دوره، امکان تمرین عملی برای کارآموختگان در مجتمع فراهم شود تا آنان که در بیرون، دسترسی به رایانه ندارند نیز به نحو احسن از آموخته هایشان بهره مند شوند. توان یابان مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد رتبه های برتر را به خود اختصاص دادند.

توانیابان مجتمع آموزشی

نیکوکاری رعد رتبه های برتر را به خود اختصاص دادند

به گزارش روابط عمومی مجتمع، در جریان برگزاری مسابقات شای دهه مبارک فجر که روز شنبه ۱۳ بهمن ماه، در ورزشگاه کودکان و مادران بعثت برگزار شد؛ خانم ها الهام امیر کبیریان، فرزانه شوقی و رویا زاهد از توانیابان مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد رتبه های برتر رشته های مختلف را به خود اختصاص دادند.

بنابراین گزارش، الهام امیر کبیریان با کسب مقام اول شای ۱۰۰ متر آزاد تیمی، مدال طلای این رشته را از آن خود کرد.

همچنین فرزانه شوقی دیگر توان یاب این مرکز، موفق به کسب رتبه اول و مدال طلای رشته ۵۰ متر پروانه و مدال نقره رشته کراول پشت شد.

این گزارش می افزاید: رویا زاهدی، از دیگر کارآموزان مجتمع رعد، علاوه بر کسب مدال طلای ۵۰ متر کراول سینه و مدال برنز رشته ۵۰ متر کراول پشت، مدال طلای رشته ۱۰۰ متر آزاد را نیز به خود اختصاص داد.

نشریه توان یاب با تبریک این موفقیت ها به خانم ها امیر کبیریان، شوقی، زاهد و جامعه توان یابان ایران، برای این عزیزان آرزوی توفیق روز افزون دارد.

پدر خوانده جوانمرد

ترجمه: ابوالفضل امیر دیوانی

منبع: Reader's Digest 2001

دستشویی یکی از بیمارستان‌های کاتزاس سیتی، نوزادی را به دنیا می‌آورد. ولی بدن‌اف را محکم دور گردن او می‌پیچد و از عبور اکسیژن جلوگیری می‌کند و در نتیجه آسیب فاجعه‌انگیزی به مغز وی وارد شده، دچار فلج مغزی می‌گردد.

این طفل تقریباً به کلی نابینا و ناشنوا بود. ستون مهره‌هایش انحنا داشت و همین اشکال باعث می‌شد که به زحمت نفس بکشد. او نمی‌توانست سخن بگوید و یا همچون سایر بچه‌ها بازی کند! هرگز تحصیلات دبیرستانی را به پایان نرساند! حتی شوهر کردن و بچه دار شدن هم برایش امکان‌پذیر نبود!

بعد از اینکه هاجیسون و همسرش در یک دادگاه محلی اعلام کردند حاضرند این کودک سرراهی را بزرگ کنند، تیفانی فرزند خوانده آنها شد. مدت زمان زیادی نگذشته بود که مشکلات نگهداری از چنین کودکی برای پرستاران طاقت‌فرسا شد تا اینکه آقا و خانم این وظیفه سنگین را شخصاً به عهده گرفتند.

برخی افراد تعجب می‌کردند که چگونه «روی» در ۳۷ سالگی زیر بار چنین مسئولیت خطیری رفته است!

باربارا: دختر او، به دوستانش می‌گفت: "پدرم مهربان و با گذشت است؛ از این گذشته چون روی به فوریت‌های پزشکی آشنا بود، اطمینان داشت که برای این کار، آموزش لازم را دیده است.

هر چهار ساعت یک‌بار می‌بایست به وسیله لوله‌ای که به معده تیفانی وصل بود، به او غذا می‌دادند. ضمناً داروهایش نیز به همین

روی هاجیسون، در ماشین را باز کرد و کودک را به آرامی بیرون آورد. او را چنان به دقت در میان بازوان برقدرتش نگه داشته بود که گویی ظرف‌های چینی در بغل داشت. بچه را که تیفانی نام داشت، به خانه‌اش برد. از لحظه‌ای که آن مرد، کودک را توی پتوی گرم و نرمی پیچاند، شور و هیجان خاصی در دلش افکنده شده بود. به نظر می‌آمد که تصویری از کمال مطلوب باشد، ولی چنین چیزی صحت نداشت! حتی ضعیف‌دخترک، به هنگام تولد به شدت آسیب دیده بود.

روی هاجیسون، تیفانی را روی کاناپه گذاشت، به همسرش جودی، رو کرد و گفت:

"همه این لباس‌های نو و قشنگ را برای او خریده‌ام. بیا اول شست و شویش دهیم. سپس یکی از آنها را به او بیوشانیم تا ببینیم اندازه‌اش هست یا نه."

روی و جودی اغلب راجع به پذیرفتن کودکی به فرزندخواندگی با هم گفت‌وگو می‌کردند. زمانی که مسئولان سازمان حمایت از خانواده دریافتند تیفانی دختری عقب‌افتاده است و کسی حاضر به نگهداشتن او نیست، موافقت کردند که آن دو بعد از طی دوره مراقبت‌های ویژه، سرپرستی تیفانی را به عهده گیرند. هر کدام این‌ها از ازدواج قبلی خویش دو فرزند داشتند، لیکن هر دو مایل به داشتن بچه‌ای در خانه‌شان بودند.

سرگذشت تیفانی آن‌گونه که پزشکان و مددکاران گفته بودند، دردناک و دلخراش بود. چند وقت پیش یک نوجوان معلول ذهنی در

وقتی شب‌ها تیفانی را به خانه برمی‌گرداند، تیفانی نزد وی روی صندلی چرخدار خود می‌نشست و در همان حال، با روی شام می‌پخت و با شوخی و خنده بلند در حالی که گونه‌های او را نوازش می‌کرد، می‌پرسید:

- حدس بزن شام چی داریم. استیک یا مرغ سوخاری؟
تیفانی که نمی‌توانست هیچ کدام از این غذاها را بخورد، مهر و محبت او را با نگاهی پاسخ می‌داد.

گاه نیمه شب‌ها متوجه پشت قوزدار دخترش می‌شد و درمی‌یافت که بدنش سخت دچار حمله صرع گشته است. در این صورت اعضای بدن او را به آرامی مشت و مال می‌داد تا تنش آرام گیرد و به خواب فرو رود.

در ژرفای وجود این دختر روی اراده قاطعی را برای زنده ماندن احساس می‌کرد. گاهی روی در گوش کودک نجواکنان می‌گفت:

- تا زمانی که تو برای زیستن بجنگی، من نیز هم رزم تو خواهم بود.

آنان چنان به هم وابسته شده بودند که هر کاری روی می‌کرد تیفانی نیز آن کار را انجام می‌داد. چون نمی‌توانست بازی کند، پیوسته وی را همبازی خود می‌کرد. اگر به تالار غذا خوری (رستوران)، مرکز خرید، کلیسا یا حتی سر قرار ملاقاتی می‌رفت، تیفانی را هم با خود می‌برد.

همواره پیشاپیش به دوستانش گوشزد می‌کرد:

- ما از هم جدا نیستیم و یک روحیم در دو بدن!

با همه این احوال، احساسات و عواطف این پدر و دختر به قدری به هم عجین شده بود که هر زنی قادر به درکش نبود. روی یکی از دوستانش را برای صرف پیتزا و تماشای فیلم به خانه‌اش

ترتیب به او داده می‌شد تا مبادا دچار حمله‌های صرع شود. دخترک را روی تخت نوزاد در اتاق خواب اصلی می‌خوابانند. زن و شوهر شب‌ها تا صبح بیدار می‌مانند و تیمارداری می‌کردند.

در همان هفته اول که تیفانی پاهایش را تکان می‌داد، ناگهان انگشتان به لوله متصل به شکمش گیر کرد و آن را درآورد. به ناچار او را شتابان به بیمارستان کودکان واقع در کانزاس سیتی بردند تا لوله را به سر جای خود وصل کنند.

امور روزمره در عین تشویق، دارای محاسنی هم بود. هنگامی که روی، تیفانی را در گهواره‌اش می‌گذاشت و سر او را رو به روی گونه‌اش قرار می‌داد، با خوشحالی وول می‌زد و در چشمان مخلوط از آبی و سبزش، برقی می‌درخشید. وی به دیدگان دخترک چشم می‌دوخت و می‌گفت:

"چشم‌هایت مثل دو قطعه الماس برق می‌زنند."

زشته پیوند آنان محکم بود و دیری نگذشت که بعد از دو مین سالگرد تولد دخترک، آقا و خانم او را به فرزندپذیری پذیرفتند.

لیکن فشارهایی که بر اثر مراقبت از تیفانی وارد می‌شد، کاهش نمی‌یافت و به همین دلیل خانم چودی دیگر نتوانست طاقت بیاورد و در نتیجه از همسرش جدا شد. در چنین وضعی آنها بر سر دو راهی قرار داشتند. چه چیزی برای تیفانی بهتر بود؟

آیا می‌بایست از مراقبت‌های پزشکی خانواده‌ای برخوردار می‌شدند یا توجه جداگانه مهم‌تر بود؟

روی به بخش دوم قضیه معتقد بود و از طرفی هم نمی‌توانست از او دست بکشد. سرانجام حضانت کودک را به او واگذار کردند.

حالا در چنین وضعیتی او دیگر قادر نبود نوبت کاری‌های (شیفت‌ها) طولانی در قسمت فوریت‌های پزشکی کار کند. از همین رو کارش را عوض کرد و راننده خودرویی توزیع شد. تمام زندگیش حول محور دخترش می‌چرخید. او را با ابر مخصوص تمیز می‌کرد، داروهایش را متعادل می‌داد تا حمله‌های صرع را مهار سازد. تغذیه شامگاهی‌اش را آماده می‌کرد که بیشتر اوقات این کار، هشت ساعت طول می‌کشید. همچنان که بزرگتر می‌شد، بردن و آوردن پی‌پی به مهد کودک ویژه مراقبت از کودکان (ناتوان) و مراجعات پی‌درپی به پزشک نیز به برنامه کاری روزانه روی افزوده می‌شد.

دعوت کرد. چشم وی به تابلوی روی در اتاق خواب افتاد که نوشته شده بود: اتاق تیفانی. موقعی که پی برد او دختری معلول و عقب مانده دارد، به روی اظهار داشت:

- خوب نیست که این کودک تنها بماند. وی باید در جمع خانواده به سر برد. دیگر زمان تنهایی سر آمده است.

هر چند جای چنین موردی در زندگی هاجیسون خالی بود، ولی او به اندازه‌ای مشغله داشت که نمی‌توانست این تنهایی را درک کند. شغلش، پرستاری از تیفانی، دیدار از دو فرزندش و تمرین با موتورسیکلت، تمام اوقاتش را گرفته بود. طی این سال‌ها ریشش بلند شده و موی سر سیاهش را دم اسبی نموده و درست به سنک موتورسواران، دستانش را خالکوبی کرده بود.

روی، موتور نویی خرید و بعضی قسمتهای آن را آب کروم زد و تصمیم گرفت که در مسابقات موتور سیکلت سواری شرکت کند.

شب‌ها که از سرکار باز می‌گشت، تیفانی را به توقفگاه (گاراژ) موتور می‌آورد و صدای موسیقی مورد علاقه او را بلند می‌کرد و خود یکریز با موتورش ور می‌رفت. به دلیل کم‌شنوایی تیفانی او در یافته بود که وی ضربه‌ها را تشخیص می‌دهد او

نوسانات دل‌انگیز موسیقی محلی را خیلی

دوست داشت. بنابراین دخترک را به

یک طرف در صندلی اش می‌گذاشت

و درباره چرخ‌های مغناطیسی و

ترمزهای دیسکی و زرد و خوردهای

حین نمایش با او به گفت‌وگو

می‌پرداخت.

نخستین نمایش موتور برگزار شد و پدر

و دختر موتورسیکلتشان را داخل یدک‌کشی متصل

به خودروی باری (کامیون) گذاشته و به کانزاس سیتی بردند. حالا

تیفانی هشت سال داشت و به نظر می‌رسید که از غرش سهمگین

موتورهای مستقر در محوطه وسیع عرق لذت می‌شود. هنگامی که

روی وی را روی صندلی چرخدارش در اطراف محوطه می‌چرخاند

تا موتورها را تماشا کند، از شدت هیجان می‌لرزید.

در هر توقف، موتور سواران ریشو و چرم پوش گرد می‌آمدند،

ضربه ملایمی به پشت او می‌زدند و به دخترش سلام می‌دادند.

روی در آن نمایش برنده جایزه شد و دیری نگذشت که به

عضویت دائمی این نمایش‌ها در رقابت‌های دور و اطراف درآمد.

تیفانی هم در تمامی این قبیل مسابقات شرکت می‌کرد و با عموهای

جدیدش دیدار می‌کرد.

نمایش دیگرش در کانزاس سیتی برگزار شد. روی قادر نبود

بارکش را داخل تالار براند و از بابت تخلیه وسایل خویش و پیاده

کردن تیفانی که در یدک‌کش قرار داشت، دچار زحمت بود. یکی از

موتورسواران که سابقه دوستی با او داشت به وی گفت:

- به کارت برسن، من مواظب تیفانی ام. موتورت را به داخل ببر و

روشن کن.

چند سال متمادی، او و دخترش به همه ایالت‌ها عزیمت کردند

و حتی یک دفعه هم نشد که تیفانی در بین تماشاگران روی نباشد.

موقعی که موتورسواران برای دیدن این دو نفر به خانه می‌آمدند، به

نظر می‌رسید که دخترک گفت‌گویی آنان را کاملاً می‌فهمد؛ صدای

چکمه‌های سنگینشان را می‌شنود و نوازش ملایم دست‌هایشان را

روی سرش احساس می‌کند. تمام آنها که تعدادشان به چندین نفر

می‌رسید، عموی تیفانی می‌خواندند!

شاید در نظر مردم، ایشان افرادی خشن و بی‌رحم بودند؛ لکن

تیفانی، قلبشان را از گرمی عشق و محبت لبریز کرده بود تا جایی که

تحت تأثیر او در مسابقه‌ای که در آمدش به سود بچه‌های علیل بود،

شرکت کردند.

بیشتر اوقات تأثیر بر دیگران نامحسوس بود. یکی از عموهای

وی به نام بیل یانگ که ۵۶ سال داشت با افشانه (اسپری) موتورهای

ساخت کارخانه فورد را رنگ می‌کرد. او مردی لاغر، قوی و زرنگ

بود و رفتار خشنی داشت و تمام بدنش خالکوبی شده بود. هفت روز

هفته را کار می‌کرد تا بتواند مخارج همسرش و فرزندش را تأمین

کند؛ بیل از مشاهده رفتار مودبانه روی با تیفانی دچار نوعی حسادت

می‌شد. روزی محرمانه به او گفت:

- من هیچگاه بچه‌هایم را این‌طور که تو به تیفانی عشق

می‌ورزی، دوست نداشته‌ام. پیوسته می‌اندیشیدم که با برآوردن

نیازهای آنان، دلشان را به دست می‌آورم.



شیوه زندگانی روی در یانگ موثر افتاد به طوری که با الهام از او ساعات کارش را کم کرد تا بیشتر به خانواده اش برسد.

هنوز خلایی در زندگی روی وجود داشت که پرکردنش دشوار بود؛ تا اینکه با زنی به اسم آیلن آشنا شد. وی از همسر سابقش جدا شده بود و دختر نوجوانی داشت. در لحن کلامش آرامش و متانت موج می زد. سرانجام روی و آیلن به توافق رسیدند که به همسری هم درآیند. ولی آیلن می بایست در امتحان مهمتری قبول شود و آن اینکه به تیفانی دل ببندد و نگهداریش کند.

شبی که با خودرو به سوی غذاخوری می رفتند، روی تیفانی را روی صندلی کنار راننده نشاناد و آیلن بین آن دو نشست. در یکی از پیچ های جاده، خودرو از مسیر خود منحرف شد؛ در این موقع آیلن دستش را با احتیاط دور دخترک حلقه کرد و وی را صمیمانه در آغوش گرفت.

روی که این صحنه را از گوشه چشم می دید، با خود فکر کرد: او زنی است که در قلبش جای خالی زیادی برای مهر ورزی به دخترکی عاجز و ناتوان هست. آنها چند هفته بعد از جشن تولد ۱۵ سالگی تیفانی با هم ازدواج کردند.

دیری نپایید که آیلن هم در تعطیلات آخر هفته کت و جلیقه چرمی به تن می کرد و با همسر جدیدش به موتور سواری می پرداخت.

تا آن زمان چیزی فراتر از داروها، یعنی عشق، تیفانی را زنده نگه داشته بود، لیکن انحراف ستون مهره هایش روز به روز بیشتر می شد و به ریه ها و قلبش فشار می آورد و این ناراحتی علاج ناپذیر بود و دیگر یارای مدرسه رفتن نداشت. و در خانه بستری شد.

در یک روز دوشنبه، پیش از روز پدر، کم کم مایعی در شش های تیفانی انباشته شد. وقتی روی خود را شتابان و هراسان به خانه رساند، دخترک برای دمی، له له می زد. حتی با وجود کپسول اکسیژن و نوازش های آرام بخش پدر نیز، ساعت ها طول کشید تا رنجوری اش تسکین یابد.

تیفانی همه روزه برای نفس کشیدن تلاش می کرد. صبح زود روز شنبه، آیلن ساعتی را که خریده و در کاغذ براقی پیچیده بود، به تیفانی داد و گفت:

این هدیه را به عنوان روز پدر، به بابا بده.

فردای آن روز روی هدیه را در دست مشت شده تیفانی یافت. وی شب تا صبح بر بالین دخترش نشست و به آیلن گفت:

- من به او قول داده ام تا پایان عمر همراهش باشم.

بعد از ظهر روز بعد، تیفانی با حالتی زار و نزار سرش را بلند کرد، به نظر می آمد با احساس محبت آمیزی که در دیدگانش هویدا بود، به روی می نگرد. پدر با ملایمت به او گفت:

عزیزم، خوب است که دیگر بروی. راحتی تو در این است که از

این وضع خلاص شوی!

لحظه ای بعد سر تیفانی به بالش چسبید. آرامش بر چهره اش نقش بست و نفسش قطع شد.

هاچیسون در گوش دخترک چنین زمزمه کرد:

- عزیز در دانه ام، تو دیگر زجر نخواهی کشید. اکنون وقت آن

است که بخندی.

روی، به همه دوستانش که می خواستند در مراسم خاکسپاری تیفانی شرکت کنند، گفت:

- لباس چرمی بپوشید و سوار بر موتور بیایید.

او می خواست تمام عموهای دخترک، پوشاک همسان به تن کرده و سوار بر موتور هایشان بیایند؛ یعنی همان وضعی که تیفانی از دیدنش شادمان می شد!

صبح روز آفتابی مراسم، خیابان محل زندگی روی پر از موتور سوار بود. شش تن از آنها در جلوی خودروی حامل جسد تیفانی در حرکت بودند و گروه مشابهی هم از عقب می آمدند تا به گورستان کوچکی در دامنه تپه رسیدند. شمار زیادی از موتور سواران، خودروی سیاه (نعش کش) را دنبال می کردند. آنان در امتداد جاده پیچ در پیچ روستایی روان بودند. صدای غرش رعذ آسای موتورها در فضا پیچیده بود و این همان آوایی بود که تیفانی دوست داشت.

این رخداد، غم از دل روی زدود و قلبش را مالا مال از غرور و افتخار کرد. وی با خود اندیشید:

- تیفانی، ما برنده شدیم و بر مشکلات غلبه کردیم.

عشق این پدر به دخترش زندگی بخشید و زندگانی دختر برای

پدر، هدیه ای نبود جز عشق!

روزنه

از: مجتبی کاشانی

شعر سبزم را خواند

و کتابم را بست، نشست

من دلش را از لای نگاهش دیدم

که به من می خندد

و به خود می گوید:

«مثل اینکه شاعر

اهل آبادی نیست

دل بیهوده خوش باور و شادی دارد

که نمی خواهد غم را اقرار کند.»

من به او گفتم:

خیر

اهل اینچایم من

اهل همسایگی درد شما

بین مردم می افتم

بر می خیزم

همه غمها را می بینم

می فهمم

باور دارم

حتی

من غمی بیشتر از مردم دیگر دارم

غم بی آبی

بی نانی

بی بارانی

غم بیماری

بیکاری

سرگردانی

و غم نادانی

غم نان خوردن از راه تقسیم شادیاها

غم نان خوردن با نرخ زمان

غم نان خوردن از راه سوداگری مرگ

در کوه و کویر

غم گل دادن خشخاش در مزرعه همسایه

غم احساس زمان در زندان

غم بیمارستان

غم پیدا شدن دارو

در خلوت «ناصر خسرو»

غم پنهان شدن ناپاکی در پشت نقاب

رنج و اندوه دیالیزها

غم یک نایبنا

یک ناشنوا

یک معلول

غم یک آواره در خاک غریب

غم و اندوه زمین لرزه

در گوشه ای از خاک وطن

غم یک کودک در لحظه اعلام طلاق

و غم قاضی در دادن حکم

غم سرگردانی در راهرو دادسرا
غم بر هم زدن قانون با قدری پول
غم آلودگی «ما»

و «هوا»

غم برخورد پزشک

و پلیس

غم رفتار رئیس

رنج پیکار معلم در جبهه جهل

غم پیکار معلم با دست تهی

و غم پر شدن حافظه در مدرسه ها

غم پر شدن اندیشه، در دانشگاه

و غم مردن انگیزه در عرصه کار

درد کنکوری ها

رنج دلواپسی از آینده

مانم جمعیت

- غم روئیدن مردم بیش از گندم -

غم یک باغ که پژمرده در سایه برج

غم پیغام پرنده از پشت قفس

غم دل‌تنگی یک ماهی در تنگ بلور

غم پاییزی یک باغچه بعد از گل سرخ

غم کمرنگی عشق...

آری...

همه اینها را می فهمم

باور دارم

اما...

غم خود را در خویش نگه می دارم

و نمی پاشم دود دل خود را در باد

چونکه می پندارم

حق نداریم هوا را آلوده کنیم

زندگانی هنر هم‌نفسی با غم‌هاست

زندگانی هنر هم‌سفری با رنج است

زندگانی هنر سوختن اکنون تا روشنی آینده است

زندگانی هنر ساختن پنجره بر بیداری است

زندگانی هنر یافتن روزنه در تاریکی است

زندگانی گاهی،

آری

به همین باریکی است

در همین نزدیکی است

زندگانی هنر یافتن پارچه زیبایی است

زندگانی دوختن شادیهاست

و به تن کردن پیراهن گلدار امید

و برون آمدن از خانه

از کوچه بن بست زمستانی

در صبح بهار

روح سبزی را باید در خویش دمید

شعر سبزی را از نو بایست سرود

و سرود سبزی را همو اره باید زمزمه کرد

۱۳۷۶/۳/۲۰

گزیده‌ای از متون ادبی

خواججه بها، الدین نقشبند را ... پرسیدند که:
سلسله شما به کجا می‌رسد؟
فرمودند که:

از سلسله کسی به جایی نمی‌رسد!

از «کتاب فرزندگان»

گردآورنده: احمد بهشتی

روزی پیغامبر ما (ص) در انگشت مبارک، انگشتنیز را سه نوبت گردانید. در حال، جبرئیل از حضرت ربّ جلیل، بر آن پیغامبر جمیل، فرود آمد و گفت:

خدای تعالی می‌فرماید که:

می‌پندارید که شما را برای بازی آفریده‌ایم؟

به نقل از: دقایق الحقایق

شیخ احمد رومی.

روزی جمعی پیش او رفتند و او دریند بود.

گفت: شما کیستید؟

گفتند: دوستان تو!

سنگ در ایشان انداختن گرفت و همه بگریختند!

گفت: ای دروغ‌زبان، دوستان به سنگی چند از دوست خود می‌

گریزند!؟

معلوم شد دوست خودید نه دوست من!

تذکره الاولیا (ذکر شبلی نعمانی)

ترازو تنها نه این است که بردکانه‌ها آویخته‌اند

میوه را ترازوی دیگر،

سخن را ترازوی دیگر،

که بدانی که راست است یا دروغ است.

حق است یا باطل است.

آدمی را ترازوی دیگر

که بدانی که آن آدمی چند ارزدا!

از «کتاب فرزندگان»

گردآورنده: احمد بهشتی

درد آسمان

از: ترانه میلادی

تفسیر درد آسمان رعد است

و من

تسکین درد آسمان هستم

و تو

با درد آیا آشنا هستی؟

درد منشور ملالتهای ماست

درد حسی آشنا

با من و تو است

آن که رعد را دیده باشد

درد ما را می‌تواند حس کند

آنچه ما را می‌کند محزون

درد نیست

درد تکثیر نگاه‌ها،

بدون پرسش است

از میان دیدگان عابران

درد مشتی آب سرد

روی آتش‌های شوق

میل بودن‌ها

و ماندن‌ها

ولی تا آسمان ابری است

و درد آسمان باقی است

نمی‌بیند نگاه ما

پلی رنگین و رویانی

کنار آسمان خیس بارانی

try's Disabled Ladies Shooting Team.

3. The formation of new painting and designing classes is announced in this issue. The two classes are formed to admit those newly arrived applicants who may not yet be determined which vocational training field to undergo.

4. The last report concerns holding of the First Congress on Spinal Cord Damages in the Welfare and Rehabilitation University. Some forty-four papers were presented, two of which are application oriented and are therefore included in the issue of Tavanyab Quarterly for interested readers.

C. Scholarly Articles and Translations

This combined issue covers a number of articles and translations as follows:

1. The second and the final section of Dr. Ghassem Salehkou's article entitled Evaluation of the Role of the Non-Governmental Social Welfare Regimes in Reduction of Poverty: The Case of RRGC appears in this combined issue. In this section of the article, a summary of the variety of services provided, free of charge, by RRGC including rehabilitation, vocational training and auxiliary services is provided for interested readers. The author also explains the inside activities of volunteer groups, including the Ra'ad Charitable Ladies Association and The Ra'ad Youth Benevolent Association as well as the overseas branch, Friends of Ra'ad in the State of Virginia in the U. S. He concludes the study with explaining how the institution attracts financial and other assistance from Ra'ad supporters and how donations are used in provision of more and better quality services.

2. Also, the second (and final) section of the Farsi Translation, by Mr. Ali M. Ebadi, of the original essay by Ms. Ann Allen written in 1994 entitled Disability and Poverty in Industrial and Developing Countries. Based on data cited from some governmental and

international agencies, the author by evaluating some additional factors, including geographical location, marital status as well as living arrangements, education, etc., concludes that poverty and disability are strongly correlated. Another article, entitled the Effects of Sports on Compatibility of Disabled War Veterans, is a research conducted by Messrs. Ali Delavar, Baharam Saleh and Fariborz Dortaj on 100 Iranian disabled war veterans. The study concludes that sports do indeed have a clear positive effect on disabled war veterans in their dealing with psychological and social problems facing them after disability.

3. Another article, a translation by Ms. Sonia Arzomiance of the original title, Marlo's Pediatric Nursing written in 1976 discusses The needs of children with disabled brothers or sisters. The essay, by evaluating healthy children's personal and social reactions to their disabled sisters or brothers, suggests approaches to help these children cope with the bitter reality.

4. Another article by Mr. Nourizadeh, member of the faculty of Iran Medical University, the Physiotherapy Group, entitled "MS: Angry and Non Stop". While enlisting several symptoms of MS disease, Mr. Nourizadeh suggests how these patients can be helped in the family and in the society.

5. The last article is a selection from Dr. Gholamreza Ghassemi Kebria's speech given on the occasion of The International Day of the Disabled People ceremonies held on December 3rd at RRGC Headquarters, entitled "Ability in Disability". Citing verses from the Holy Qur'an and Islamic discourse, Dr. Kebria argues that, based on the factors according to which one can be considered able or disable, physically disabled people with healthy mind and thought can be more helpful to their society than those physically healthy people with sick mind and thought.

English abstract of the content of this Combined Issue of Tavanyab

Fall and Winter, 2001-2

A. News and Developments

1. The highlight of the events in Ra'ad Rehabilitation Goodwill Complex (RRGC) was the celebration of The International Day for Disabled Persons on 3 December 2001.

2. Dr. Tarzi, Director of United Nations Information Centre in Tehran, joined other guests representing some other NGO's, RRGC graduates as well as members of both RRGC volunteer groups, the Ra'ad Charitable Ladies Association and the Ra'ad Youth Benevolent Association. Deputy Managing Director, Mr. Madani, in a welcome address gave the audience a summary presentation of RRGC achievements, undergoing activities and future plans. His address was followed by UN Secretary General Kofi Annan's message on the occasion, which was read by Dr. Tarzi. The ceremony included variety of entertainment programs and concluded by presentation of awards to those disabled applicants who had made scholarly and artistic achievements during the past year.

3. Tavanyab's reporter provides readers with the traditional week long charity bazaar which was held at the campus with the support of both RRGC volunteer groups. The proceeds is, as in the past, donated to Ra'ad in support of its humanitarian mission.

4. Another good news for friends of Ra'ad is the opening of RRGC branch in South-

5. West of Tehran. Some 40 applicants have registered and are benefiting from free of charge vocational training in the newly established branch.

6. Tavanyaban-e Yazd, a sister institution which commenced operation in 1995, reports that some 400 local applicants have benefited from free of charge vocational training, 90 per cent of whom have successfully completed training programs and received official certificates. Of this total, the number of graduates who have become gainfully employed in the job market exceeds 60 per cent.

7. The final news item concerns RRGC's swimming team who have championed the swimming contests on the occasion of Dahe-ye Fajr (Ten Days of the Dawn, marking the celebration of the anniversary of the revolution).

B. Interviews and Reports

1. We have conducted an interview with the first RRGC managing Director, Mr. Mahmoud Ameri. He tells us how the institution, which initially commenced operation in 1984 with 6 disabled applicants housed in a modest room in a low-income suburb of the city of Tehran is now able to register some 400 applicants for each term.

2. Another interview is conducted with Ms. Belqeis Kholough, a disabled person who has recently been elected a member of the board of directors and Director of the Coordinating Council of Non-Governmental Organizations in Iran. Her body is half paralyzed due to a miscarried surgery at the age of 14. She is indeed an exemplary person in her achievements. She has earned M.A. Degree in History, is a researcher at Mouzeh-ye Iran Bastan (Iran Bastan Museum) and holds first place in the coun-



در این خانه باید شکوفاشدن
 توان یاب بودن تواناشدن
 شکستن در اینجا توانایی است
 که این خانه مهد شکوفایی است

در این خانه باید شکوفاشدن
 توان یاب بودن تواناشدن
 شکستن در اینجا توانایی است
 که این خانه مهد شکوفایی است

شعر: محسن مشایخی فرید (توان یاب)

خط: محمود حید احمدی

